

جزوه آموزشی رسانه

خبرنامه دانشجویان ایران

www.iusnews.ir

گفتاری منتشر نشده از وحید جلیلی درباره «سینمای دینی»

گفتاری از علیرضا پناهیان درباره اهمیت رسانه

گفتاری از سید شهیدان اهل قلم درباره رسانه

چیستی و چرایی استعمار مجازی؟

نقش صهیونیست در رسانه

نبايدهای رسانه‌ای

مروری بر دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری پیرامون رسانه

جریان شناسی رسانه‌های داخلی و ضد انقلاب

امپراتورهای فضای مجازی

سه گفتار درباره رسانه

رسانه‌های جدید

القبای خبرنگاری





ویژه نامه رسانه
پایگاه خبری «خبرنامه دانشجویان ایران»
www.iusnews.ir

صاحب امتیاز: خبرنگار دانشجویان ایران
سردبیر: مسعود فروغی
شورای تحریریه: محمد رضایتی، پیمان فراهانی، محمد مهدی نوری، علی فخمی، وحید محرابیان
همکاران این شماره: محسن نیکبخت، فاطمه مشایخی، سمانه فرجی، نیلوفر آرائی هوشمند،
فاطمه قهاری، عطیه ملتی، مانده فرزادی، زهرا خدابخش

۱ | مروری بر دیدگاه امام خمینی (ره) پیرامون رسانه

اهمیت رسانه ها - ۲
وظایف رسانه ها - ۱۱
نبايدهای رسانه ای - ۱۷

۲۱ | مروری بر دیدگاه مقام معظم رهبری پیرامون رسانه

اهمیت و کارکرد های رسانه ای - ۲۲
اهداف کلان رسانه - ۲۲
وظایف رسانه - ۲۳
راهبردهای رسانه - ۲۵
الزامات و شروط موفقیت رسانه - ۲۶

۲۸ | سه گفتار درباره رسانه

گفتاری منتشر نشده از وحید جلیلی درباره «سینمای دینی» - ۲۸
گفتاری از علیرضا پناهیان درباره اهمیت رسانه - ۳۲
گفتاری از سید شهیدان اهل قلم درباره رسانه - ۳۵

۳۸ | رسانه های جدید

چیستی و چرایی استعمار مجازی؟ - ۳۸
جبر در چارچوب های آزاد - ۳۹
امپراتورهای فضای مجازی - ۴۰
ياهو- ۴۰ / گوگل- ۴۴ / ویکی پدیا- ۴۶ / یوتیوب- ۴۸ / توئیتر- ۵۱ / فیس بوک- ۵۴
نقش مهیونیست در رسانه - ۵۷

۶۹ | نگاهی گذار به رسانه های داخلی و ضد انقلاب

جریان شناسی رسانه های داخلی - ۶۹
جریان شناسی رسانه های ضد انقلاب - ۷۱

۷۸ | الفبای خبرنگاری

تعریف خبر - ۷۴
ارزش های خبری - ۷۴
ارکان خبر - ۷۴
سبک های خبرنگاری - ۷۵
منبع خبر - ۷۶
لید - ۷۶
تیتر - ۷۷
مصاحبه - ۷۷
گزارش نویسی - ۷۸
مقاله - ۷۹

حق انتشار این مجموعه برای خبرنگاران دانشجویان ایران محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

:. حرف نخست

علی خضریان

هیچ پدیده اجتماعی نمی تواند مستقل از پدیده های دیگر پویایی و ماندگاری خود را حفظ کند. اتصال پدیده های اجتماعی به یکدیگر جریان های تأثیر گذار و تأثیر پذیری بین اجزای جامعه را ممکن می کند، و زندگی نو، حیات جامعه را تداوم می بخشد.

دوره دانشجویی که به طور مشخص در نقطه عطف جوانی قرار دارد پیوند بین نسل ها و حیات و پویایی جامعه را ضمانت می بخشد و دانشگاه به عنوان یکی از مهمترین مکانیزم های تحول و زندگی در جامعه مأمّن فعال ترین طبقه اجتماعی است.

اما دانشجو و دانشگاه به عنوان یکی از پدیده های مهم اجتماعی نمی توانند- و نباید- تنها نظاره گر تأثیر گذاری و تأثیر پذیری بین اجزای جامعه باشند، دانشجویان نه تنها خود در جریان حرکت جامعه قرار دارند بلکه می بایست در سرعت بخشیدن و جهت دادن به حرکت های اجتماعی نقش جدی ایفا نمایند.

از آنجایی که به اعتقاد قریب به اتفاق نظریه پردازان، امروز جهان در دست کسی است که رسانه ها را در اختیار دارد چرا که با رسانه ها می توان جامعه را جهت داد، مشتریان را وادار به خرید کرد و سیاست ها و استراتژی های بلند مدت خود را به راحتی جامه عمل پوشاند، جریان دانشجویی برای حفظ جایگاه پیشرو خود نیازمند تسلط بر این ابزار است.

این در حالی است که امروزه وسعت و گستردگی وسایل ارتباط جمعی و تبلیغی در جهان به شکلی است که به واقع سرتاسر کره زمین، زیر چتر و تحت پوشش این قبیل وسایل و دستگاه ها قرار گرفته که افزایش روز افزون آنها، امروزه به نحو بارزی جلب نظر می کند.

در بیان اهمیت و نقش رسانه و هدایت افکار عمومی می توان به پروتکل دوازدهم فلاسفه خبیث صهیونیسم اشاره کرد که در آن آمده است: «ما جریان مطبوعات و روزنامه نگاری را بدین صورت در خدمت خویش درمی آوریم. آرام آرام به سمت صهیونی کردن مطبوعات حرکت می کنیم و افسار و عنان آن را به دست گرفته و به سمت خود منعطف می سازیم؛ ما نباید بگذاریم که دشمنانمان به روزنامه ها و رسانه های خبری ای که بیانگر آراء و نظرات آنان باشد دست یابند؛ هیچ خبری نباید بدون کنترل و نظارت ما برای مردم بیان شود. باید روزنامه های مختلفی داشته باشیم و بوسیله آنها دموکراسی! جمهوری خواهی! و انقلابی گری و بالاتر از همه لابی گری را ترویج کنیم تا هرگاه خواستیم شور و هیجان ملتی را برانگیزیم و هرگاه خواستیم آرام کنیم». همچنین به سخنرانی «راشورون» خاخام یهودی در سال ۱۸۶۹ که در شهر پراگ ایراد کرد می توان اشاره کرد که گفت: «اگر طلا نخستین ابزار سیطره ما بر جهان است بی تردید رسانه دومین ابزار ما خواهد بود».

با تأملی در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که مظهر مردم سالاری دینی و آزادی اندیشه و قلم می باشد در می یابیم که رسانه ها تا چه اندازه در تداوم آرمان های اصیل اسلام و انقلاب ویا بالعکس به چالش کشیده شدن آنها نقش داشته است که محیط مهم آن در دانشگاه مشهود و جاری است؛ حوادثی که بر اثر حاکمیت جریان استحاله طلب پس از دوم خرداد ۷۶ توسط قلم به دستان دگراندیش در محیط مقدس دانشگاه اتفاق افتاد از ذهن هیچکس زدوده نخواهد شد، توهین به مقدسات، ارزش ها و اصول اساسی اسلام، نظام و انقلاب در محیط دانشگاه چیزی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت؛ فلذا بر فعالان و دست اندرکاران رسانه های ارزشی و دلسوز در دانشگاه فرض است که با تمام توان و اندیشه خود از چارچوب های دانشگاه اسلامی محافظت کرده و مؤلفه های دانشگاه مبتنی بر تفکر اسلام و انقلاب را تبیین، ترویج و تثبیت نمایند.

این مهم در سال های اخیر و پس از آنکه جریان دانشجویی اسلام گرا مقتدر به دریافت سردوشی افسری جنگ نرم گشته است قطع یقین بر اهمیت نقش دانشجو و دانشگاه در عرصه رسانه ای- به عنوان ابزار مهم جنگ نرم- افزوده شده است.

البته همانطور که جامعه را می بایست به سمت افکار صحیح و درست سوق داد در خصوص رسانه های دانشجویی نیز باید با تربیت و پرورش نیروهای متعهد در دانشگاه ها زمینه حضور آنها را تقویت نمود. بر همین اساس خبرنگار دانشجویان ایران به عنوان یکی از پایگاه های فعال در حوزه رسانه ای و با درک اهمیت این مهم اقدام به انتشار این ویژه نامه کرده است.

امید آنکه با عنایت پروردگار متعال برگ سبز حاضر با همت والای شما در خدمت نشر و گسترش اهداف و آرمان های انقلاب و اسلام، منویات مقام معظم رهبری و اندیشه های نورانی امام راحل قرار بگیرد.

مروری بر دیدگاه امام خمینی (ره) پیرامون رسانه

اسلامی لفظ جمهوری دستان آمده، باقیش همان طاغوت [است] همان است که بود.

*****صحیفه امام ج۸ج سخنرانی [در جمع مسئولان و کارکنان مجله “خواندنیها”]

رسانه باید مرکز آموزشی باشد

رادیو- تلویزیون را که من مکرر ذکر کرده‌ام از آن و گفته‌ام این باید یک مرکز آموزشی باشد، و حالا هم می‌گویند که یک جهت دیگری هم در آن پیدا شده است، یک دستگاه دیگری؛ دوره دومی هم برایش هست، این باید به طور آموزشی- تربیتی مردم را تربیت بکند. باید ما متوجه این معنا باشیم که در یک زمانی داریم زندگی می‌کنیم، در یقوقتی داریم زندگی می‌کنیم که ملت ایران به بعضی از آرزوهای خودش که عبارت از عدالت باشد، عدالت اجتماعی فی الجمله باشد رسیده‌اند و دست اشرار را کوتاه کرده‌اند. حالا باید این دستگاههایی که سابق در خدمت ظالمها بودند و در خدمت حکومت جور بودند و برای آنها کار می‌کردند، اگر اشخاصی هم در این زمان هستند که آن وقت هم کار می‌کردند، برای جبران آن معصیتهایی که در آن وقت کرده‌اند در اینجا جبران کنند. و این دستگاه را؛ دستگاه دومی که گفته می‌شود که باید باز اجرا بشود، یک دستگاه عدالتی، یک دستگاه آموزشی به حسب معنای واقعی، متوجه باشند که این جوانهای ما در همه جایی که هستند، در پنجاه سال آموزش خراب داشتند نه فقط در دانشگاهها که آن قدر خراب بوده؛ در همه جا. برای اینکه، وقتی یک تلویزیونی، یک رادیویی، یک روزنامه‌ای، یک مجله‌ای، مجله‌ای باشد که، یا دستگاههایی باشد که فاسدکننده است، این در تمام قشر ملت فساد ایجاد کرده است. جوانهایی هم که در صحراها بودند که به این چیزها گاهی گوش می‌کردند و این روزنامه‌ها را گاهی می‌خواندند، آنها هم به فساد کشیده شده‌اند، حالا باید جبران بشود این معانی. باید معصیتهایی که کرده‌اند جبران بکنند. باید دستگاه تلویزیون یا مطبوعات ما جبران بکنند آن کارهایی را که سابق شده است و کرده‌اند، و باید دستگاههای آموزشی باشند واقعاً به تمام معنا، و جداً دنبال این باشند که فیلمهایشان فیلمهای فاسد نباشد؛ فیلمهایی باشد که برای مملکت ما الآن به درد بخورد.

*****صحیفه امام ج۱۲ کاهش اختلافات در سطح جامعه

رادیو- تلویزیون یک دانشگاه عمومی

یک حرفی هم راجع به این دستگاه تبلیغاتی- تلویزیون و امثال اینها، رادیو و اینها- دارم و آن اینکه این دستگاهها آن وقتی که در خدمت طاغوت بود، دستگاههایی بود که یا تقویت طاغوت را می‌کردند- به مجرد اینکه پیچ رادیو را می‌گرفتند “اعلیحضرت آریامهر، کذا” شروع می‌کردند تبلیغات کردن، تبلیغات میان تهی- و یا مردم را از مسائل اصلی دور می‌کردند. بنا بر این بود که رادیو- تلویزیون و اینها که در سطح کشور- در تمام سطح کشور- انتشار پیدا می‌کند و مردم با گوششان و چشمشان مسائل را ادراک می‌کنند، و آن کسی که بیسواد است هم در اینجا می‌تواند بفهمد [و] آن کسی هم که با سواد است هست، این بسیار اهمیت دارد. هم برای آنها بسیار اهمیت داشت که مردم را در سطح وسیعی خواب کنند و غافل کنند و چپاول کنند، و هم حالا که بحمد الله اسلامی شده است و وظایف اسلامی را می‌خواهد عمل بکند. حالا باید یک فکری برای رادیو-

تلویزیون بشود که- چنانچه فکر شده است و می‌شود- لکن بیشتر عنایت بشود که کسانی که در اینجا سابق در خدمت طاغوت بودند و همه فسادها را می‌کردند، حالا باید اینها تصفیه بشوند. کسانی که تا دیروز بر ضد ملت و بر ضد انقلاب ما سخنرانی می‌کردند، نمایش می‌دادند، همه بساط را درست می‌کردند، و حالا آمدند و اظهار اسلام و دیانت می‌کنند، از اینها نمی‌توانیم ما بپذیریم. این هم باید تصفیه بشود. رادیو و تلویزیون یک دستگاهی است که هم در طرف تبلیغات فاسد اهمیت زیاد دارد و هم در طرف تبلیغات صحیح. این با آن طوری که از اول شاید آنهايي که درست کردند اینها را نظر آموزشی داشتند به اینها، [به] این دستگاهها. تمام مطبوعات [هم] این طور است منتها اهمیت تلویزیون بیشتر از همه است، اهمیت رادیو- تلویزیون بیشتر از همه است. این دستگاهها دستگاههای تربیتی است؛ باید تمام اقشار ملت با این دستگاهها تربیت بشوند؛ یک دانشگاه عمومی است. دانشگاهها دانشگاههای موضعی است، این یک دانشگاه عمومی است یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است. باید از آن، عمل دانشگاه را، به آن اندازه‌ای که می‌شود، استفاده کرد. باید این دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند، تمام را مبارز بار بیاورد، تمام را متفکر بار بیاورد، تمام اینها را مستقل بار بیاورد، آژدمنش بار بیاورد، از غریزگی بیرون کند؛ استقلال به مردم بدهد. این از همه چیزهایی که در این دستگاهها هست مهمتر است؛ و این وظیفه دارد که با مردم حکم معلم و شاگرد داشته باشد. اشخاص نویسنده، اشخاص گوینده، اشخاص فهیم، اشخاص مطلع در اینجا صحبت بکنند. فرصت به آنها بدهند که در اینجا صحبت بکنند. زیادند اشخاص که پیشنهاد این معانی را می‌کنند؛ به اینها باید فرصت بدهند و آنها صحبت بکنند. به جای آن چیزهایی که به درد ملت نمی‌خورد یا مضر به حال ملت است، یک چیزهای مفید را به مردم بدهند و یک غذای مفیدی به مردم بدهند؛ مردم را تغذیه کنند به غذاهای صحیح سالم. و من امیدوارم که این دستگاه هم همان طوری که وعده کردند که بتدریج درست بشود، قدم را یک خرده بلندتر بردارند و زودتر ان شاء الله تصفیه بشود و تعدیل بشود.

*****صحیفه امام ج۶

اهمیت نقش رادیو و تلویزیون

من کراراً به آقایانی که از رادیو- تلویزیون اینجا آمده‌اند تذکر دادم که این دستگاهی که شماها اداره می‌کنید؛ حساسترین دستگاهی است که در این کشور است. سایر رسانه‌ها از قبیل مطبوعات و اینها مؤثرند، لکن در یک قشر خاصی. اولاً، تیراژشان آن قدر زیاد نیست که به همه کشور و به همه افراد برسد. و ثانیاً، بسیاری از افراد کشور ما هستند که سواد ندارند تا بتوانند استفاده کنند. لکن و از آن طرف، تا آمده است که روزنامه‌ها به دست اشخاصی که دور هستند برسد، باز دو سه روزی، یک دو روزی، طول می‌کشد. اما رادیو یک دستگاهی است که همه قشرهای ملت و همه افراد- چه با سواد و چه بیسواد- از آن استفاده می‌کنند.

و رادیو- تلویزیون علاوه بر اینکه جهت سمعی دارد- استفاده سمعی- یک استفاده بصری هم دارد. و الآن هم وضع طوری است که در همه دهات کشور ما، بلکه شاید سایر کشورها هم در دهات کوچکش هم، این رادیو و تلویزیون هست. مثل سابق نیست که منحصر باشد به یک دسته‌ای. اشخاصی هم که مثلاً ضعیف هستند از حیث مادیات مع ذلک کوشش می‌کنند که خرج خودشان را کاهش بدهند و یک رادیو بخرند؛ و شاید بسیاریان هم تلویزیون هم داشته باشند. و شما هر حرفی را که منعکس کنید در رادیو همان آن، به همه کشور و به همه جاهایی که موج رادیو می‌رسد همان آن می‌رسد. و اگر این دستگاه یک دستگاه صحیح باشد این می‌تواند یک خدمت بسیار بزرگی، بالاتر از همه خدمتها به مملکت بکند. هیچ واعظی نمی‌تواند حرف خودش را جز در آن چهار دیواری که او هست- اگر رادیو نباشد- نمی‌تواند برساند؛ و هیچ گوینده‌ای نمی‌تواند حرفش را بیش از آن جایی که محیط خودش هست، یا حالا بلندگو هم که هست یک قدری زیادتز؛ اما این دستگاه دستگاهی است که حرفها را تا اعماق دهات و

شهرستانها و خارج و اینها می‌رساند.

*****صحیفه امام ج۱۰ سخنرانی [در جمع کارکنان صدا و سیما (مقابله با توطئه‌ها)]

اهمیت رادیو- تلویزیون

از اولی که رادیو و تلویزیون در اختیار جمهوری اسلامی واقع شد، راجع به آن نگرانی داشتم. برای اینکه این سازمانی است که اگر خوب باشد مملکت ما خوب می‌شود و اگر فاسد باشد، ممکن است که بسیار فساد ایجاد کند. از این جهت، تذکراتی باید به شما بدهم. یکی اینکه این دستگاه رادیو- تلویزیون که در خانه‌های حتی روستاها، در همه جا نفوذ دارد، اگر صد در صد اسلامی نشود، معنایش این است که اسلام در ایران پیاده نشده است. اگر بنا باشد رادیو- تلویزیون در خدمت دسته‌ای و یا گروهی که منحرف هستند و اعوجاج دارند قرار داده بشود، ممکن است که سرتاسر مملکت را به فساد بکشد. از این جهت شما موظفید؛ هم وظیفه شرعی و هم وظیفه قانونی دارید که دستگاه رادیو- تلویزیون را از گروههایی که منحرف هستند، و یا ارتباط با رژیم سابق داشته‌اند و در خدمت آنها بوده‌اند تصفیه کنید، و اشخاصی که فاسد هستند که موجب فساد می‌شوند را هم تصفیه کنید. شما باید اینها را با کمال قدرت بدون هیچ ملاحظه‌ای از رادیو و تلویزیون تصفیه کنید. و مهمتر از همه قضیه اخبار است که باید کاملاً دقت شود که اشخاص منحرف در آن راه نیابند. آخر جمهوری اسلامی فقط لفظش که نیست، باید واقعیت پیدا کند. الآن ما به هر کجا که سر می‌زنیم می‌بینیم که فسادهایی در آن هست. باز اسلام به صورتی درست پیاده نشده است. ولی چون این مهمتر از همه است پافشاری من نسبت به رادیو- تلویزیون بیشتر از چیزهای دیگر است. برای اینکه این فسادش موجب فساد ملت و جامعه می‌شود. برای اینکه چیزی که در اینجا گفته می‌شود، سرتاسر مملکت آن چیز پخش می‌شود، و انحراف در سطح مملکت و همچنین در خارج پیدا می‌شود.

*****صحیفه امام ج۱۲ سخنرانی [در حضور مدیر عامل صدا و سیما]

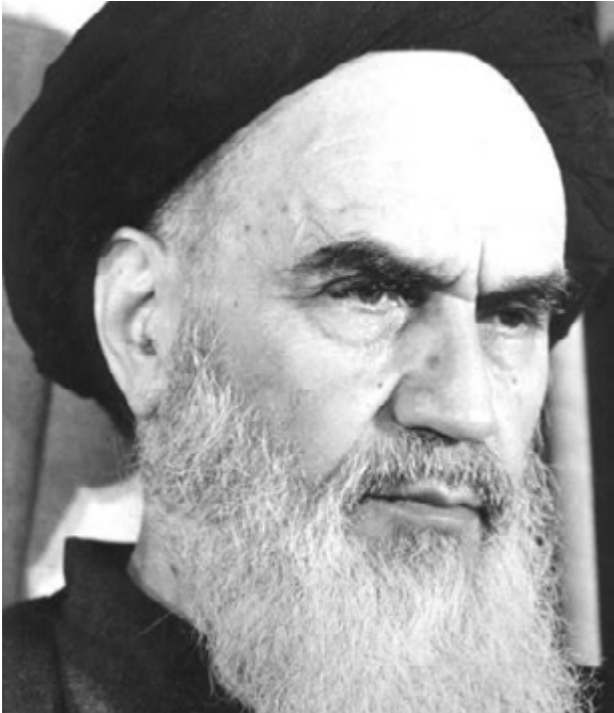
نقش حساس رادیو- تلویزیون

و آن وقت هم قضیه رادیو- تلویزیون فرق دارد با قضایای دیگر. ممکن است در یک وزارتخانه یک مطلب خلافی بشود، بعد از ده سال دیگر هم مردم نفهمند؛ اما رادیو- تلویزیون اگر یک کار خلافی بشود و بخواهد یک چیزی باشد که بر خلاف شرع، بر خلاف مسیر ملت، یک چیزی نمایش داده بشود یا گفته بشود، همان روز اول و ساعت اول همه کشور- الآن هم که همه جا رادیو هست، تلویزیون هم شاید اکثر جاها باشد- سرتاسر کشور یکدفعه ملتفت می‌شوند که یک همچو مسئله‌ای است. از این جهت، این دستگاه حساسترین دستگاهی است که در مملکت موجود است؛ یعنی از حیث اینکه در رادیو- تلویزیون هم چشم می‌بیند، هم گوش می‌شنود، آن هم در یک سطح وسیع همه جایی، و رادیو در خارج هم پخش می‌شود و همه آنجاهایی که موجش می‌رود اطلاع بر آن پیدا می‌کنند و اگر خدای نخواسته این دستگاه یک وقتی نقیصه داشته باشد؛ یعنی بر مسیر ملت نباشد، بر مسیر اسلام نباشد، این خطرش بیشتر از این است که وزارت مثلاً فلان بر مسیر اسلام نباشد. این وقتی بر مسیر اسلام نباشد، سرتاسر ایران و بسیاری از کشورها می‌فهمند به اینکه این بر مسیر اسلام نیست. و برای آنهايي که غرض دارند منعکس می‌کنند که رژیم شاهنشاهی لفظاً رفته، معنا باز هست. باز قلمها و قدمهایی که می‌خواهند این رژیم را، این نهضت را، آلوده کنند و اشکال کنند آنها به کار می‌افتند. و اگر یک مطلب باشد، یک مطلب را بزرگش می‌کنند و چندین برابر. و روی اساس تلویزیون نمی‌آیند صحبت کنند؛ روی اساس اسلام می‌آیند صحبت می‌کنند، اشکال حالا این است.

در زمان طاغوت هر کاری هم که واقع می‌شد، هر چه هم خرابکاری بود، کاری به اسلام نداشت. یک رژیم مخالف اسلام بود، و کار خلاف اسلام می‌کرد. رژیم خلاف اسلام، کار خلاف اسلام می‌کند. از این جهت، در آن وقت خطر کم بود، و خطر متوجه به اسلام نبود؛ به جمهوری اسلامی نبود؛ اما امروز خطر متوجه به جمهوری اسلامی و اسلام است. و لهذا یک وظیفه بزرگی به دوش همه ماست. اگر من یک کار خلافی بکنم، اگر شما یک کار خلافی بکنید، هر کس کار خلافی بکند، این خلاف در جمهوری اسلامی واقع می‌شود. و اگر

یک دستگاهی به این وسیعی و به این حساسی یک کار خلاف اسلام بکند، یا بر خلاف مسیر ملت یک کاری انجام بدهد و یک برنامه‌ای انجام بدهد، اینها نمی‌آیند حساب بکنند به اینکه تلویزیون این طور است؛ رادیو این طور است؛ حساب می‌کنند که جمهوری اسلامی این طور است. بنا بر این، الآن حیثیت اسلام، حیثیت جمهوری اسلامی بسته به این دستگاههاست، که یکی‌اش هم دستگاه تلویزیون و رادیو است، که بیشتر از جاهای دیگر بستگی دارد. از این جهت، باید همه سعی بکنید و اولاً تفاهم حاصل بکنید.

*****صحیفه امام ج۱۰ سخنرانی [در جمع کارکنان سیمای جمهوری اسلامی]



اهمیت تبلیغات رادیو و تلویزیون

تبلیغات تلویزیون می‌تواند از راه سمع مردم را یا تربیت کند؛ یا اینکه منهدم کند انسانیت آدم را؛ و از این جهت مسئولیت رادیو تلویزیون و افرادی که آنجا را اداره می‌خواهند بکنند از همه قشرهای دیگر بیشتر است و اثر تبلیغات آنها هم از همه بیشتر است.

یعنی اگر رادیو تلویزیون صحیح ما داشته باشیم، در تمام کشور این مسائل صحیح منتشر می‌شود و عامی و غیر عامی همه از [آن] استفاده می‌کنند. و چنانچه این رادیو تلویزیون، خدای نخواسته یک انحرافی داشته باشد همه جمعیت را منحرف می‌کند. الآن هم می‌بینید که قضیه رادیو تلویزیون یک چیز عمومی شده است، … چیزی است که الآن در سطح عمومی است.تمام این رسانه‌ها باید مربی این جامعه باشند. از اول هم اینها که درست شد برای تربیت درست شد. فرض کنید که برای تربیت درست نکرده‌اند؛ اما این آلات تربیت است. روزنامه و مجله باید مربی باشد برای آنهايي که روزنامه خوانند. سینما باید مربی باشد برای آنها [بی] که در سینما وارد می‌شوند. تئاتر هم همین طور. و تلویزیون و رادیو هم از همه بالاتر. اینها باید یک دار التبلیغی، یک دستگاه سازنده باشد که به وسیله اینها یک مملکت، افرادش یک افراد امین صالح، یک افراد ملی- اسلامی بشود.

*****صحیفه امام ج۹ بیانات [در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما]

رسالت رادیو و تلویزیون در امر آموزش و تربیت

و اگر یک دستگاهی باشد که آموزنده باشد، دستگاهی باشد که تربیت‌کننده باشد، مسائل کشور را به آن طوری که هست طرح کند، مشکلات را آن طوری که هست بگوید، از انحرافات پرهیز کند از آن اشخاصی که توطئه بر ضد اسلام دارند، بر ضد کشور دارند، و با گفتارشان، اگر در رادیو واقع بشود، مردم را منحرف می‌کنند و کشور را به تباهی می‌کشند، اگر چنانچه از آن هم احتراز بکنند که هم در جانب برنامه‌هایی که می‌خواهند پخش بکنند دقت بکنند که

چه جور برنامه‌هایی باشد، و هم در جانب احتراز از آن چیزهایی که مُضر به حال کشور است، مُضر به حال ملت است و موجب تباهی کشور می‌شود، اگر چنانچه از اینها احتراز بکنند، خدمت بزرگی است که به کشور خودشان و به ملت خودشان و به اسلام می‌توانند بکنند. اگر خدای نخواستہ از آن طرف واقع بشود– مثل آن دستگاه در زمان طاغوت که در خدمت او بود– و همه دستگاهها انحراف در آن باشد، عکسهایی که جوانها را به تباهی می‌کشد، برنامه‌هایی که بر ضد نهضت اسلامی مردم ماست، برنامه‌هایی که بر ضد انقلاب اسلامی است– که این جوانهای ما خونشان را در راهش دادند– اگر خدای نخواستہ یک وقت این دستگاه یک همچو کارهایی را بکند، یک خیانت بسیار بزرگی است که از همه دستگاهها خیانت این اثرش بیشتر است. بنا بر این، اصلاح این دستگاهها اصلاح جامعه است. و فساد اگر در این دستگاهها واقع بشود، فساد جامعه است. مسئولیت بسیار بزرگ است، مسئولیت شماها بسیار بزرگ است، خصوصاً شماهایی که به زبانهای مختلف دنیا پخش می‌کنید مسائل را. می‌توانید که مسائلی را که خارج پخش می‌کنید طوری باشد که به این نهضت، به اسلام، به کشور خدمت بکند. و می‌شود هم خدای نخواستہ یک مسائلی باشد که در خارج که منعکس بشود، اسلام را یک جور دیگری، نهضت را یک جور دیگری، تعبیر بکند. خوب، مع الأسف ما الآن در وضعی واقع هستیم که دشمنهای ما از همه اطراف، برای اینکه منافعشان به خطر افتاده است یا دستشان از منافع ما کوتاه شده است، اینها از همه اطراف کوشش دارند که به هر طوری شده است یک تشنجی ایجاد کنند.

*صحیفه امام ج ۱۰ سخنرانی [در جمع کارکنان صدا و سیما (مقابله با توطئه‌ها)]

رادبو- تلویزیون دستگاهی اسلامی و آموزنده برای کشور

این دستگاهها را می‌بینید که از بچه‌های کوچولو تا بزرگها و پیرمردها و پیرزنها پایش می‌نشینند و نگاه می‌کنند؛ این دستگاه اگر آموزنده باشد، اگر فیلم‌ها یا- عرض بکنم که- خطابه‌ها یا حرفها یا اخبار جوری باشد که آموزنده باشد، این بچه کوچولو هم از حالا تربیت می‌شود، یک تربیت صحیح، و اگر چنانچه خدای نخواستہ یک خلاقی در او باشد، آن بچه‌ها که کوچک‌اند از اول تربیت، تربیت فاسد می‌شوند. و این هم به عهده شماست. به عهده ما یک مسئله مشکلی است هم تربیتش که یک چیزی است که مثل یک مکتب سیاری می‌ماند، که همه جا برود، منتها در یک وقت همه جا می‌رود و همه هم گوش می‌کنند. چون بچه‌ها علاقه دارند به نگاه کردن به این عکسها، و نگاه به این فیلمها، آنها می‌نشینند پایش نگاه می‌کنند. اگر فیلم یک فیلم آموزنده باشد، این بچه‌ها تربیت می‌شوند به تربیت صحیح. و اگر یک فیلمی باشد که بر خلاف باشد، و عرض می‌کنم که انحراف‌کننده باشد، بچه‌ها تربیت می‌شوند به تربیت انحرافی. بزرگها هم همین طور، بنا بر این، مسئولیت است. الآن مسئولیت خدایی است؛ مسئولیت اخلاقی است؛ مسئولیت ملی است. همه مسئولیتها الآن به عهده این دستگاه هست.

*صحیفه امام ج ۱۰ سخنرانی [در جمع کارکنان سیمای جمهوری اسلامی]

ضرورت تحول در رادبو- تلویزیون

من همیشه از این رادبو- تلویزیون نگرانی داشته‌ام؛ برای اینکه این رادبو- تلویزیون یک بنگاهی است که از تمام این رسانه‌های گروهی مهمتر است؛ برای اینکه الآن در تمام دهات، در تمام شهرستانها، تقریباً عمومی شده است. رادبو- تلویزیون هم تقریباً و آنا هر مطلبی واقع می‌شود، همه جای ایران و خارج متوجه می‌شوند. و این رادبو- تلویزیون باید اصلاح بشود؛ یعنی باید متحول بشود به یک بنگاه تعلیمی، آن هم تعلیمات اسلامی. اخباری که در آنجا گفته

می‌شود و واقع می‌شود، باید بر خلاف موازین اسلام نباشد [که] هر گروهی بخواهند توطئه کنند، بیایند در رادبو- تلویزیون حرفهایی بزنند که توطئه‌آمیز باشد. البته نه اینکه ما می‌گوییم باید سانسور باشد؛ ما می‌گوییم باید بر طریق اسلام و ملت باشد.

*صحیفه امام ج ۱۲ بیانات [خطاب به مدیر واحد اطلاعات صدا و سیما]

رادبو و تلویزیون مربی جامعه و نسل جوان

و بالاخره یک رادبو- تلویزیون اسلامی و مربی جامعه [باید داشته باشیم]. در طول مدتی که شاه، محمد رضا شاه مخلوع، این تلویزیون را تحت سیطره خودشان داشتند، کوشش می‌کردند که جوانهای ما را منحرف کنند؛ یعنی نگذارند این قوه‌ای که باید برای کشور خدمت بکند، اینها راهشان را کج کردند که در خدمت دیگران باشند، این باید درست بشود، باید متحول بشود. باید رادبو- تلویزیون مربی جوانهای ما، مربی مردم کشور باشد، نه اینکه مطالبی در او گفته شود که مخالف با وضعیت کشور است، مخالف با مصلحت کشور است، و جوانهای ما را جوری بار می‌آورند که برای خودشان نباشند، برای دیگران باشند. جوانها را یک قسمشان را این طوری بار می‌آورند که به مراکز فساد می‌کشیدند، می‌کشاندنشان. درست کرده بود همه جای ایران مراکز فساد راه، که جوانها را می‌کشیدند به آنجا و فاسدشان می‌کردند، از راه شهوات. یک دسته‌شان را می‌کشیدند دنبال مواد مخدره، از آن راه فاسدشان می‌کردند. و تمام نقشه این بود که این قوه فعاله‌ای که همه کار از آن باید بیاید، و مملکت خودش را اداره کند، این، یا لا قید بشود، و یا اینکه مخالف بشود با کشور خودش “مِن حَيْثُ لَا یَشْعُر” و بعضی هم با توجه. و یکی از مواردی و بنگاههایی که در این مطلب خیلی کوشش می‌کرد رادبو- تلویزیون بود، که اول از پخش کردن چیزهایی که مخدرات خودش بود، این موسیقیها همه مخدر هستند؛ یعنی جوانهای ما راه، جوانی که عادت به موسیقی کرد دیگر نمی‌تواند کار انجام بدهد، دیگر نمی‌تواند قاطع باشد. رادبو- تلویزیون تقریباً اکثر اوقات جوانهای ما را به این طور گوش کردن وامی‌داشت. از طریق چشم، جوانهای ما را فاسد می‌کردند؛ زنه‌ای کذا و کذا را پشت آنجا نمایش می‌دادند و جوانها از این راه فاسد می‌شدند. و همه مقصد این بود که در ایران یک قوه فعاله‌ای که بایستد در مقابل کسانی که دشمن ایران و اسلام هستند نباشد، تا هر کاری دلشان می‌خواهد بکنند. این باید متحول بشود؛ باید رادبو- تلویزیون همچه باشد که جوانها را بار بیاورد، به طوری که مستقل و دارای اراده و تصمیم باشد، نه پاییند این مسائل شهوانی یا آن مسائل دیگری که مثل هروئین و امثال ذلک. اینها باید در رادبو- تلویزیون جوری عمل بشود که اینها را محترز کنند از آنها، بترسانند آنها را از این طور مسائل.

*صحیفه امام ج ۱۲ بیانات [خطاب به مدیر واحد اطلاعات صدا و سیما]

اهمیت فوق العاده تلویزیون در بین رسانه‌ها

الآن راجع به تلویزیون صحبت دارم می‌کنم، یک چیزی که از همه رسانه‌ها حساستر است؛ تلویزیون از همه مسائل تبلیغی و آلات تبلیغی حساستر است؛ برای اینکه هم گوش است و هم چشم. در چیزهای دیگر، حتی رادبو، فقط گوش استفاده می‌کند، در نمی‌دانم- روزنامه‌ها و مطبوعات چشم از آن استفاده می‌کند. رادبو- تلویزیون گوش است و چشم، آن هم نه به اینکه مثلاً تیراژش مثل روزنامه کذا، ده هزار، بیست هزار، صد هزار، یک میلیون، باشد؛ همه مملکت است. الآن هم وضع جوری شده است که در دهات هم که می‌روی، آن مرد دهاتی هم که شاید درست خرج عایله‌اش را نتواند ادا بکند، یک رادبو خریده است، یا یک تلویزیون دارد. همه جا هست؛ یعنی

این چیزی که در تلویزیون نشان داده می‌شود در همه سطح مملکت، و در بیرون هم هر جا که موجها باید برود، همه جا، منتشر می‌شود. این حرفی که در رادبو گفته می‌شود و در رادبو- تلویزیون گفته می‌شود مال یک طایفه نیست؛ مال یک جمعیت نیست؛ مال یک مملکت نیست؛ همه جاست، همه قشرها هستند.

*صحیفه امام ج ۹ سخنرانی [در جمع کارکنان پخش رادبو]

اهمیت نقش ارتباطی تلویزیون

این رسانه‌هایی که ما الآن داریم، چه مطبوعات و مجلات و روزنامه‌ها و چه سینماها و تئاترها و امثال ذلک و چه رادبو و چه تلویزیون، در اینها آئی که از همه این دستگاهها بیشتر رابطه با انسان دارد تلویزیون است. از دو جهت: یک جهت اینکه مطبوعات هر چه هم تیراژش زیاد باشد اولاً به اندازه سطح یک مملکتی نیست و ثانیاً همه افراد.

نمی‌توانند استفاده کنند، برای اینکه الآن تقریباً نیمی از جمعیت ما سواد خواندن ندارند تا اینکه از مطبوعات و نوشته‌ها استفاده کنند. سینماها در یک محیط محدود می‌توانند کار خودشان را انجام بدهند. رادبو هم در همه جا هست، در همه چیز هست لکن فقط از راه سمع است. [اما] آن چیزی که در همه کشور، یعنی آن دهاتی که توی خانه خود نشسته در مرز و هیچ سواد هم ندارد، لکن چشم و گوش دارد، این از رادبو تلویزیون استفاده می‌کند. هم استفاده



سمعی می‌کند، هم استفاده بصری، یعنی رادبو فقط استفاده سمعی دارد، رادبو- تلویزیون استفاده سمعی و بصری دارد، هم آن آدم نقشه‌ها را می‌بیند و هم طرحها را می‌بیند و هم می‌شنود. بنا بر این رادبو تلویزیون از تمام رسانه‌هایی که هست حساستر است. رادبو تلویزیون می‌تواند یک مملکت را اصلاح کند و می‌تواند به فساد بکشد. این را نه روزنامه می‌تواند، نه سینما می‌تواند، نه تئاتر می‌تواند، نه تبلیغات لفظی که در منابر است می‌تواند؛ برای اینکه اینها همه شعاعشان محدود است. رادبو شعاعش مثل تلویزیون است، لکن فقط سمعی است. تلویزیون هم سمع است و هم بصر.

*صحیفه امام ج ۹ بیانات [در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما]

رسالت مطبوعات

شما باید توجه داشته باشید که هر قشری از این کشور تضعیف بشود، هر شخصی که در این کشور مسئول کاری است تضعیف بشود، هر ارگانی که در این کشور مشغول خدمت هست تضعیف بشود. این تضعیف، تضعیف همه هست، و این انتحار “۱” است! بدون اینکه گوینده و نویسنده توجه داشته باشد، این روزنامه‌هایی که هر کدام به جان هم افتاده‌اند و یک راهی را دارند باز می‌کنند برای انتقاد از کشور، برای انتقاد از جمهوری اسلامی، برای انتقاد از گروه یا اشخاص، اینها شیاطینی هستند و قلمها در دست شیاطین است،

خودشان توجه ندارند. روزنامه‌ها و مطبوعات باید در خدمت این ملت و در خدمت اسلام باشند. باید همه با هم با برادری رفتار کنند. اگر انتقاد دارند، انتقاد برادرانه داشته باشند؛ مصلحت گویی باشد. اگر روزنامه‌ها، تبلیغات، همه اینها در این معنا با هم متحد بشوند که قلمهایشان و گفتارشان گزنده نباشد، مثل عقرب نباشد؛ شما بدانید که زبان انسان اگر گزنده شد و از عقرب گزنده‌تر شد، در آن عالم به صورت یک عقرب گزنده بیرون می‌آید. و آنهاپی که دیگران را تضعیف می‌کنند و غیبت دیگران را می‌کنند زبانهایشان در روز قیامت به قدری بلند می‌شود که مردم از روی آن زبانها می‌گذرند.

امروز هم مطلب این است که مثل مار و عقرب هم را می‌گزند. و خودشان نمی‌فهمند، یا می‌فهمند و می‌خواهند بگزنند. خدا نکند که بفهمند! خدا نکند که دانسته اینها تضعیف کنند این کشور را. خدا نکند که روزی پیش بیاید که من احساس وظیفه بکنم. من به آنها نصیحت می‌کنم که آرام باشید! به آنها نصیحت می‌کنم که یکدیگر را نگزید. پنجه به روی هم نزنید. همه با هم این کشور را به پیش ببرید. اختلاف سلیقه‌ها را در یک محیط خوب، برادرانه حل کنید. نگذارید که احساس وظیفه بشود. اگر احساس وظیفه بشود، من به هر کس هر چه دادم پس می‌گیرم. من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه برادران و خواهران این کشور را، همه خدمتگزاران به این کشور را می‌خواهم. و از خداوند تعالی می‌خواهم که با عنایت خودش و با رحمت خودش به همه ما توجه کند، و این اختلافات را خود او حل کند.

*صحیفه امام ج ۱۴ سخنرانی [در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی]

نقش مطبوعات

نقش مطبوعات در کشورها منعکس کردن آرمانهای ملت است. مطبوعات باید مثل معلمینی باشند که مملکت را و جوانان را تربیت می‌کنند، و آرمان ملت را منعکس می‌کنند. در مملکتی که آن همه خونریزی شد و آن همه ملت ما خون دادند تا آنکه یک جمهوری اسلامی موفق آرای اکثریت قریب به اتفاق محقق شد و دست خائنین کوتاه گردید و دست چپاولگران قطع شد، اگر مطبوعات ... بخواهند باز به پشتیبانی از جنایتکاران و خیانتکاران چیزی بنویسند، این مطبوعات ما نیست؛ این خیانت است. باید مطبوعات آنچه که ملت می‌خواهند بنویسند؛ نه آنچه بر خلاف مسیر ملت است. مع الأسف در بعض از مطبوعات [مطالبی] که بر خلاف مسیر ملت است و بر خلاف آمال جامعه ملت است منعکس می‌شود؛ و ما تا کنون به مسامحه رفتار کرده‌ایم. من امیدوارم که مطبوعات را خود صاحبان مطبوعات اصلاح کنند.

*صحیفه امام ج ۷ سخنرانی [در جمع گروهی از کارکنان روزنامه کیهان]

رسالت مطبوعات در اطلاع‌رسانی و هدایت مردم

وضع کشور را در گذشته دیدید که چگونه بود، تمام چیزها در جهت اسلام‌زدایی بود، خصوصاً مطبوعات که وضعی داشتند که اگر مهلت پیدا می‌کردند طولی نمی‌کشید که همه چیز را از بین می‌بردند. امیدوارم با همت آقایان همه آن انحرافات از بین برود.

مطبوعات باید یک مدرسه سیار باشند تا مردم را از همه مسائل بخصوص مسائل روز آگاه نمایند، و به صورتی شایسته از انحرافات جلوگیری کنند، و اگر کسی انحرافی دید با آرامش در رفع آن بکوشد. بطور کلی مطبوعات باید یک بنگاه هدایت باشند، یعنی به صورتی که اگر دست مردم بیفتد مردم هدایت شوند، بخصوص روزنامه‌هایی مثل اطلاعات و کیهان و جمهوری اسلامی و آزادگان، باز تکرار می‌کنم دنبال این نباشید که من از شما تشکر کنم، تقدیر و تشکر من فانی است و از بین می‌رود. آنچه که باید همگی در نظر بگیریم رضای حق تعالی است، و آنچه وظیفه من است دعاست. امیدوارم موفق و مؤید باشید.

*صحیفه امام ج ۱۸ سخنرانی [در جمع مسئولان مؤسسه اطلاعات]

روزنامه‌های رژیم سابق در مسیر منحرف ساختن جوانان

مقالاتی که مربوط به سرنوشت ملت بود امکان نداشت در روزنامه‌ها نوشته بشود یا رادیوها خوانده بشود. مقالاتی که مخالف مسیر ملت بود، مخالف

مصالح جامعه بود، اینها رایج بود– و مجلاتی که باید تربیت کند نسل جوان را، میڈل شده بود به آن تربیتی که همه ملاحظه کردید که مجلات ما چه وضع افترضآمیزی داشت. همه برای این بود که جوانها را از مسیری که دارند و مسیر انسانی که باید اینها بروند منحرف کنند به یک مسیر دیگری، و استفاده کنند. استفاده همچو بکنند که تمام مصالح یک کشور را از بین ببرند، همه چیز را به تباهی بکشند، همه مخازن ما را به اجنبی بدهند؛ و کسی نباشد که “چرا” بگوید؛ برای اینکه توجه مردم را از آن چیزی که مربوط به زندگیشان است منحرف کردند.

وقتی جوانها– که اساس یک مملکت هستند، پایه یک مملکت هستند– همه جوانها بروند طرف فحشا، طرف مواد مخدّره، متوجه بشوند به این مجلات و به این اوضاع و به آن وضع رادیو و تلویزیون و به آن مسائلی که بود، دیگر از برای جوان نه وقتی می‌ماند که فکر کند در این امور؛ و نه مغزش کار می‌کند. موسیقی از اموری است که البته هر کسی از موسیقی به حسب طبع خوشش می‌آید؛ لکن از اموری است که انسان را از جدّ بیرون می‌برد به یک مطلب هزل. دیگر این جوانی که عادت کرد که روزی چند ساعتش را با موسیقی سر و کار داشته باشد– که اینها شاید اکثر رادیوشان و تلویزیون‌شان از همین قسمها بود– یک جوانی که اکثر اوقاتش را صرف بکند در اینکه پای موسیقی بنشیند و اینها، این از مسائل زندگی و از مسائل جدّی بکلی غافل می‌شود، عادت می‌کند، مثل همان که به مواد مخدّره عادت می‌کند. کسانی که به مواد مخدره عادت می‌کنند، دیگر نمی‌توانند یک انسان جدّی باشند که بتوانند در مسائل سیاسی فکر بکنند. فکر انسان را موسیقی جوری می‌کند که دیگر نتواند در غیر همان محیط موسیقی و مربوط به شهوات و مربوط به موسیقی نتواند اصلا فکر بکند. از این جهت اینکه پافشاری داشتند به اینکه رادیو آن طور باشد و تلویزیون آن طور باشد و مجلات آن طور باشند و روزنامه‌ها آن طور باشند و سینماها آن طور باشند؛ و همه روی هم رفته دست به دست هم بدهند و این ملت را سرگرم کنند به این امور، و همه مخازن ما را ببرند؛ که الآن که رفتند و گم شدند برای مملکت ما یک چیزِ سالم نمانده؛ هر جایش دست بگذارند ناسالم است.

*صحیفه امام ج۹ سخنرانی [در جمع کارکنان رادیو دریا]

لزوم فعالیت مطبوعات بر طبق انگیزه‌های مردم

در یک انقلابی که از خود مردم بوده است، و انگیزه‌اش را هم خود مردم تعیین کرده‌اند باید همه گروههایی که می‌خواهند در این انقلاب خدمت کنند همان انگیزه را داشته باشند. و انقلاب ایران به واسطه اینکه انگیزه‌اش اسلام بوده است، و از مردمی که علاقه‌ای به اسلام داشته‌اند شروع شده است، و با همان علاقه پیروز شده است باید هر طایفه‌ای که می‌خواهند یک کاری بکنند همان جهت را در نظر بگیرند. و همان چیزهایی که مبدأ پیروزی مسلمانان ایران شد همان معنا را تعقیب کنند. مع الأسف در مطبوعات دیده می‌شود که آن انگیزه‌ای که مردم دارند، و آن فکری که روی آن فکر، آنها غلبه کرده‌اند و آن طرزی که جامعه به استثنای بعض از افراد یا بعض از گروهها دنبال او بودند و هستند؛ مطبوعات آن طور نیستند. من البته وقت ندارم که همه مطبوعات و همه آن چیزهایی که نوشته می‌شود از قبیل مجله‌ها و کتابها و روزنامه‌ها، اینها را بخوانم. لکن خوب، به طور اجمال نگاه می‌کنم. و هر کدامی که مربوط به این مسائل بود مطالعه می‌کنم. و من می‌بینم که مطبوعات که باید خدمت بکنند به این ملت، و باید همان راه را پیش بگیرند که ملت داشته است و به واسطه همان پیروز شده است، انسان می‌بیند که مطبوعات بعضشان این طور نیست.

*صحیفه امام ج۱۳ سخنرانی [در جمع کارکنان مجله “سروش”]

روزنامه مردمی در مسیر ملت

من از شما کارمندان و کارگران روزنامه کیهان تشکر می‌کنم که با اراده صمیمانه و با عزم مصمم جلوی اشخاصی که بر خلاف مسیر ملت

می‌خواهند بروند گرفتید. گفتید که شاید کیهان امروز موافق میل ملت نباشد؛ کیهان امروز موافق میل ملت است. ملت روزنامه‌ای را می‌خواهد که مطابق آرای خودش، مطابق آرای ملت، مطابق خواسته‌های ملت، رفتار کند. مقاله‌نویسی نمی‌خواهد؛ قصه‌نویسی نمی‌خواهد؛ [مطالبی] را می‌خواهد که مطابق مسیر ملت باشد. باید جدیت کنید مسائلی را بنویسید که موافق مسیر ملت باشد.

*صحیفه امام ج۷ سخنرانی [در جمع گروهی از کارکنان روزنامه کیهان]

وظیفه خطیر مطبوعات و اهل قلم

کوشش کنید واقعیات را آن طور که هست، بازگو کنید؛ و سعی داشته باشید نوشته‌های شما در بطن انقلاب و ملت تفرقه نیندازد. اهل قلم، وظیفه خطیری دارند و باید هوشیار و مراقب باشند، چرا که یک کلمه به صورت مکتوب گاه می‌تواند زیانبخش باشد.

اسلام دین آزادی و آزادگی است و بدیهی است مطبوعات اسلامی نیز مطبوعات آزادی خواهند بود. سعی کنید وقتی انقلاب ملت ما یک انقلاب اسلامی است، روزنامه شما نیز آینه‌ای باشد که این انقلاب را بازگو کند؛ بنا بر این تمام تلاش شما باید متوجه تنویر افکار ملت از راه بیان کردن واقعیات اسلام و انقلاب ملت ایران باشد.

* صحیفه امام ج۶بیانات در جمع کارکنان روزنامه اطلاعات

خدمت جراید به اسلام و کشور

خدمتی که مجله‌ها و روزنامه‌ها و سایر رسانه‌های این مملکت می‌توانند به کشور خودشان و به اسلام بکنند این است که وضع این مجله‌ها را تغییر بدهند، این مجله‌ها در زمان رژیم سابق یک وضعی داشت از حیث مطالب، از حیث عکسها، و از این جهات. اگر شما بخواهید خدمتی بکنید به کشور خودتان، خدمتی بکنید به اسلام، باید از چیزهایی که انحراف می‌آورد، اینکه در مجله‌ها این عکسهای شهوانی مبتذل و آن مقالات منحرف‌کننده بود، شما خیال نکنید که این همین طور واقع شده بود. این هم یک راه حساب شده‌ای بود که جوانهای ما را به انحراف بکشاند.

*صحیفه امام ج۸ سخنرانی [در جمع مسئولان و کارکنان مجله “خواندنیها”]

قابل تحمل نبودن توطئه

خونهای ملت ما را هدر ندهند. ملت ما زحمت کشیده‌اند، ملت ما خون داده‌اند، بخواهند باز این با این اباطیل برگردانند به حال اول، این قابل تحمل نیست. ما تا آنجا صبر می‌کنیم که توطئه نباشد؛ و اگر خدای نخواستہ توطئه باشد، صبر نخواهیم کرد، تحمل نخواهیم کرد. باید خودشان را اصلاح کنند. همه رسانه‌های تبلیغاتی باید خودشان را اصلاح کنند که خدای نخواستہ بر خلاف مسیر ملت نروند. گمان نکنند که باز می‌شود آن دستگاه سابق را برگرداند. دیگر گذشت آن مسائل و آنها دفن شده‌اند.

*صحیفه امام ج۷ سخنرانی [در جمع گروهی از کارکنان روزنامه کیهان]

جمهوری اسلامی یعنی نظامی با محتوای اسلامی

من میل دارم که همه قشرهای ملت، خصوصاً قشرهایی که در خدمت دولت هستند، همه ادارات مختلفه و از همه بالاتر رادیو، و از آن بالاتر رادیو و تلویزیون، میل دارم که باورش‌ان آمده باشد که جمهوری اسلامی است. یک وقت انسان رأی می‌دهد به جمهوری اسلامی– که همه رأی دادید– یک وقت هم هست که محتوای جمهوری اسلامی را مطلع نیست. این باید مطّع بشود که جمهوری اسلامی معنایش این است که رأی عموم یا اکثر، برای نظام و محتوای نظام اسلام و احکام اسلام، برنامه اسلام، است. یک وقت این را هم می‌داند، لکن باز باورش نیامده است که باید همه چیز اسلامی بشود.

*صحیفه امام ج۹ سخنرانی [در جمع کارکنان پخش رادیو]

وظایف رسانه‌ها

رسانه‌ها، مربی ملتند

در هر صورت، تمام رسانه‌ها مربی یک کشور هستند؛ باید تربیت کنند کشور را، افراد یک کشور را؛ و باید خدمت کنند به ملت. روزنامه از ملت است و برای ملت است؛ و چنانچه بر خلاف مسیر ملت بخواهد یک روزنامه‌ای– یا چیز دیگری– رفتار بکند، خود ملت با او مخالفت می‌کنند. لازم هم نیست که مخالفتش این باشد که بریزد و بزند و بشکند؛ نه، اینها این کار را نمی‌کنند؛ لکن روزنامه برای خواننده است، وقتی خواننده نباشد روزنامه نیست. رادیو برای این است که گوش کنند مردم؛ وقتی رادیو را درش را بستند و هیچ کس گوش نکرد رادیو نیست. در هر صورت، این چیزها به خدمت ملت است، نه بر خلاف مسیر ملت. هر نویسنده‌ای که بر خلاف مسیر ملت بخواهد بنویسد، این اسباب این می‌شود که روزنامه بدنام بشود؛ گفته بشود که این روزنامه ملی نیست، این روزنامه برای اجانب است. و این البته بر خلاف مصلحت روزنامه است، و بر خلاف شغل روزنامه‌نویسی است. روزنامه نویس باید حفظ کند احترام خودش را؛ و حفظ احترام این است که روی مسیر ملت رفتار کند، خدمتگزار به ملت باشد. اگر چنانچه بر خلاف مسیر ملت و بر خلاف خواست ملت، عمل بکند، این پیش ملت، دیگر احترام ندارد. این نصیحتی است که من به شما که حالا آمدید اینجا می‌کنم. و البته از این کار شما هم که سابق اعتصاب کردید و با هم اعتصاب کردید، و با اعتصاب، کار خودتان را انجام دادید من متشکرم. ان شاء الله موفق باشید.

و السلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته

*صحیفه امام ج۷ سخنرانی [در جمع گروهی از کارکنان روزنامه کیهان]

کاهش اختلافات در سطح جامعه

و مطبوعات. بداندند که ما امروز احتیاج به این داریم که اختلافات کم بشود؛ باید ما اختلافات را کم بکنیم. باید چیزهایی که موجب اختلاف می‌شود اینها را کم بکنیم؛ لکن مع ذلک دشمنها را بشناسیم. هم دشمن را بشناسیم و هم درصد این باشیم که دشمن را کارهایش را فلج بکنیم و هم آرامش را حفظ بکنیم. طوری نباشد که ما فرصت به دست دشمنها بدهیم برای تبلیغات یا برای کارهای دیگر و من امیدوارم که ملت ایران در این روز مبارک پانزده شعبان که روز مبارکی است، در سعادت و سلامت و آرامش تمام به سر ببرند. و خداوند این مولود سعید را بر همه مبارک کند. و خداوند این مولود مبارک را، ما را موفق کند به دیدار ایشان که چشمهای ما روشن بشود به زیارت این وجود مبارک که واقعاً شخصی است که نمی‌توانم بگویم شخص اول دنیا و نمی‌توانم بگویم رهبر، بالاتر از این مسائل هست. خدا همه ما را موفق کند به خدمت ایشان و به خدمت به اسلام و به خدمت به کشور خودمان.

*صحیفه امام ج۱۲

لزوم تفاهم و برادری میان مسئولین

در سطح رادیو– تلویزیون، اختلافات همیشه بر خلاف مسیر اسلام است، اختلاف نکنید با هم. یک دسته‌ای هستید مسلمان؛ و می‌خواهید که خدمت بکنید؛ اشکالتراشی به هم نکنید، این به او، او به او. و اسباب این بشود که



یک وقت یک دستگاهی در آن اختلال حاصل بشود، خلافاکاری حاصل بشود، و به نتیچه نرسد؛ برای اینکه یک نتیچه عکس بشود، تفاهم بکنید. دستجات مسلمی که هستید، دستجاتی که تفاهم دارید به حسب عقاید با هم، مسیرتان یک مسیر است، مختلف نیست مسیرتان، تفاهم کنید و با هم برادری کنید؛ و با برادری و برابری کارها را انجام بدهید.

*صحیفه امام ج۱۰ سخنرانی [در جمع کارکنان سیمای جمهوری اسلامی]

لزوم تبلیغات صحیح و بدون مبالغه برای جمهوری اسلامی

من از خدای تبارک و تعالی خواهانم که به شماها و به کسانی که به این اسلام می‌خواهند خدمت کنند [توفیق عنایت کند]. توجه داشته باشید که بالاتر چیزی که می‌تواند این انقلاب را در اینجا به ثمر برساند و به خارج صادر کند؛ تبلیغات است.

تبلیغات صحیح در آنچه که هست، هیچ مبالغه نکنید. ما متاعمان یک متاعی است که محتاج به مبالغه نیست. همان سرپوشهایی که دیگران روی متاع ما گذاشته‌اند، همان دروغهایی که تبلیغات سوء بر ضد ما منتشر کرده‌اند، شما همانها را با آن مبارزه کنید و مسائل اسلامی هم همان طوری که هست و آن چیزی که ملت ما از اول خواست او بوده است و حالا هم همان را تعقیب می‌کند، و– ان شاء الله– بعدها هم دنبال همین معناست و به پیش خواهد برد، در تبلیغاتتان همین معانی را در خارج منعکس کنید. بعدها هم باید ادامه بدهید در یک موافعی که لازم است. باید سفارتخانه‌های ما یک مرکز تبلیغات باشد. و مع الأسف کم بوده است این. اخیراً شاید یک مقداری باشد، و الا در بسیاری از اوقات هیچ نبوده است. در بعضی از اوقات به ضدش هم در بعضی جاها بوده است. باید همه اینها توجه بشود. و این تبلیغاتی که در رأس همه امور است برای پیشبرد مقاصد یا جلوگیری از مقاصد، این تبلیغات را شما دامنه‌دارش کنید. و هر چه بیشتر ان شاء الله موفق باشید به این مطلب بزرگ.
*صحیفه امام ج۱۴سخنرانی [در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی]

وظیفه همگانی در سازندگی و تحول

امروز که مملکت دست خود شما و مقدراتش دست شماها هست، هر کس در هر محلی که هست باید یک سازندگی، یک تحول، ایجاد کند. تحول به این معنا که رادیو تلویزیون در زمان طاغوت کارهای طاغوتی می‌کرد. نصف کارش به این می‌گذشت که جوانهای ما را تضعیف کند به واسطه موسیقی. موسیقی تضعیف می‌کند روح انسان را. موسیقی اسباب این می‌شود که انسان از استقلال فکری می‌افتد. نصف کار رادیو تلویزیون قضیه موسیقی بود؛ یا

نمایش دادن یک صحنه‌هایی که جوانهای ما را به فساد می‌کشید. وقتی جوان آمد رفت بیرون، سینما می‌رود می‌بیند که آن بساط است، از راه سمع و بصر در اینجا آن بساط است، وقتی منزل می‌آید تلویزیون را باز می‌کند می‌بیند این طور، وقتی روزنامه را می‌خواند می‌بیند این طور است، می‌بیند این طور، وقتی روزنامه را می‌بیند این طور است، وقتی تبلیغات آنها را می‌بیند، می‌بیند این طور است، می‌خواهد چه بشود یک مملکتی؟ اگر این طور شد، جوانهای ما چه بشوند؟ اینها همین می‌شوند که دیدید که به کلی مملکت ما از بین رفت.

*صحیفه امام ج ۹ بیانات [در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما]

ضرورت داشتن استقلال فکری و نفی غربزدگی

ما باید استقلال فکری داشته باشیم. ما باید پیوند فکریمان را از غرب جدا کنیم. اگر بخواییم خودمان زندگی بکنیم، خودمان مستقل باشیم، پیوند به آنجا نداشته باشیم. باید استقلال فکری پیدا بکنیم، استقلال فکری به این است که هیچ چیزمان مربوط به آنها نباشد. همه چیزمان مستقل باشد. افکارمان مستقل باشد. رادیویمان مستقل باشد. تلویزیونمان مستقل باشد. سینمایمان مستقل. جدا بشود از آن مسائل غربی، خودمان علی حده برای خودمان یک زندگی داشته باشیم. نترسید از اینکه به شما بگویند “کهنه‌پرست” نترسید از اینکه یک روزنامه‌نویسی یا یک مقاله‌نویسی– که نمی‌دانم چه حالی در او هست، چه فکری می‌کند– انتقاد بکند. از انتقاد نترسید. اینها انتقاد می‌کنند.

این یک حرف است که عرض می‌کنم که باید اگر شما علاقه دارید به اینکه مملکتتان یک مملکت مستقل بشود، در آن محلی که هستید آنجا را درستش کنید، همه باید هر کسی در محل خودش. شما نووید سراغ اینکه مثلاً روزنامه چطور است. شما کار خودتان را بکنید. روزنامه نویس هم کار خودش را خوب انجام بدهد. اداری هم کار اداری خودش را انجام بدهد. هر کدام در هر محلی که هستند کار آن محل را خوب انجام بدهند. و اگر شما بخواید خوب انجام بدهید، باید این رادیو تلویزیون را از این چیزهایی که ضعف در قلب انسان، در مغز انسان می‌آورد، انسان را از انسانیت خودش بیرون می‌کند، استقلال فکری را از دست می‌دهد، اینها را باید از او احتراز کنید. مقالاتی هم که آنجا باید گفته بشود، ناطقهایی هم که آنجا می‌آیند نطق می‌کنند، اشخاصی باشند که نخواهند یک مملکتی را به تباهی بکشند؛ به اسم اینکه ما مترقی هستیم نخواهند ما را به عقب برگردانند؛ به اسم اینکه “تمدن بزرگ” است! چنانچه کردند با ما آنچه را که باید بکنند.

*صحیفه امام ج ۹ بیانات [در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما]

معیارهای مجله اسلامی

اگر بیدار شدند این جوانهای ما، این نویسنده‌های ما، این گوینده‌های ما، این متفکرین ما، اگر بیدار شدند، حالا باید همه چیز فرْمَش تغییر بکند. مجله باید در خدمت کشور باشد. خدمت به کشور این است که تربیت کند؛ جوان تربیت کند، انسان درست کند؛ انسان برومند درست کند، انسان متفکر درست کند؛ تا برای مملکت مفید باشد. مجله باید وقتی که کسی بخواند، ببیند، اگر عکس دارد، عکسی باشد که تهییج کند برای اینکه مقابله با دیگران بکند. اگر مطلبی دارد، مطلبی باشد که بسیج کند این را برای حفظ استقلال خودش، برای حفظ آزادی خودش، برای حفظ مملکت خودش. اگر مجله؛ این مجله است، مجله اسلامی است و مجله جمهوری اسلامی. اگر مجله همان مسائل سابق است منتها حالا یک خرده تخفیفش داده‌اند، لکن باز هست، اگر آن باشد، نباید اسمش را مجله جمهوری اسلامی گذاشت؛ باید اسمش را مجله طاغوتی گذاشت که در آنجایی که گفته می‌شود ما جمهوری اسلامی هستیم پیاده می‌شود!

و سایر چیزها همین طور.

*صحیفه امام ج ۸ سخنرانی [در جمع مسئولان و کارکنان مجله “خواندنیها”]

رشد نیروی انسانی

و آنکه در یک موقعی از همه خیانتها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را عقب بزنند و نگذارد درست بشود، آنکه از همه خدمتها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است؛ مجله‌هاست؛ رادیو تلویزیون است؛ سینماهاست؛ تئاترهاست. اینها می‌توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند، و تربیت صحیح بکنند و خدمشان ارزشمند باشد، و می‌توانند مثل رژیم سابق باشند که همه چیز به هم ریخته بود؛ همه چیز در خدمت استعمار بود؛ آنها خودشان هم نمی‌دانستند. خلیپها خودشان نمی‌دانستند، نمی‌دانست که این عکسی که از این زن لخت می‌اندازد چند تا جوان را آشفته می‌کند؛ از بین می‌برد. در هر هفته‌ای که مثلاً یک مجله‌ای در می‌آید که در آن ده تا عکس گذاست، این چند نفر از جوانهای ما را از دست ما می‌گیرد. یا خودشان هم متوجه نبودند؛ یا خودشان هم از آنها بودند، ما چه می‌دانیم. اگر خودتان را متحول کردید، کشورتان را هم می‌توانید نجات بدهید. اگر به همان حال باشید و اسمتان را عوض کردید، با اسم نمی‌تواند یک کشوری اداره بشود. با لفظ جمهوری اسلام، با رأی به جمهوری اسلام، نمی‌تواند یک مملکتی اسلامی بشود. مملکت اسلامی محتوایش باید اسلامی باشد. شما هم که مجله می‌نویسید می‌توانید خدمت کنید؛ جوانها را برومند کنید با مقالاتتان؛ مقالات صحیحتان، دنبال این باشید که از نویسنده‌های متعهد اسلامی انسانی نیرو بگیرید، مقالات صحیح بنویسید، درد و دوایش را بنویسید، همه چیز را انتقاد کنید، و می‌توانید باز از آن عکسها و از آن بساط و از آن کار درست کنید تا جوانها را از دست بدهید، از بین ببرید.

*صحیفه امام ج ۸ سخنرانی [در جمع مسئولان و کارکنان مجله “خواندنیها”]

تهذیب جامعه، وظیفه مطبوعات

ما یکی از گرفتاریهای بزرگمان در زمان طاغوت، گرفتاری به دست مطبوعات بود.

طاغوت مهره‌هایی که در خدمت او بودند و در خدمت اجانب، انتخاب می‌کرد و زبده‌های آنها را انتخاب می‌کرد برای اداره مطبوعات و برای تبلیغات به ضد اسلام و به ضد کشور، لکن با آب و رنگ اسلامی و ملی. من نمی‌دانم که صدمه‌ای که کشور ما و اسلام از مطبوعات در زمان طاغوت دید بیشتر بود یا صدماتی که از سایر ارگانهای طاغوتی!

مطبوعات که حامل پیام ملت و حامل پیام اسلام باید باشد و مبلغ احکام اسلام و مجری احکام اسلام و مهدب جامعه باید باشد و اخلاق را در جامعه باید پخش بدهد– اخلاق الهی را– در زمان طاغوت، درست بر عکس همه این معانی، مأموریت داشتند که کشور ما را با آن تبلیغات دامنه‌دار این رسانه‌های طاغوتی، تمام مسائل اسلامی و تمام مسائل کشوری را به طرف منافع طاغوتی سوق دهند. صدمه‌ای که اسلام از مطبوعات و رسانه‌های طاغوتی خورد از کمتر دستگاههایی خورد. آن قدر که جوانهای ما را این مطبوعاتِ فاسد و آن مجله‌های فاسدتر و آن رادیو و تلویزیونهای فاسدتر به فساد کشیدند معلوم نیست که مراکز فساد آن قدر به فساد کشیده باشند. این مجلات بود و این مطبوعات و این رادیو و تلویزیون و تمام این رسانه‌های گروهی بود که جوانهای ما را به جای اینکه به طرف دانشگاه بکشد، به طرف علم و ادب بکشد، به طرف فساد کشاند.

جوانها زود متأثر از امور می‌شوند. جوانها یک نهال نورس هستند که این نهال نورس زود آسیب می‌بیند و زود هم تربیت می‌شود. همین جوانها در زمان طاغوت، که به هر جا می‌رفتند فساد را می‌دیدند، مجله می‌خریدند پر از فساد و پر از فحشا بود، روزنامه می‌خریدند پر از تبلیغات ضد انسانی و اسلامی بود. هر جای مملکت می‌رفتند مراکز فساد پخش بود. نمی‌شد که در یک همچو مرکز فساد و در یک همچو کشوری، که همه چیزش رو به فساد رفته بود، اینها یک انسان صحیح بار بیایند.

آنهايي که برای چاپیدن این کشورها نقشه کشیدند، آنها استادها و متفکرینی بودند که می‌دانستند چطور یک کشور را می‌توانند به واسطه آن برنامه‌هایی که دارند خواب کنند و جوانهای ما را تهی کنند از آن انسانیت و اسلامیتی که باید داشته باشند تا راه را باز کنند برای چاپیدن و برای بردن همه ذخایر کشور ما و کردند و آن کردند که در ظرف– خصوصاً– پنجاه و چند سال آخر، نگذاشتند که تربیت صحیح در این ملت تحقق پیدا بکند. از دانشگاه، که مرکز علم و ادب باید باشد، تا مطبوعات، که باید مرتبی جامعه باشد، تا رادیو و تلویزیون، که باید جامعه را تربیت بکند و تا ادارات، که باید خودشان یک اشخاصی باشند و یک مراکزی باشند برای تربیت، همه جا را اینها با آن نقشه‌های فاسدی که داشتند، به فساد کشیدند. و جوانهای تازه‌رس ما راه، که در یک همچو جامعه‌ای وارد می‌شدند، قهراً باید به عقب برانند و منحرف کنند.

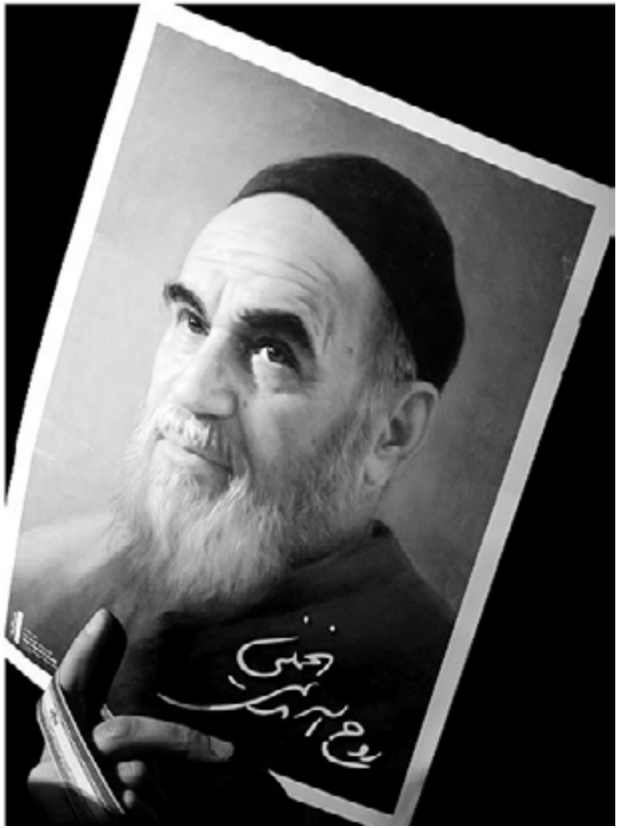
خداوند– تبارک و تعالی– به ما منت گذاشت و به این ملت عزیز منت گذاشت و ما را از آن لجزاری که سر تا ته مملکت را گرفته بود، نجات داد و روزنامه‌های ما که یکی از مراکز همان فحشا و همان چیزهایی که شماها بهتر می‌دانید بود، متبدل کرد به یک مراکزی که امید است که به واسطه این تربیت‌هایی که در آنجا و تبلیغاتی که در آنجا می‌شود، مملکت ما از آن چیزهایی که در سابق بود، نجات پیدا بکنند.

*صحیفه امام ج ۱۳ سخنرانی [در جمع کارکنان مؤسسه “اطلاعات”]

خطر نفوذ اشخاص منحرف

الآن می‌بینیم در سرتاسر کشور یک مسائل انحرافی هست. و این مسائل انحرافی نمی‌شود از آن اشخاصی که خودشان مستقیم‌اند باشد. معلوم می‌شود که یک اشخاصی منحرف در اینها وارد شدند؛ مثلاً در کمیته‌ها، در دادگاهها و در بسیج، در همه جا، در رادیو و تلویزیون، در مطبوعات، در بین اینها الآن بسیار اشخاص سالم هستند. اما چون ممکن است گاهی ساده فکری بکنند، و یک کسی که درست نمی‌شناسند، سوابقش را درست اطلاع ندارند، به همان طوری که خودش را ظاهرسازی می‌کند گول بخورند و وارد بکنند، یا در دادگاه وارد بکنند، یا در کمیته‌ها وارد بکنند، یا در مطبوعات که مهم است وارد بکنند. و یک وقت توجه بکنید که دارد منحرف می‌کند آن خطی را که خود ملت داشته است که وحدت در آن بوده است و اسلام هم بوده– این دو انگیزه در رأس همه امور بود– یک وقت می‌بینید که مطبوعات یک راهی می‌رود که طرف چپ دارد می‌رود، یا یک راهی طرف راست دارد می‌رود، از راه مستقیمی که ملت دنبالش هستند– که آن راه اسلام است– منحرف می‌شوند. این از مهمّات [وظایف] کسانی است که می‌خواهند یک خدمتی بکنند، و مجله‌ای بیرون بدهند، یا روزنامه‌ای بنویسند. اول مسأله این است که افراد را انتخاب بکنند. افرادند که می‌توانند اگر یک اشخاص منحرف باشند، بدون اینکه شما توجه داشته باشید، یک وقت توجه کنید که انحراف پیدا شد. و اشخاص‌اند که می‌توانند که انسان را یا به دامن امریکا بکشند یا به دامن شوروی. و این ملتی که آن قدر مجاهده کرده، و آن قدر جوان داده، و آن قدر زحمت کشیده است برای اینکه خارج بشود از این سلطه‌ها، یک وقت می‌بینید راه مجله، راه مطبوعات، راه رادیو و تلویزیون، نطقها و همه چیزهایی که الآن هست، یک وقت می‌بینید که اشخاصی بر خلاف آن چیزی که مسیر ملت است وارد شدند در این راهها و راه را منحرف کردند، و شما بعد ملتفت بشوید. این از مسائل مهمی است که توجه به آنها لازم است و اغماض “۱” از آنها جایز نیست. و من امیدوارم که این مجله‌ای که شما دارید، و حالا آمیدید اینجا با من صحبت می‌کنید توجه در آن در رأس همه توجهات

باشد. و نوشته‌هایی که می‌خواهد طبع بشود، یک چند نفری که می‌دانید، یقین دارید که آنها آدمهایی هستند که مستقیم هستند، و در راه مسیر ملت و کشور هستند و وابستگی به هیچ جا ندارند، آنها نوشته‌ها را مطالعه کنند، درست دقت کنند در آن، و بعد از اینکه دقت کردند در روزنامه یا در مجله نوشته بشود. این طور نباشد که یک وقت بنویسند و منتشر بشود، بعد بفهمند که این نوشته بر خلاف بوده است؛ این یک چیزی است که لازم است. این مثل مطلبی است که کتاب وقتی نوشته می‌شود، قبل از اینکه انتشار پیدا بکند باید اشخاص کارشناس به شیطنتهایی که شیاطین می‌خواهند بکنند باید توجه بکنند که یک وقت در کتاب– فرض کنید که– اولش خیلی خوب، وسطهایش هم خوب، و یک وقت می‌بینید که یک جایی جوری از کار در می‌آید که مسأله این طور نبوده است که ما تصور می‌کردیم. باید کتابهایی که نوشته می‌شود، و همین طور چیزهایی که منتشر می‌شود، اینها باید درست



توجه بشود. و افراد مَطَّلِع، مدبِّر و کسانی که از مکتبها اطلاع دارند و مسیر آنها را می‌دانند، اینها توجه بکنند، و کتابها را مطالعه کنند قبل از انتشار، و خود مجله را قبل از انتشار، درست مطالعه بکنند که مبادا یک وقتی یک جایش خلاف در آید، آن وقت برای شما دست بگیرند که خیر، این مجله هم مثلاً انحرافی است. این، هم صلاح خود شماست و هم صلاح ملت است.
*صحیفه امام ج ۱۳ سخنرانی [در جمع کارکنان مجله “سروش”]

توطئه دشمن در غوغاسالاری و تحریف واقعیات

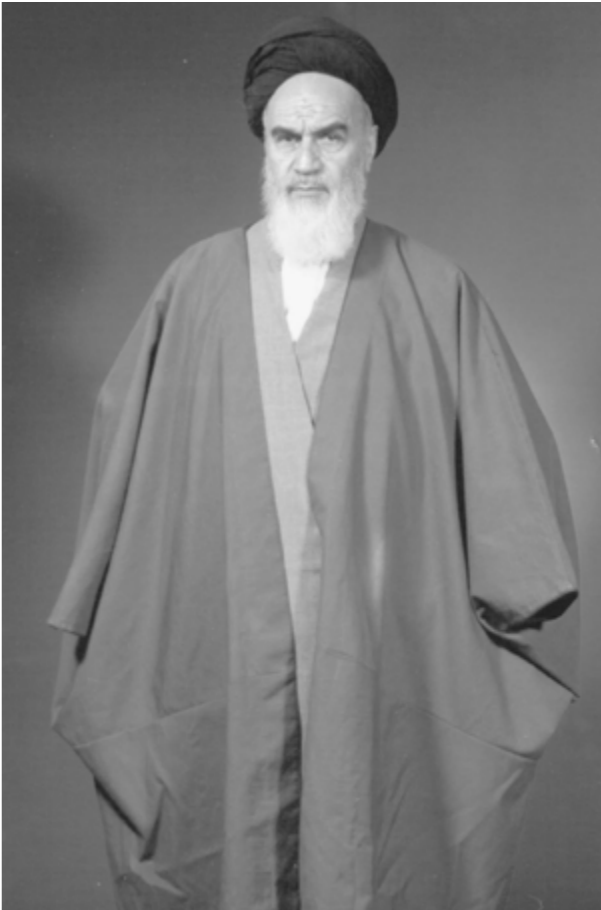
شما می‌دانید که الآن در بین مردم افتادند آن اشخاصی که می‌خواهند صدمه بزنند به جمهوری اسلامی. افتاده‌اند که هیچ کاری نکرده، این هنوز رژیم شاهنشاهی است، این فرقی با رژیم شاهنشاهی ندارد! حتی بعضی از نویسنده‌های متعهد مسلمان، آدمهای صحیح، آدمهای با سواد، یک شرح مفصّلی نوشته‌اند راجع به اینکه در جمهوری اسلامی حالا همان کارهاست و همان چیزها. اینها نگاه نمی‌کنند آن کارهایی را که شده ببینند که تا حالا چه شده است. آقای وزیر آموزش و پرورش که چند روز پیش از این آمده بودند گفتند که آن قدر مدرسه‌ای که در این دو سال ساخته شده است، ثلث همه مدرسی است که از اوّل تا حالا ساخته شده است، در دو سال ثلث او– اینها را نمی‌گویند، آنهايي که غرض دارند آن مسائلی را که باید گفت نمی‌گویند، می‌روند می‌نشینند روی آن چیزهایی که عیب و علت است، آن

۱۴

خبرنامه دانشجویان ایران

جزوه آموزشی رسانه

پوی



تلویزیون باید دستگاهی باشد آموزنده و اخلاقی

ما اگر این دستگاه که باید یک دستگاه آموزنده باشد، یک دستگاهی باشد که آن تباهیها، چیزهایی که جوانهای ما را به تباهی کشید و می‌کشد، حذف بشود و به جای آن آموزندگی باشد؛ امور اخلاقی باشد؛ امور فرهنگی باشد؛ چیزهایی که به درد جوانهای ما می‌خورد و جوانهای ما را تربیت می‌کند. این باید یک همچو عضو حساس، و یک همچو آلتی که همه جا و در همه قشرها این پا دارد، همه جا هست، حاضر است همه جا، الآن اینجا هست، اگر فردا هم مثلاً رادیو– تلویزیون این حرفها را بگوید، همه جا می‌شنوند، یک مطلبی است همه جایی، این اگر آموزنده باشد، برای همه ملت آموزندگی دارد و اگر خدای نخواستہ انحراف داشته باشد، همه ملت را به انحراف می‌کشد. ما می‌خواهیم که رادیو تلویزیونمان که پیشتر در خدمت طاغوت بود، حالا در خدمت خدا باشد؛ در خدمت اسلام باشد و اسلام می‌خواهد که همه مسائل جدّی باشد؛ مسائل مملکتی مسائل جدّی باشد؛ مسائل روحی مسائل جدّی باشد. جدّ است در آن حتی در این امور تفریحی هم در اسلام یک جوری است که باز آن جدّ پیدا می‌شود. عایله هم که وقتی انسان می‌خواهد تشکیل بدهد، یک نحو جدّی در آن هست، و یک دقتهای زیاد برای تشکیل یک ازدواج، از قبل از اینکه ازدواج بکند دستور هست زن چه مردی را انتخاب کند؛ مرد چه زنی را انتخاب کند، در انتخابش از ابتدا برنامه هست که زنها چه مردی را انتخاب کنند؛ و مردها چه زنی را انتخاب کنند. بعد هم حتی اوقات ازدواج، یک اوقات مثلاً با برکتی باشد. بعد هم کیفیت ازدواج و کیفیت همه چیز یک برنامه خاصی داشته باشد. بعد هم زمان حمل برای مادر چه برنامه‌هایی باشد. بعد هم وقتی که بچه را شیر می‌دهد، در زمان شیر دادن چه برنامه‌هایی باشد. بعد هم در دامن مادر که می‌خواهد بچه تربیت بشود، چه جور تربیت بشود. بعد هم در حمایت پدر که بچه می‌خواهد تربیت بشود، چه بشود. بعد هم در مدرسه که می‌رود، چه باشد. برای اینکه برنامه همه مکتبهای توحیدی، که اسلام در رأس آنهاست، برنامه آدم درست کردن است. می‌خواهند انسان درست کنند. قرآن اصلاً آمده است که یک انسان صحیح درست کند؛ انسان‌ساز است. از این جهت همان طوری که یک کشاورز اگر بخواهد یک زراعت سالم خوب تحویل بگیرد، زمین را شرایطی

که دارد باید روی آن شرایط عمل کند، آب چه وقت باید داده بشود، چه آبی باید باشد، چه کودی باید ریخته شود روی آن، چه وقت باید شیار بشود، چه رسیدگیهایی باید به آن بشود، همه اینها برای این است که یک ثمره‌ای، یک گندمی را می‌خواهد، تمام اینهایی که عرض کردم و بسیاری از چیزهایی که هست و حالا در ذهن من فرض کنید نیست یا طولانی می‌شود، برای این است که اسلام ماها را یک نباتی که باید آن جور تربیت بشود و بعد هم وقتی که به مرتبه حیوانیت رسید، این جوری باید تربیت بشود، تا برساندش به یک انسانی.

✽صحیفه امام ج۹ سخنرانی [در جمع کارکنان پخش رادیو]

رادیو و تلویزیون در خدمت آموزش و پرورش

و همین طور رادیو یک دستگاهی باشد برای آموزندگی، پرورش یک ملتی. با رادیو و تلویزیون از همه چیز بهتر می‌شود پرورش داد مملکت را؛ برای اینکه رادیو و تلویزیون هم مُلا و یک آدمی که سواد دارد از او استفاده می‌کند، هم آن کسی که هیچ سواد ندارد؛ اما از دستگاههای دیگر– مثل روزنامه و مجله– یک دسته می‌توانند استفاده بکنند، به یک جای محدودی. الآن رادیو و تلویزیون جوری شده است که در همه جا الآن شما می‌گویید که [رادیوی] ما را چهار میلیون جمعیت [می‌شنود]. رادیوها و تلویزیون یک جوری شده است که حالا همه قشرها می‌بیند و می‌شنوند. از راه سمع و بصر شما می‌توانید خدمت کنید به این مملکت، چنانچه خیانت کردند به این مملکت. رادیو و تلویزیون از اموری است که از همه چیز بهتر می‌شود به آن آموزندگی داد، دستگاه را دستگاههای مترقی کرد؛ و جوانها را با او تربیت کرد؛ برای اینکه همه گوش می‌کنند، و همه جوانها گوش می‌کنند و دهانتها و روستاییها و آنها هم همه، هر کس توانسته یک رادیو پیدا کرده، و اگر نتوانسته، رفته منزل رفیقش و گوش کرده است.

در هر صورت، این دستگاهها باید تبدیل بشود، اگر بخواهید مملکتان بماند به دست خودتان. و اگر همان برنامه‌ها باشد و همان بساط باشد، بدانید که حالا اگر نشود، بعد از چند سال دیگر دوباره برگشت به همان مسائل است، و دوباره بدبختی برای “۱” ۵۸ (شما خواهد بود.

✽صحیفه امام ج۹ سخنرانی [در جمع کارکنان رادیو دریا]

استقلال رادیو– تلویزیون

من بارها گفته‌ام رادیو– تلویزیون باید کاملاً مستقل باشد، و باید استقلالش محفوظ باشد و هیچ کس در آن دخالت نکند. شما فقط در هر چه بیشتر اسلامی شدن آن کوشش کنید، تا مطابق با خواست مردم باشد. مردم خونشان را داده‌اند. نمی‌شود که مسلمانها خونشان را بدهند و بعد اشخاصی منحرف بیایند و نتیجه‌اش را ببرند. و مسأله این است که هیچ عقل و شرعی این را نمی‌گوید. مردم مسلمان ریختند در خیابانها، “الله اکبر” گفتند، جانشان را فدا کردند و گفتند ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم، جمهوری اسلامی محتوایش این است که همه چیزش اسلامی باشد. یکی از مهمات، همین قضیه رادیو– تلویزیون است که از همه چیز اهمیتش بیشتر است. این دو دستگاه است که باید اسلامی بشود. استقلالش را حفظ کنید. کسی اگر آمد خواست یک چیزی را تحمیل کند، ابتدا به آن اعتنا نکنید و با استقلال و با قدرت این دستگاه را راه یابندازید.

✽صحیفه امام ج۱۲ سخنرانی [در حضور مدیر عامل صدا و سیما]

آموزنده بودن فیلمهای تلویزیون

و همین طور باید فیلمهایی که در رادیو هست، در تلویزیون هست، فیلمهایی آموزنده باشد، فیلمهایی باشد و لو از خود ایران درست کنند، آموزنده باشد، یا فیلمهایی که از خارج می‌آید درست تفتیش بشود که هیچی نباشد. آنها با شیطنت ممکن است به اینجا فیلمهایی را بفرستند که بخواهند فاسد کنند جوانهای ما را. اینها باید همه‌شان اداره بشود، درست بشود، اسلامی بشود، روی مقصد کشور باشد، روی مصالح کشور باشد.

✽صحیفه امام ج۱۲ بیانات [خطاب به مدیر واحد اطلاعات صدا و سیما]

نبایدهای رسانه‌ای

تباهی نیروی انسانی در آزادی به سبک غربی

مملکت، مملکت است به جواش؛ به نیروی انسانیش. چیزی که نیروی انسانی را به باد بدهد مملکت را به باد می‌دهد. اگر یک مملکتی نیروی انسانی نداشته باشد، این مملکت نمی‌تواند اداره بشود. و این طور آزادیی که این آقایان می‌خواهند، این آزادیی است که نیروی انسانی را به تباهی می‌کشد؛ و به آنجا می‌کشد که هر چه سرش بیاورند حرف نزنند؛ یعنی حرف نزنند، مطرح نیست پیشش، او تمام همش به این است که چه وقت تابستان بشود و چه وقت، وقت این بشود که برونند دریا؛ تمام همّش به این است که چه وقت شب بشود و برود سینما؛ چه وقت این مثلاً قضایای رادیو– تلویزیون پیش بیاید و بنشینند تماشا؛ نمی‌تواند، همان طوری که آدم تریاکی نمی‌تواند از پای منقل پا شود برود سراغ فرض کنید که جهاد سازندگی، از پای منقل نمی‌تواند فکر این معنا را بکند که به مملکت ما چه می‌گذرد؛ فرهنگ ما چه شده است؛ اقتصاد ما چه شده است. نمی‌تواند فکر کند، اینها هم می‌خواهند همین جور باشند. آنهایی که می‌خواهند ما را غارت کنند می‌خواهند بی‌مزاحمت غارت کنند، چرا مزاحم برای خودمان درست کنیم؟ راه عیش و عشرت را بر این جوانهای تازه‌رس باز می‌کنیم، هر چه می‌خواهند از این عیش و عشرتها بکنند، ما هم آن مخازن‌نشان را می‌بریم؛ اینها هم عیش و عشرتشان را بکنند! اینها فریاد بکنند و عیش و عشرت بکنند، آنها هم همه چیزشان را ببرند. این پنجاه سال وضع ما این بود. دامن‌می‌زنند به همه چیزهایی که در این معنا مشترک بود که جوانهای ما را تباه می‌کرد؛ بی‌تفاوت می‌کرد، در همه این معنا مشترک بود و حالا ما می‌خواهیم که باورمان آمده باشد، چه شماها که در تلویزیون هستید، در رادیو هستید کار می‌کنید و چه ما که طلبه هستیم و آنجا هستیم، باورمان بیاید که ما یک رژیم فاسدی که همّش [را] به این گماشته بود که جوانهای ما را فاسد کند، تباه کند، بی‌تفاوت نسبت به مسائل اساسی خودش بکند، باورمان بیاید که آن رفته که یک رژیم اسلامی– انسانی بیاید که در همه امور جدی باشد.

✽صحیفه امام ج۹ سخنرانی [در جمع کارکنان پخش رادیو]

تفاوت آزادی قلم و خیانت قلم

مطبوعات در عین حال که یک مؤسسه محترم و بسیار مؤثرند، لکن باید روی موازین مطبوعاتی و خدمت به ملت رفتار کنند. آزادی قلم و آزادی بیان معنایش این نیست که کسی بر ضد مصلحت کشور قلمش آزاد است که بنویسد، بر خلاف انقلابی که مردم پایش خون داده‌اند بنویسد. همچو آزادی صحیح نیست. قلم آزاد است که مسائل را بنویسد؛ لکن نه اینکه توطئه بر ضد انقلاب بکند. بیان آزاد است که مطالبی اگر دارد بنویسد؛ آن هم مطالبی که به او داده می‌شود. از همه اشخاص بنویسد، بدون توطئه. وقتی ما دیدیم که در یک روزنامه‌ای از یک اشخاصی مطالب نوشته می‌شود که اینها عمال اجانب هستند و می‌خواهند مملکت ما را باز به خرابی بکشند و از آن طرف مقالاتی و مطالبی که راجع به مسائل نهضت است، راجع به مسائل اسلام است، یا تحریف می‌شود یا نوشته نمی‌شود. این طور مطبوعات را ما نمی‌توانیم برایش احترام قائل بشویم. برای مطبوعاتی ما احترام قائل هستیم که بفهمد آزادی بیان و آزادی قلم یعنی چه. گفته می‌شود که مردم آزادند، یعنی آزاد است انسان که بزند سر مردم را بشکنند؟! آزاد است که قانون‌شکنی بکند؟ آزاد است



که بر خلاف مسیر ملت عمل بکند؟ آزاد است که توطئه بکند بر ضد ملت؟ اینها آزادی نیست. در حدود قوانین، در حدود کارهای عقلایی، آزاد است. و ما در بعضی مطبوعات– حالا من اسم مطبوعات را نمی‌برم– لکن در بعض مطبوعات می‌بینیم که اینها از آزادی سوء استفاده می‌کنند؛ به گمان اینکه یا به خیال اینکه آزادی است می‌خواهند از مردم آزادی را سلب کنند. این مردم با این زحمتی که در این سالهای طولانی کشیده‌اند و با این خونهایی که در این دو سال اخیر داده‌اند می‌خواهند آزاد باشند. بعضی مطبوعات می‌خواهند از اینها سلب آزادی بکنند؛ به اسم “آزادی قلم” بر خلاف مسیر ملت عمل بکنند. دست اشخاصی که می‌خواهند اختناق در ملت ایجاد کنند، می‌خواهند چپاولگری کنند، بعضی مطبوعات دست آنها را دارند باز می‌کنند؛ و این معنی، آزادی نیست؛ این معنی، خیانت است. اینکه داده می‌شود به ملت، آزادی است؛ نه خیانت. آزادی قلم است؛ نه خیانت قلم. آزادی بیان است؛ نه بیان خائتانه.

✽صحیفه امام ج۷ سخنرانی [در جمع گروهی از کارکنان روزنامه کیهان]

لزوم انتقاد و ممنوعیت غرض‌ورزی

از وظایفِ هم رادیو و تلویزیون و هم مجلات و هم سایر جاها این است که مسائلی که شده است بگویند. من در همان اوایل امر که آقای بازرگان نخست وزیر بوده، در همان اوایل امر به آقایان گفتم که آقا شماها مسائلی که انجام می‌دهید در رادیو و تلویزیون اعلام کنید که ما این کار را کردیم، آن کار را کردیم. نگذارید آنها بگویند که این کاری نکرده، آن کار نکرده، هیچ کاری نکرده. کارِ نکرده‌ها البته زیاد است. اما یک مملکتی که لا اقل بیش از پنجاه سال به انحراف شدید کشیده شده، از اوّل بوده اما در این پنجاه سال مُتعمّد بودند به اینکه این را منحرف کنند و ما را از همه طرف وابسته کنند و همه چیز ما را از بین ببرند. دانشگاهمان را از بین ببرند. چی ببرند. چه ببرند. اینها تصور این را نمی‌کنند که یک همچو چیزی در دو سال، این قدر که شده است اعجاز کرده است. فکر این را نمی‌کنند که این کار همچو شده است که تویی که حالا قلمت را دست گرفتی و برای همه داری می‌نویسی، آزادی. برای همه ارگانها داری انتقاد می‌کنی تو آزادی. شما در سه سال پیش از این می‌توانستی قلم را دست بگیري یک کلمه راجع به یکی از این ارگانها صحبت بکنی؟ قلمت را می‌شکستند، پدر خودت را هم در می‌آوردند! شما قدر این آزادی را نمی‌دانی. منتها آزادی الآن جوری شده است که مَلُعبه “۱” پیش بعضی اشخاص شده و هر چی دلشان می‌خواهد باید بنویسند. و هر چی دلشان می‌خواهد باید بگویند. ✽صحیفه امام ج۱۳ سخنرانی [در جمع کارکنان مجله “سروش”]

گفتن درست مسائل

در هر صورت، وظیفه داریم ما، یک وظیفه اسلامی، یک وظیفه انسانی داریم که آن چیزهایی که در این جمهوری شده است بگوییم و برسانیم به مردم. انتقاد هم داریم البته که کوتاهی شده است، آنها هم باید نوشته بشود.

نمی‌گوییم آن را ننویسند، آن را هم بنویسند، اما انتقاد، غیر غرض‌وَرزی است. یک قلم است که می‌خواهد یک مسئله‌ای که فرض کنید کوچک است بزرگش کند و چند مقابلش کند. تیتَر بزرگ بنویسد و بعدش هم حرفهایی که هر چی دلش می‌خواهد بنویسد. گاهی هم تیتَرها مناسب با خود موضوع نیست. این را از جای دیگر پیدا کردند. اینجا زبرش چیز دیگر نوشتند. خوب، آن غرض‌ورزی است. یک وقت یک قلمی است که می‌خواهد اصلاح کند جامعه را، هم خوش را می‌گوید، هم آنهایی را که ناقص است. اما به طور موعظه، نه بطور انتقاد غرض‌آلود، نه به طور تضعیف. مسائل را دو جور ممکن است بگوید؛ یک مسائلی است که یک استاد شریف برای بچه‌ها می‌گوید و بچه‌هایی که انحراف دارند، این استاد شریف می‌خواهد اینها را از انحراف بیرون بیاورد. نصیحتشان می‌کند. با زبان ملایم به آنها می‌فهماند. یک استادی هم داریم که می‌خواهد ضربه بزند. با ضربه می‌خواهد اینها را اذیت کند. اینها دو جور فرض است، دو جور قلم است، دو جور گفتار است، دو جور نوشتن است.

باید فکر این مطلب باشید که اگر انتقاد هست در کار، شما تنها نه، همه نویسنده‌ها هم، همه گویندگان، اگر انتقاد دارند به طور ملایم و به طور دلسوزانه مسائل را طرح بکنند نه به طور ضربه زدن، بخواهند ضربه بزنند به جمهوری اسلامی. اینها نمی‌دانند این معنا را که اگر این جمهوری اسلامی به واسطه قلم اینها به هم بخورد مسئول‌اند پیش خدای تبارک و تعالی و پیش ملت و پیش همه ملت‌ها. یک چیزی که همه ملت‌ها الآن دارند از آن تعریف می‌کنند؛ ما خودمان نشستیم قلم را دراستمان گرفتیم، اگر یک عیب کوچکی در یک جا پیدا شد، فرض کنید یک جا خطا کرد یا فرض کنید عمُد هم کرد، یک نفر یک کسی را مآلِّش را مصادره کرد، یا یک کسی را چی کرد، البته اینها نباید بشود. اما اگر یکی شد نباید این را گفت که جمهوری اسلامی هم مثل رژیم شاهنشاهی [است]! خوب، کجا این مثل رژیم شاهنشاهی است؟ در رژیم شاهنشاهی بازارشان این طور بود؟ خیابان‌هایتان این طور بود؟ مراکز فحشا آن طور بود که دیدید، و همه چیزمان آن طور. نفتمان را داشتند می‌بردند، همه چیزمان را داشتند می‌بردند. در این رژیم اینها جلویش گرفته شده، اینها را هیچ نمی‌گویند. قلم‌ها شکسته است در این امور. اما فلان آدم در فلان جا، فلان کار را کرده، فلان آدم را در فلان جا مثلاً کشته، این به جمهوری اسلامی مربوط نیست.

این یک نفر آدم، خطا کرده باید جلویش را گرفت. اگر یک همچو آدمی واقفش در کجا و همچو کاری کرده، جلویش را باید بگیرید. البته باید بگیرند جلویش را.

آن قلم‌ها را که آدم می‌بیند قضیه، قضیه نصیحت نیست. قضیه، قضیه غرض‌آلودی و عقده‌ای است که دارند. می‌خواهند این عقده را صاف بکنند. و توجه به این معانی در همه چیزها لازم است. و وظیفه من هم دعاگویِ است، به همه‌تان دعا می‌کنم. خداوند همه شما را حفظ کند. موفق کند که خدمت بکنید به کشور خودتان. مسلمانید، به اسلامتان خدمت کنید. ملت را دوست دارید، به ملتتان خدمت کنید. کشورتان را دوست دارید، به کشورتان خدمت کنید. و در نوشته‌هایتان توجه به خدا داشته باشید. بدانید که این قلم که در دست شماست در محضر خداست الآن. و اگر هر کلمه‌ای نوشته بشود بعد سؤال می‌شود چرا این کلمه نوشته شده؟ اگر به جای این کلمه بشود یک کلمه خوبتر نوشت از شما سؤال می‌کنند چرا کلمه زشت نوشتید؟ ان شاء الله خداوند همه‌تان را تأیید کند. موفق باشید.

*صحیفه امام ج۱۳ سخنرانی [در جمع کارکنان مجله “سروش”]

مطبوعات، نمایانگر آرمان ملت

باید مطبوعات در خدمت کشور باشند، نه بر ضد انقلاب کشور. مطبوعاتی که بر ضد انقلاب کشور هستند، اینها خائن هستند. مطبوعات باید منعکس‌کننده آمال و آرزوی ملت باشند. مسائلی که ملت می‌خواهند، آنها را منعکس بکنند. البته آزادند که یک مطلب دیگری هم که کسی می‌گوید منعکس کنند؛ لکن در توطئه آزاد نیستند. ما از بعض مطبوعات، توطئه می‌فهمیم؛ برای اینکه می‌بینیم

که مسائلی که به ضد انقلاب است، با آب و تاب و با طول تفسیر می‌نویسند، و مسائلی که بر وفق انقلاب است، یا نمی‌نویسند، یا با اشاره رد می‌شوند. این طور مطبوعات مورد قبول ملت نیست. مردم نمی‌خرند یک همچو روزنامه‌هایی را. و اگر گفته بشود بهشان که این روزنامه این طور است، مردم خودشان نمی‌خرند. این مردم آزادند در اینکه نخرند چنین روزنامه‌ای را. وقتی روزنامه خریده نشد، روزنامه بسته می‌شود. همان طوری که بعضی روزنامه‌ها وقتی مردم نخریدند خودش بسته می‌شود.

شما طریقتان این است که، از این به بعد توجه به این معنا داشته باشید که روی همین مسیر ملت رفتار کنید. همین طوری که ملت دارد می‌رود رفتار کنید؛ نه اینکه به اسم آزادی قلم بر خلاف مسیر ملت مشی بکنید. آنهایی که، بعضی از این کسانی که جزء هیأت تحریریه‌اند و می‌دانید که اینها اصلاح نمی‌شوند و اینها نمی‌توانند اصلاح بشوند، اینها عمال غیر هستند، اینها می‌خواهند دست اجانب را باز به مملکت ما باز بکنند، آنها را باید کنار بگذاریم. و نویسنده زیاد است؛ نویسنده دیگری وارد کار بشود.

*صحیفه امام ج۷ سخنرانی [در جمع گروهی از کارکنان روزنامه کیهان]

تطبیق خود با مسیر انقلاب

مطبوعات موظفند از تیتَرهایی که موجب تحریک و یا تضعیف مردم می‌شود و یا مخالف واقع است خودداری کنند و خود را با مسیر انقلاب تطبیق دهند؛ و نیز از درج مقالاتی که مضر به انقلاب و موجب تفرقه می‌شود خودداری کنند که این خود توطئه محسوب می‌شود.

*صحیفه امام ج۹ پیام [به نیروهای نظامی]

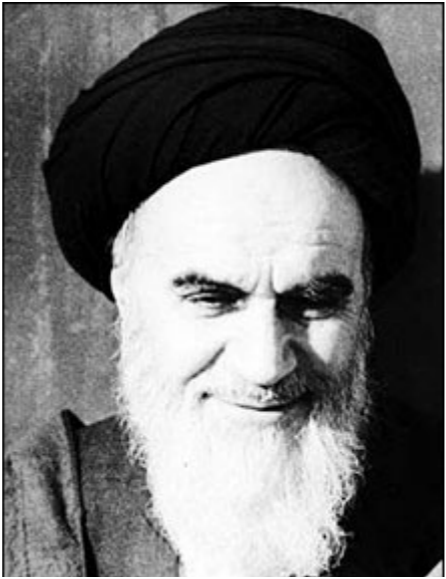
هشدار به مطبوعات و گروه‌ها

این روزنامه‌ها نمی‌فهمند یا فهمیده عمل می‌کنند. چرا باید این روزنامه‌ها دامن‌بزنند به این طور اختلافات؛ اختلافی که اشخاصی طرح‌ریزی‌اش را می‌کنند که اگر این اشخاص پیش ببرند، نه تو روزنامه‌نگار را و نه آن رئیس روزنامه را نخواهند گذاشت؛ تمامتان را از بین خواهند برد؟ آقا نقشه است. شما را به بازی گرفته‌اند، روزنامه‌ها را به بازی گرفته‌اند؛ جبهه‌ها را به بازی گرفته‌اند، نقشه است که شماها را از هم جدا کنند، دولت را از ملت، ملت را از دولت، رئیس جمهور را از مردم، مردم را از او، حالا به تدریج. آن روزی که دستشان برسد، اول کسی که در دولت‌بها کشته می‌شود همین رئیس جمهور است– چشم‌هایتان را باز کنید– همین رؤسای ارتش است، همان رؤسای روحانی است و بعد هم می‌آیند حساب احزاب را، آنهایی که با آنها موافقت نه، آنها که “اهلاً و سهلاً” آنهایی که با آنها مخالف [هستند]، حساب آنها را هم می‌کشند. بازار هم اسلحه از دستش افتاد، کاری دیگر از او نمی‌آید. نه روحانی است که همه را مجتمع کند و نه ارتشی است که بتواند جلوگیری کند.

بیدار بشوید! چرا این قدر خوابید؟ ای سران، چرا این قدر خوابید؟ چرا چشم‌هایتان را باز نمی‌کنید؟ هر که، هر جا صحبت می‌کند، به ضد هم صحبت می‌کند. هر جا می‌نویسد به ضد هم می‌نویسد. باید بیدار بشویم ما. اگر– خدای نخواست– جدا کردند روحانی را از ملت، جدا کردند ارتشی را از ملت و هر کدام را علی حدّه کردند و آن طورها که می‌خواهند انجام بدهند کردند، ارتش را منحلش بکنند به واسطه یک تبلیغاتی، روحانی را کنار بزنند و منزوی کنند به واسطه یک تبلیغاتی، اگر یک همچو کاری بکنند، دیگر نه بازاری از او کاری می‌آید که انجام بدهد و نه دانشگاهی. تا شما با هم مجتمع هستید، تا با هم هستید، می‌توانید کار بکنید.

یکی از مَثَل‌های دیگری که در بین مردم هست، باید عرض بکنم. یک کسی که می‌خواست، یک پدری که می‌خواست بمیرد، چند تا پسر داشت. هفت– هشت تا پسر داشت. خواستشان، یک چوپهایی هم تهیه کرده بود. یکی از این چوپ‌ها را داد، گفت: این را بشکن، شکستش. دوتا را گذاشت پهلو [ی] هم، گفت: اینها را هم بشکن، شکستش.

بعد، آن هفت– هشت تایی که به عدد بچه‌هایش بود پهلو [ی] هم گذاشت.



باید مطبوعات در خدمت کشور باشند، نه بر ضد انقلاب کشور. مطبوعاتی که بر ضد انقلاب کشور هستند، اینها خائن هستند. مطبوعات باید منعکس‌کننده آمال و آرزوی ملت باشند.

گفت: اینها را بشکن. هر چه زور زد، نشکست. گفت شما عددتان به عدد این چوپهاست. اگر یکی یکی باشید، شکسته می‌شوید. اگر دوتایتان یک طرف و چهار تایتان یک طرف باشد، شکسته می‌شوید. اگر همه‌تان با هم باشید، مثل این چوپها، که همه با هم باشند، هیچ کسی نمی‌تواند بشکند شما را.

اگر روحانی تنها باشد می‌شکندش، اگر ارتشی تنها باشد می‌شکندش، اگر مردم تنها باشند می‌شکندشان؛ آن که آسیب بردار نیست آن است که همه قوا با هم باشند. حرفش را می‌زنند، عملش بر خلافش است. هر کدام صحبت می‌کنند؛ از اتحاد صحبت می‌کنند، لکن در عمل، این عمل را انجام نمی‌دهند.

چه شده شما را؟! پیروز شدید؟ شمایی که الآن لشکر کفر بهتان حمله کرده، شمایی که الآن در سوسنگرد آن بساط را دارید، در آبادان آن بساط را دارید، در اهواز آن بساط را دارید، نباید به خودتان بیایید که دیگر توی روزنامه‌تان این غلط‌ها را نکنند؟! روزنامه‌ها می‌خواهند که من یکوقت صدایم در بیاید؟ یک روزنامه به طرفداری آن طرف، یک روزنامه به طرفداری آن جمله. آخر شما مسلمانید. مسلمان باید با هم باشد. اعتقاد به خدا دارید، اعتقاد به اسلام دارید، اعتقاد به معاد دارید؛ چرا جلوی روزنامه‌ها را نمی‌گیرید؟ مکرر من گفتم به آنها، چرا نمی‌گیرند جلوی روزنامه‌ها را؟ من بگیرم جلویش را؟ چرا جلوی دهن‌هایشان را نمی‌گیرند؟ چرا جلوی قلم‌هایشان را نمی‌گیرند؟ در یک همچو مشکلی که ما الآن داریم، شما هم باید به جان هم بیفتید؟

من امید این را دارم که شما جوان‌ها و جوانهای ایران و همه قشرهای ملت– آلا

یک دسته‌ای که امیدوی دیگر از آنها نیست– اینها با هم مجتمع بشوند، همین طوری که الآن اکثر مردم، بلکه درصد، نود مردم یا بیشتر الآن وفادار هستند به جمهوری اسلامی و به اسلام. من امید این را دارم که اشخاصی که از این کارهای خیلی ناچور و خیلی پست [انجام می‌دهند] دست بردارند. و همه مشغول بشوند برای اسلام کار بکنند. اگر همه با هم مجتمع باشید، اگر سران همه با هم مجتمع باشند، ایراد نگیرند به هم [که] آن به او اشکال کند، او به آن اشکال کند در یک همچو موردی، در یک همچو موقعی که ما داریم، کارها همه اصلاح می‌شود.

امیدوارم که خداوند هدایت کند همه ما را و همه شما را و همهٔ ملت ما را و ان شاء الله تعالی، پیروز باشید و شما همه برای خدا ان شاء الله، عمل کنید. همه‌تان با هم باشید. پشت و پناه هم باشید، ملت خوب است، ملت یک ملت

روشنی است، یک ملت خوبی است.شماها هم همه با هم مجتمع بشوید. دولت و ملت، ارکان دولت، رئیس جمهورش، نخست وزیرش، مجلسش، همه اینها با هم مجتمع باشند در یک همچو موقع خطیری که همه گرفتار هستید. اگر پیروز بشوند، نه نخست‌وزیری باقی می‌ماند و نه رئیس جمهوری باقی می‌ماند و نه مجلسی باقی می‌ماند و نه روحانی باقی می‌ماند. باید با هم باشید تا اینکه کار را پیش ببرید.

اگر هر کدام علی حدّه– علی حدّه، و هر کس دلش می‌خواهد یک جایی یک اجتماعی بکند، و یک تظاهری بکند و یک حرف مفتی بزند به اسمی که خودش برای همان آدمی که تظاهر می‌کند، اول او را می‌کشند. آنهایی که تظاهرات می‌کنند، آنهایی که الآن در این موقعی که جنگ هست در ایران و همه نوامیس مسلمین در خطر است و همه حیثیات مسلمین در خطر است، امروز شلوغکاری می‌کنند و اجتماع می‌کنند و نطق می‌کنند و حرف مفت می‌زنند، اگر آنها غلبه بکنند، پدر خود شما را اول درمی‌آورند.یک قدری بیدار بشوید. یک قدری توجه کنید به مسائل. این قدر تو سرهم ننزید، این قدر به هم نپرید.

*صحیفه امام ج۱۳

پرهیز مطبوعات از درج مطالب مضرّ به اسلام

باید مطبوعات یک خدمتی که برایشان محوّل است و وجداناً برای کشور ما مطرح است، آن خدمت را انجام بدهند تا به اسلام خدمت کرده باشند، و به کشور خودشان خدمت کرده باشند. این خط را باید دنبال کنند، یعنی؛ هر مسئله‌ای که می‌خواهند طرح بکنند توجه به این داشته باشند که همان مسأله و دنبال همان کار باشند. مسائل دیگری که مربوط نیست به این یا مسائل دیگری که مخالف است با این مسائل غیر مربوط، اگر یک مسائل غیر مضرّی باشد خوب، مانعی ندارد که گفته بشود و نوشته بشود. اما مسائلی که مضرّ به وحدت جامعه است، و مضرّ به آن انگیزه‌ای است که جامعه برای او قیام کرد یعنی؛ مضرّ به اسلام است، باید مطبوعات از او احتراز کنند، و باید آنهایی که در رأس مطبوعات هستند آنها توجه داشته باشند مبادا در بین آنها اشخاصی خودشان را جا بزنند.

شما می‌بینید که الآن اینهایی که انحراف دارند مشغول فعالیت هستند که هر چه در هر جا پیدا بشود، اینها هم داخلش بشوند به یک صورتی. ممکن است یکی از آنها تسبیحی دستش بگیرد و ریش هم بگذارد و در حضور شماها نماز هم بخواند و این طور چیزها. شما باید فکر بکنید که این سابقه‌اش چی بوده، چه کاره است. و وقتی هم که وارد می‌شود در– فرض کنید– مجله شما چه می‌خواهد بکند، چه کاری می‌خواهد بکند.

انتخاب افراد خیلی امر مهمی است برای مطبوعات. خصوصاً برای رادیو و تلویزیون که اشخاص زیادی در خصوص رادیو و تلویزیون و در عموم مطبوعات هستند، اینها می‌خواهند که راه را به طوری که کسی متوجه نشود؛ یعنی آن اشخاصی که درست فکر می‌کنند، توجه پیدا نکنند وارد بشوند و راه را منحرف کنند.

*صحیفه امام ج۱۳ سخنرانی [در جمع کارکنان مجله “سروش”]

امکان وجود غشّ در تعیین تیتَرها

اخباری که می‌نویسید، تیتَرهایی که هست، اینها را که در روزنامه‌ها آدم می‌بیند، می‌فهمد که این تیتَر از کجا پیدا شده است، با چه مقصدی این را گذاشته‌اند. و گاهی آدم بعد که می‌خواند، می‌بیند مسأله این طور هم نبوده است؛ تیتَرش یک جور دیگر است، مسأله‌اش یک جور دیگر؛ ابتدا همه مردم نمی‌توانند همه روزنامه را تا آخر بخوانند، این تیتَرها را نگاه می‌کنند می‌بینند در تیتیری که هست، چه فسادوی واقع شده است یا چه صلاحی واقع شده است. اما آدم وقتی خود متن را می‌خواند، می‌بیند مسأله این طور نیست که این در تیتَر هست. باید توجه کنید که این یک غشّی “۱” است برای مسلمین که انسان در تیتَر یک چیزی بنویسد و محتوا آن جور نباشد؛ نه به آن تندوی باشد که– مثلاً در این

تیرت هست، و نه به آن عظمت باشد که در این تیرت هست. این یک نحو غش است برای مسلمین. همان طوری که یک کاسبی روی متاعش یک چیز خوبی قرار می‌دهد، روغن را روی آن یک مقدار روغن خوب می‌ریزد [اما] آخرش فاسد است و این حرام است و غش است، همین طور چنانچه روزنامه این طور باشد که انسان تیرتها را که نگاه کند ببیند این روزنامه خیلی روزنامه خوبی است یا مسائلی هست، مسائل مهمی مطرح هست، از آن طرف، کسی را انتقاد می‌کنند که این آدم خبیث است، این طور است، اما وقتی آدم می‌رود [متن را] نگاه می‌کند، می‌بیند مسأله این طورها هم نبوده است یا اگر بوده، به این شدت نبوده است. متن را این یک نحو غشی است که شما با قلمهایتان می‌کنید. همان طور که این فروشنده روغن رو و زیرش با هم فرق دارد و غش است و حرام، این هم که تیرتش با واقمش مخالف است، این هم غش است و حرام. *صحیفه امام ج ۱۴ سخنرانی [در جمع کارکنان روزنامه کیهان]



طرح انتقادات سالم در مطبوعات، نه انتقامگیری

مسئله دیگر راجع به انتقاد، البته روزنامه‌ها باید مسائلی که پیش می‌آید را نظر کنند، یک وقت انتقاد است؛ یعنی انتقاد سالم است، این مفید است. یک وقت انتقام است، نه انتقاد، این نباید باشد، این با موازین جور در نمی‌آید. انسان چون با یکی خوب نیست، در مطبوعات او را بکوبد، کار درستی نیست. اما اگر کسی خلاف کرده است، باید او را نصیحت کرد، پرده دری نباشد، ولی انتقاد خوب است. باید در این امور خیلی ملاحظه بفرمایید تا مطبوعات مرکزی باشد برای استفاده عموم، و اینکه مردم بفهمند باید چه بکنند و باید چه بشود.

*صحیفه امام ج ۱۹ سخنرانی [در جمع مسئولان روزنامه‌ها]

ضرورت تصفیه افراد ناسالم از صدا و سیما

و اما راجع به افراد، از قراری که من شنیدم، بعضی از افرادی که متعهد بودند و مسلمان بودند و برای کشور خودشان دلسوز بودند، از آنجا کنار گذاشتند، و بعضی افرادی که باید تصفیه بشوند، اینها باز سر کارها هستند. شما باید با سایر آقایانی که در آنجا هستند و متعهد، با هم این افرادی که الآن برای مملکت ما مضر هستند، این چپپها و اینهایی که به یک طرف، این طرف رابطه دارند، اینها را باید تصفیه کنید، و بدون اینکه بترسید تصفیه کنید اینها را، و به جای آنها جوانهای متعهد و اسلامی را بیاورید. و آنهایی را که بیرون کردند از اشخاصی که متعهد بودند، باز ببینید کسانی هستند که به درد می‌خورند، آنها را وارد کنید، و کسانی که مضر هستند به اینجا، و لو فرض کنید متخصص هم باشند- متخصص مضر، ضررش بیشتر از غیر متخصص است- اینها کنار باید بروند و تصفیه بشود. ان شاء الله تعالی موفق و مؤید باشید.

*صحیفه امام ج ۱۲ بیانات [خطاب به مدیر واحد اطلاعات صدا و سیما]

لزوم تصفیه در رادیو- تلویزیون

از این جهت، این سازمان باید صد در صد به صورتی باشد که با نهضت و انقلاب اسلامی بسازد. نه اینکه ما بگوییم رادیو- تلویزیون اسلامی هست، ولی ببینیم یک حرفهایی در آن می‌زنند که به اسلام و به انقلاب اسلامی لطمه وارد می‌آورد. باید کاملاً توجه داشت که به هیچ وجه ما نباید مقلد شرق و غرب باشیم. زیرا تقلید از شرق و غرب با رادیو- تلویزیون اسلامی نمی‌سازد. باید کاملاً مراقبت کنید و خوف از گفته‌ها و نوشته‌های این روشنفکران غریزده

ابداً نداشته باشید. این روشنفکران در فکر این هستند که مملکت را به خواست خودشان یک مملکت لوکس درست بکنند، و دیگر هر چه خرابی هم باشد مانعی ندارد. آنها دلشان می‌خواهد یک مملکت غربی درست بشود، و حال اینکه مردم اینجا همه جدیت کردند برای اینکه اسلام در ایران پیاده شود. نه فقط یک صورت اسلام، و وقتی سر به هر اداره‌اش می‌زنیم اسلام در کار نباشد. باید شدیداً با روشنفکران غریزده مبارزه کرد. از این جهت، شما مأموریت دارید با همکاری کارمندان مسلمان و متعهد و غیر منحرف این سازمان را تصفیه کنید، بدون اینکه خوفی از کسی و با گروهی داشته باشید.

باید توجه داشته باشید که در این سازمان مسلمانان متعهد حتی یک نفرشان نباید بیرون بروند، مگر تخلفاتی کنند، که این مسئله دیگری است و فرقی با دیگران ندارند. اما یکوقتی گفته نشود اینها مثلاً یک قدری ارتجاعی هستند. از این حرفهایی که شاه هم به مسلمانان مبارز و متعهد در آن دوره می‌زد. مسلمانان مبارز و متعهد باید آنجا باشند. و دیگریانی هم که تصفیه می‌شوند باید جایشان را افراد مسلمان مبارز غیر منحرف گذاشت.

ما بحمد الله گویندگان و نویسندگان خوب داریم. ما همه چیز داریم. من غالباً فیلمهایی که خود ایرانیها درست می‌کنند به نظرم بهتر از دیگران است. مثلاً فیلم "آمو" آموزنده بود. اما حالا این فیلمها باید حتماً از امریکا و یا از اروپا بیاید با یک بی‌بند و باری، تا روشنفکران غریزده شاد شوند. فیلمهایی که از خارج به ایران می‌آید اکثراً استعماری است. لذا فیلمهای خارجی استعماری را حذف کنید مگر صد در صد صحیح باشد. در هر صورت این به عهده شما و مسئولین آنجاست. بار دیگر تذکر می‌دهم که آنجا را از وابستگان رژیم سابق تصفیه کنید. البته مصاحبه اشکالی ندارد، و لو یک کمونیسست بیاید و حرفش را بزند و در همان جا از شخص دیگری جواب گیرد، این مانعی ندارد. خلاصه رادیو- تلویزیون نباید در دست یک عده مفسده جو باشد. با کمال تأسف هنوز ریشه‌های رژیم سابق هستند. حالا یک قدری جلوی منافشان گرفته شده. اخلال می‌کنند و می‌خواهند همان عیاشیها را بکنند، و رادیو- تلویزیون را برای خودشان دکان کنند. من صریحاً می‌گویم، ما نمی‌خواهیم نه غرب و نه شرق از ما تعریف کنند.

نمی‌خواهیم روشنفکران غریزده و قلمداران خود فروخته از ما تعریف بکنند. ما می‌خواهیم یک مسئله‌ای را که اسلام می‌فرماید عمل بکنیم و برای کشورمان خدمت بکنیم. نه یک دستگاهی درست بشود که همه‌اش خراب و فاسد باشد و بچه‌های ما را به فحشا بکشند، و افراد را بی‌تفاوت کنند، که اگر همه چیزشان را ببرند، اینها اصلاً ککشان نگزد و هیچ توجه به این مسائل نداشته باشند. ما می‌خواهیم ادارات را متحول کنیم، همین طور که الحمد لله الآن همه مردم متحول شده‌اند. باید توجه به این مسائل داشت. من دعا می‌کنم.

*صحیفه امام ج ۱۲ سخنرانی [در حضور مدیر عامل صدا و سیما]

اصلاح برنامه‌های رادیو و تلویزیون

و من از همه شما تقاضا دارم به اینکه برنامه‌هایتان را اصلاح کنید. برنامه‌هایی باشد که مفید باشد برای جامعه. برنامه‌هایی باشد که مسائل [و] مشکلات جامعه را بگوید. از برنامه‌های انحرافی پرهیز بکنید. گاهی من می‌بینم که در رادیو هست چیزهایی که انحرافی است، و مع الأسف آن انحرافی را چند دفعه می‌گذارند؛ و آن چیزی که صحیح است یا نمی‌گذارند، و یا منحرفش می‌کنند و می‌گذارند. خوب، این یک خیانت بزرگی است. ما چه قدر باید به اینها بگوییم! من کراراً گفتم که شما باید خدمت بکنید به این دستگاه، به این کشور؛ نه اینکه یک اشخاص منحرفی را در آنجا راه بدهید که برنامه‌های انحرافی را [درست کنند] اگر یک کسی یک صحبت انحرافی بکند، مکرر، مکرر، تماشش را می‌گذارند. در رادیو می‌گذارند؛ در این رادیو و تلویزیون هم می‌گذارند. همین که یک مسئله انحرافی شد، در رادیو می‌گذارند؛ در تلویزیون هم می‌گذارند. اگر یک کسی جواب این انحراف را بدهد، یا نمی‌گذارند اصلاً؛ و یا اگر بگذارند به طور انحراف می‌گذارند.

*صحیفه امام ج ۱۰ سخنرانی [در جمع کارکنان صدا و سیما]

مروری بر دیدگاه مقام معظم رهبری پیرامون رسانه



القاء شیوا و موثر پیام

القاء غیرمستقیم پیامها و مفاهیم است. در این زمینه، بارها و سالها مطالبی گفته‌ایم. من می‌بینم گاهی اوقات در فیلمهای خارجی پخش شده، پیامهای فرهنگی و گاهی پیامهای دینی عجیبی وجود دارد که انسان اصلاً احساس هم نمی‌کند.

هنر این است که انسان مطلب را به شیواترین شکل و به مؤثرترین نحو بیان کند؛ اما هیچ در طرف مقابل حالت امتناع به‌وجود نیاورد.

(بیانات در دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما — ۱۳۸۳/۹/۱۱)

پرداختن به گرایشات اصولی

رادیو و تلویزیون ما باید گرایشهای اصولی نظام را با تمام قوت و قدرت و هنرش از آب در بیاورد و آرایه کند. در همه‌ی بحثها و تمام آنچه که شما از این رسانه و از این قوطی خارج می‌کنید و به گوش و قلب مستمعان می‌رسانید، باید این نکته رعایت بشود. گرایشهای اصولی نظام را پیدا کنید و آنها را منعکس نمایید.

(بیانات در دیدار با مسئولان صدا و سیما جمهوری اسلامی — ۱۳۶۹/۵/۷)

ضرورت تنبیه و تشویق

مراقبت، چیز خیلی مهمی است. مدیران بخشهای مختلف، باید به مراقبت نسبت به محوطه‌ی کارخودشان و تشویق و تنبیه، خیلی اهمیت بدهند. منظورمان از تنبیه، تنبیه قضایی و نوع کار قضایی نیست؛ بالاخره ترتیب اثر داده بشود. اگر کسی خوب و صحیح و مطابق برنامه کار می‌کند، باید تشویق شود.

کسی هم که تخطی می‌کند، کار بد انجام می‌دهد، رعایت مصلحت نظام و مفاهیم مطلوب برای نظام را نمی‌کند و برخلاف اسلام و مفاهیم انقلاب چیزی را می‌گنجاند، باید با او برخورد شود.

(بیانات در دیدار با مسئولان صداوسیما — ۱۳۶۹/۵/۷)

کار عالمانه، بسیار بااهمیت

کار تحقیقی خیلی مهم است. کاری که از روی تحقیق و عالمانه باشد، حتی برای مردم عامی که عالم هم نیستند، ارزش و جاذبه‌ی بیشتری دارد. البته کار عالمانه به معنای قلنبه‌سنبه‌گویی نیست، بلکه کار عالمانه، یعنی کار متفن و صحیح؛ ولو این‌که با زبان همه‌کس فهم و مردمی گفته شود.

همچنان‌که شنیده‌اید، در همه‌ی زمینه‌های تحقیقات علمی، بودجه‌های کلانی در برخی از کشورهای پیشرفته گذاشته می‌شود. تحقیق در زمینه‌های مفاهیم فرهنگی و مسائل گوناگونی که رسانه‌ی ملی با آنها سروکار دارد، از جمله کارهای بسیار مهم است.

(بیانات در دیدار با کارکنان صدا و سیما — ۱۳۸۳/۲/۲۸)

لزوم توجه به هنر

و اما هنر، که من راجع به هنر واقعاً هرچه بگویم، کم گفته‌ام. من بارها هم گفته‌ام که به هنر باید اهمیت داد و بایستی آن را روزبه‌روز اعتلا بخشید و باید شکل فاخر هنر را انتخاب کرد.

بدون هنر، حرف عادی جای خودش را حتی در ذهن کسی پیدا نمی‌کند، چه برسد به این‌که جذابیت داشته باشد و جایگیر و ماندگار شود.

هنر مهمترین وسیله است برای گسترش یک فکر درست یا نادرست. هنر، وسیله، ابزار و رسانه است؛ رسانه‌یی بسیار مهم.

از هنر و از اعتلای آن نباید غفلت کرد و آن را مساوی با گناه و غلط و این مقولات نباید دانست.

هنر جزو برجسته‌ترین مخلوقات الهی است و جزو ارزشمندترین صُنع پروردگار است، که باید آن را ارج گذاشت. در همه‌ی کارها، حتی در یک تبلیغات معمولی، باید هنر را به کار برد. اگر از ابزار هنر در کارهای علمی و القانات فکری و علمی که از صدا و سیما پخش می‌شود، استفاده شود، ماندگاری و جاذبه‌ی آن کارها مضاعف خواهد شد.

(بیانات در دیدار با کارکنان صدا و سیما — ۱۳۸۳/۲/۲۸)

الزامات و شروط موفقیت رسانه

ظرفیت بالا در کمّ و کیف محصول

رسانه‌ی ملی اگر بخواهد به عنوان مهمترین ابزار فرهنگی در کشور، از عهده‌ی کارها بربیاید، باید این چیزها را در خودش تأمین کند: امین نظام باشد، مورد اعتماد مردم باشد، برخوردار از مزیت‌های رقابتی باشد. امروز رقبا‌ی ما زیادند؛ چه رقبا‌ی منطقه‌یی، چه رقبا‌ی بین‌المللی. ما باید در مقابل این رقبا خود را از مزیت‌های رقابتی برخوردار کنیم. ظرفیت بالا در کمّ و کیف محصولات، هر دو مورد نظر است. نباید کمیت، کیفیت را تحت‌الشعاع قرار دهد و بعکس.

(بیانات در دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما — ۱۳۸۳/۹/۱۱)

پوشش سراسری در کشور

آرایش سازمانی و رسانه‌یی ما باید به‌گونه‌یی باشد که بتوانیم همه‌ی کشور را در همه‌ی ابعاد پوشانیم. این آرایش باید کارآمد باشد؛ دارای قدرت انعطاف برای انطباق با شرایط گوناگون و پیش‌بینی نشده باشد؛ در برخورد با مسائل گوناگون، توانایی، سرعت و چالاکی داشته باشد؛ بتواند موضع خودش را اتخاذ کند و کارساز باشد.

(بیانات در دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما — ۱۳۸۳/۹/۱۱)

تدوین چشم انداز

چشم‌انداز، هدفها و راهبردها را حداقل برای پنج سال تنظیم و تدوین کنید ... مشخص شود سر پنج سال به کجا می‌خواهیم برسیم؛ قابل اندازه‌گیری باشد.

(بیانات در دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما — ۱۳۸۳/۹/۱۱)

الگوسازی های صحیح

بشدت توجه کنید که چهره‌پردازی‌های منفی و ناصالح در صدا و سیما انجام نگیرد. من گاهی دیده‌ام انسانهایی که هیچ ارزش علمی و هنری ندارند، در صدا و سیما با پول مردم چهره‌پردازی می‌شوند؛ چرا؟ البته من نمی‌خواهم خیلی مطلب را باز کنم؛ اما می‌بینم کسی‌که در رشته‌ی خودش این‌قدر ارزشمند نیست و انسان متوسطی است، او را می‌آورند و یکی دو ساعت از وقت تلویزیون را به زندگی او، به خانواده‌ی او و به گذشته‌ی سرتا پا کم‌ارزش او مصروف می‌کنند؛ چرا؟ به‌نظر من علاوه بر این‌که این «چرا» وجود دارد، «منفی» هم هست. این کار، الگوسازی است؛ ما چه کسی را می‌خواهیم الگوی جوانها قرار دهیم؟ این‌طور آدمهایی را؟

(بیانات در دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما — ۱۳۸۳/۹/۱۱)

مردی و کاری

یک تذکر مهم، وقت‌گذاری مدیران و نپرداختن به کارهای دیگر است. من خواهش می‌کنم مدیران صدا و سیما همان کاری را که الان در صدا و سیما دارند، مهمترین کار بدانند و به‌کار دیگری نپردازند؛ این مهمترین کار شماست. پرداختن به‌کار دیگر، شما را از هر دو کار باز می‌دارد.

(بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان سازمان صداوسیما)

تبادل نظر در زمینه آرمان های انسانی

اگر در مدیریت و برنامه‌سازی رسانه‌ای، دین، اخلاق و فضیلت حاکم باشد، یقیناً رسانه‌ها وضع بهتری خواهند داشت و وضع بشریت از آنچه که امروز هست، بهتر خواهد شد. من توصیه می‌کنم در این‌طور گردهمایی‌ها لاقفل به همان اندازه‌ای که در زمینه‌های فنی و کاری تبادل‌نظر می‌شود، در زمینه‌ی آرمانهای انسانی و چگونگی به کار گرفتن این فضیلتها و آرمانها مذاکره و فکر بشود؛ برای اینکه معنویت و اخلاق وارد جریان رسانه‌ای دنیا بشود و این پیشرفت و حرکت علمی بسیار باارزشی که در دنیا انجام گرفته و رسانه‌ها را این‌طور ارتقاء بخشیده، در خدمت بشریت قرار بگیرد.

(بیانات در دیدار با مدیران و برنامه سازان — ۱۳۸۵/۲ /۲۶)



سه گفتار درباره رسانه





گفتاری منتشر نشده از وحید جلیلی سردبیر نشریه راه درباره «سینمای دینی»

کدام دین؟ کدام اسلام؟

وقتی می‌خواهیم به سمت مقولاتی مثل سینمای دینی، سیاست دینی، اقتصاد دینی، هنر دینی، رسانه اسلامی و… برویم یک خطای اساسی که در طرح مسئله صورت می‌گیرد و آن این است که ما فکر می‌کنیم نوعاً اگر ما رسانه دینی نداریم یا کم داریم مشکل از رسانه است، یا مشکل از هنر یا سینما است، بنابراین باید در آن عرصه حضور پیدا کنیم و دین خود را در قالب رسانه، سینما و مقولات مختلفی که وجود دارد ارائه کنیم.

کسانی که با این نگاه، وارد این عرصه‌ها می‌شوند نوعاً تا آخر مسیر را اشتباه می‌روند. مشکل اساسی در هنر دینی و سینمای اسلامی، گزاره دوم این مقولات یعنی دین آن و اسلام آن است، یعنی اول تعریف خود را از دین مشخص نمی‌کنیم، بعد می‌گوییم که می‌خواهیم سینمایمان را دینی کنیم! یک عده‌ای که با این زاویه وارد می‌شوند، عمداً یا سهواً، خودآگاه یا ناخودآگاه به این مشکل دامن می‌زنند، در حالیکه می‌خواستند دین را در سینما مطرح کنند ولی در نهایت می‌بینیم که تحت علم سینمای دینی به یک سینمای ضددینی می‌رسند.

ابتدا باید تکلیفمان را با اسلام سینمای اسلامی مشخص کنیم. حضرت امام(ره) می‌فرمود: «انقلاب اسلامی، انقلابی است علیه اسلام» یعنی اصل ماجرای انقلاب اسلامی، از نگاه بنیانگذارش اینگونه است؛ همچنین در پیام یک صفحه‌ای که امام چند ماه قبل از رحلتشان (دی ماه ۶۷) به رئیس وقت مرکز اسناد انقلاب اسلامی آقای سید حمید روحانی صادر کردند، توجه کنید که امام(ره) نگران این هست که انقلاب درست تعریف نشود و به نسل‌های بعدی درست منتقل نشود.

دو نکته اساسی را امام خمینی(ره) در این پیام متذکر می‌شوند:

اول روش‌شناختی انقلاب اسلامی؛ یعنی در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نباید به جریان نخبگان متکی باشیم و اگر کسی بخواهد انقلاب اسلامی را بشناسد نباید صرفاً به خاطرات فلان آیت الله یا فلان دکتر اکتفا نماید والا این خیلی خطرناک است، باید توده‌ها را بررسی کرد، انقلاب ما یک انقلاب عمیق مردمی و بسیار گسترده و ریشه‌دار است، مردم باید انقلاب را روایت کنند، و این نکته‌ای است که کمتر به آن توجه شده و آسیب‌های زیادی هم از این ناحیه بوجود می‌آید و این تا جایی است که امام(ره) می‌فرمایند: «از شما می‌خواهم هر چه می‌توانید سعی و تلاش نمایید تا هدف قیام مردم را مشخص نمایید، چرا که همیشه مورخین اهداف انقلابها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابانشان ذبح می‌کنند. امروز همچون همیشه تاریخ انقلابها، عده‌ای به نوشتن تاریخ پر افتخار انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند. تاریخ جهان پر است از تحسین و دشنام عده‌ای خاص، له و یا علیه عده‌ای دیگر و یا واقعه‌ای در خور بحث. اگر شما می‌توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده‌های مردم رنج‌دیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده‌اید. باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرتها و ابرقدرتها باشد.»

دوم مفهوم انقلاب اسلامی؛ انقلاب اسلامی انقلابی علیه ظلم و تحجر و واپسگرایی است و این دو باید برای نسلهای بعدی تعریف شود و این تعریفی است که امام(ره) از انقلاب ارائه می‌کند که مردم ما علیه این ظلم و تحجر قیام کردند و فکر اسلام ناب را جایگزین اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌گذاری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام آمریکایی کردند. یعنی اساس انقلاب اسلامی، اسلام و کفر را به چالش کشید، چالش دو اسلام با هم است و مردم علیه اسلام قیام کردند و اسلام را جایگزین اسلام کردند و امام(ره) در این پیام می‌فرمایند: «شما باید نشان دهید که چگونه مردم، علیه ظلم و بیداد، تحجر و واپسگرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام آمریکایی کردند.»

اگر ما این مطلب را نفهمیم به شبهه می‌افتیم؛ در خیلی جاها ممکن است این دو اسلام اشتراکاتی با هم داشته باشند و تا زمانی که حدود و صقور آنها مشخص نشود و تا مرزهای اسلام ناب و اسلام آمریکایی مشخص نشود، دم زدن از سینمای دینی حرفی بیهوده است.

کدام دین؟! کدام اسلام؟! تا دلتان بخواهد امروزه هم در ایران و هم در جهان دین داریم. ولی امروز عمده دین‌ها و مدعیان دینداری در جهان، طرفدار دین منهای جهاد و عدالت هستند و البته اینها هم دینی است و برای خودشان مفسر و مقلد و پارادیم در نگاه به جهان و کشف و حل مسائل بشر دارند. در قرآن هم بارها و بارها از این مدعیان که با مدعیان دینداری اصیل چالش می‌کنند، ذکرشان آمده است: «أَطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَوْ اطَّعَمَهُ؛ آیا ما کسانی را سیرر کنیم که اگر خدا می‌خواست سیرشان می‌کرد» این در واقع یک نگاه دینی است و طرفداران این دین، خدا را قبول دارند و می‌گویند خداوند تقدیر کرده است که بعضی مردم گرسنه باشند و اگر ما بخواهیم آنها را سیرر کنیم برخلاف اراده الهی عمل کرده ایم و اراده الهی این است که یک عده گرسنه و فقیر و یک عده دیگر غنی باشند.(!) البته باید توجه داشت که یک نگاه دینی دیگر هم در کنار آن وجود دارد: «وَوُتِرِدُ أَنْ نُنَمِّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْوَارِثِينَ…»

در واقع اصلاً اراده خداوند بر این قرار گرفته که مستضعفان از استضعاف درآیند. و این نگاه در تعارضی آشکار با نگاه اول است.

پس اول باید معلوم شود کدام دین، دین است؟ و اصلاً دین چیست؟ و بعد از آن معلوم شود سینمای دینی چیست؟ یک نکته دیگر هم این است که کسی نمی‌تواند از دیدگاه اسلام ناب، اقتصاد دینی، سیاست دینی و … را انکار کند ولی در عین حال طرفدار سینمای دینی باشد. اینها همه قطعه‌های پازل هستند و وقتی همه قطعه‌ها کنار هم چیده شد آنگاه معلوم میشود که آن چیست و حدود قصورش کجاست. یعنی اگر سیاست اسلامی را چیدیم، اخلاق اسلامی را چیدیم و همینطور بقیه قطعه‌های دیگر را، حالا راحت تر می‌توانیم به سینمای دینی برسیم و بالعکس؛ سینمای دینی جزئی از پازل دین جامع و جامعه‌ساز است، از طرف دیگر با اقتصاد دینی و از طرف دیگر با سیاست دینی پهلو به پهلو است، یعنی اگر فیلمی به شما کمک کرد که سیاست دینی را بهتر نشان دهید در واقع فیلم دینی ساخته‌اید و اگر سیاستی راه را برای رسانه دینی و هنر دینی باز کرد در واقع در جهت سیاست اسلامی گام برداشته‌اید. متأسفانه آنهایی که نوعاً در مورد سینمای دینی همایش می‌گذارند اول یک تعریف ناقص و انحرافی از دین را تثبیت می‌کنند و بعد در مورد این دین ابتر و بی‌روح، سینما درست می‌کنند و با نیروی تبلیغات و ابزار هنری این دین ناقص و انحرافی را به اذهان مردم وارد می‌کنند. اگر دین، دین باشد و اگر دین قوام یافته و جامع باشد، سینمای خودش را هم پیدا می‌کند. این روایت از معصوم که فرمود: «المدل حياة الاحكام» را در نظر بگیرید که نشان می‌دهد «عدالت روح احکام دین است» و وقتی روح را از کالبد دین بگیرید از آن چیزی جز جنازه‌ای باقی نمی‌ماند، اما بعضی می‌خواهند این جنازه را با افزودنی‌های مجاز و غیر مجاز جذاب کنند در حالیکه اگر روح و دست و پا داشت می‌توانست خیلی کارها را بکند.

یکی از مهمترین اشتباهاتی که در تعریف سینمای دینی شده است تعبیر سینمای دینی به سینمای عرفانی و معنوی است، این یعنی ابتدا اسلام را مسیحیزه کنیم و بگوییم که اسلام صرفاً در مورد رابطه‌ی فرد با خدا صحبت می‌کند نه در مورد روابط و تعاملات سیاسی و اجتماعی؛ قاعدتاً با چنین تعریف انحرافی از دین، سینما هم سینمای معناگرا و معنویت‌گرا می‌شود. دین معنوی همه‌جا هست از عربستان گرفته تا مالزی و ترکیه و هر کجا که بروید انواع و اقسام معنویت را می‌یابید، امروزه معنویت‌های جدیدتری هم آمده‌اند. معنویت منهای عدالت که بود حالا معنویت منهای خدا هم آمده است، یعنی شما می‌توانید به معنویت اعتقاد داشته باشید بدون آنکه به خدا اعتقاد داشته باشید(!)

سینمای ایران بعد از انقلاب



اگر بخواهیم تاریخی‌تر نگاه کنیم بعد از انقلاب اوضاع سینما بسیار آشفته بود، سینما در لجن فرو رفته بود؛ امام فرمودند:«ما با سینما مخالف نیستیم با فحشا مخالفیم». شاید فکر کنیم که امام بدبهیاتی را بیان کرده‌اند در حالیکه اگر در آن شرایط می‌بودید، می‌فهمیدید این جمله چه جمله‌ی عجیبی بوده است، چون غیر از فحشا را مردم از سینما ندیده بودند و همه فکر می‌کنند بعد از انقلاب جلوی فیلم فارسی گرفته شد در حالیکه یک سال قبل از انقلاب فیلم فارسی در ایران به بن بست رسید و نابود شد. تا جائیکه سینمایی که سالی صد تا فیلم می‌ساخت به جایی رسید که سه یا چهار فیلم در سال می‌ساخت، به خاطر اینکه آنها در سینمای کاباره‌ای به خاطر وجود فیلم‌های آمریکایی و هندی افراط کردند و تنها مزیت نسبی اش هم آن بود که اگر فیلم‌های آمریکایی و هندی فحشا را نشان می‌دهد، ما بهتر از آن را نشان می‌دهیم و این شد که در آخر کم آوردند و شکست خوردند.

اتفاقاتی که در جریان انقلاب افتاد این بود که مردم فقط دو جا را تخریب می‌کردند یکی بانکها که نماد اقتصاد غربی و یکی هم سینماها که نماد فرهنگ غربی بود، ولی امام نگاه دیگری داشتند که «ما با سینما مخالف نیستیم با فحشا مخالفیم» و بعد از این جمله‌ی امام معلوم شد که سینما می‌تواند اسلامی و بدون فحشا باشد.

سیاستمداران و سینماگران برای اینکه به تعریف واحدی برسند چند سال طول کشید و یک سری فراز و فرودهایی تا سال ۶۰ و ۶۱ رخ داد تا زمانی که آقای خاتمی وزیر ارشاد شد و مدت ۱۱ سال وزیر ارشاد بود و وزارتش یکی از طولانی‌ترین مدیریت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی است؛ اینها گفتند که ما می‌خواهیم سینمای انقلاب اسلامی را بسازیم و از طرفی نم‌خواهیم سینمای کاباره‌ای یا فحشا یا… راه بیندازیم و سینمای هالیوودی را هم که نمی‌توانیم بیاوریم، پس ما باید سینما را پالایش کنیم تا به یک سینمای منزه از سکس، خشونت، جلوه‌های فرهنگ غربی مثل قهرمان پرستی برسیم، و این شد که حتی اجازه نمی‌دادند بالای سر در سینماها عکس یک هنرپیشه را بزرگتر از بقیه بزنند! چون می‌گفتند که این ستاره‌سازی و مثل سینمای هالیوودی است و الگوی آنان سینمایی در جهان شد به نام سینمای معنوی(معناگرا) یا روشنفکری که عمدتاً در اروپا و در اروپای شرقی بود، و این مدل را به عنوان الگو در جشنواره‌ی فجر و در سینما اکران کردند تا سینمای ایران را با این الگوها منفعل کنند. خیلی هم مقتدرانه این را اعمال کردند؛ یعنی هرکس با این سیاست مخالف بود با آن برخورد می‌کردند؛ مثلاً یک نفر فیلم خوب بازی می‌کرد و چهره می‌شد و بعد از آن ممنوع‌الکار می‌شد! به این عنوان که شما حق ندارید کار کنید چون ما نمی‌خواهیم سوپر استار در ایران شکل بگیرد مثل هالیوود و اینها در وزارت ارشاد آقای خاتمی رخ داد.

یک سری افراد را در ایران پیدا کردند مثل کیارستمی، سعید ابراهیم‌فر، شهریار یاری‌پور و می‌گفتند سینما نباید فحشا داشته باشد، نباید هالیوودی باشد و سینمای روشنفکری را جایگزین کردند.

تا سال ۶۸ تقریباً چیزی نبود تا اینکه در این زمان شخصی مذهبی با روحیات معنوی پیدا شد که در مقابل این سینما قد علم کرد و او کسی نبود جز «جناب سید مرتضی آوینی»؛ مقالات آوینی علیه خاتمی و قیم سینمایی اش مکرراً در سوره چاپ می‌شد و آنها هم در جشنواره‌ی فجر شمشیر را از رو بستند



گفتاری از علیرضا پناهیان درباره اهمیت رسانه

کار دین بر زمین مانده‌است، بروید رسانه‌شوید

از جهات مختلفی می توان به ابزارهای تبلیغ و رسانه نگاه کرد و این مقوله را مورد بررسی قرار داد. اساسا یک امام نباید به این راحتی جانش را فدا کند. همه باید فدای امام شوند. پس چرا اباعبدالله الحسین(ع) این ضرورت را احساس کردند که جانشان را فدا کنند؟ امام حسین(ع) دیدند اسلام در خطر است به گونه ای که جز با شهادت ایشان اسلام نجات پیدا نمی کند.

حال من از شما می پرسم که اسلام در خطر است یعنی چه؟ اینکه امام حسین(ع) اسلام را نجات داد معنایش چیست؟ آیا معنای این کار اعتراض به این بود که عدالت اجرا نمی شد؟ عدالت که در زمانهای دیگر ائمه هم اجرا نمی شد! اسلام در خطر است یعنی ظالمان حاکم‌اند؟ خوب ظالمان همیشه حاکم بودند. اسلام در خطر است یعنی مسلمانان در خطرند؟ اسلام در خطر است یعنی به اسلام عمل نمی شود؟ اسلام در خطر است یعنی ظاهرش را گرفتند و باطنش را رها کرده اند؟ همه این موقعیت ها در زمان دیگر ائمه هم بود. اسلام چگونه در معرض خطر قرار گرفت که امام قیام شهادت طلبانه کردند و در این راه به شهادت رسیدند. چه چیز اسلام در خطر بود؟

اسلام در خطر است یعنی امکان انتقال اسلام به نسل های بعدی منتفی شده است. این یعنی اسلام در حال نابود شدن است. ما مسئول اسلام هستیم. اسلام باید انتقال پیدا کند. پس سیدالشهدا برای انتقال اسلام به شهادت رسید. این کلمه اسلام را می توان به دو کلمه بقای اسلام ترجمه کرد، بقای اسلام را می توان به امکان ابلاغ اسلام به نسلهای بعد ترجمه کرد. پس اسلامی که امام حسین(ع) بخاطر آن شهید شد ابلاغ اسلام است نه عمل به اسلام. از مقوله معرفت دینی هم حتی نیست. از مقوله تبلیغ معارف دین است.

تبلیغ دین بوسیله رسانه چقدر اهمیت دارد؟ جان امام به اندازه این مقوله اهمیت دارد. یعنی اگر امام ببیند که امکان تبلیغ دین در حال منتفی شدن است جان می دهد. چون می گوید این آخرین سنگر است. کسی که به تبلیغ دین اقدام کند کاری حسینی کرده است اگر چه شهید نشود. قیام با عظمت امام حسین(ع) را من در یک کلمه خلاصه کنم می شود رسانه. تمام مختصات قیام با مختصات رسانه ای هماهنگی دارد. از حضرت می پرسند چرا فرزندان را با خود می بری؟ حضرت می فرمایند خدا می خواهد آنها را اسیر ببیند. اسیر شدن فرزندان اباعبدالله هیچ اثری ندارد جز اثر تبلیغی. زینب کبری بعد از حادثه کربلا اسیر می شود، فلسفه اش فقط تبلیغ است. شهادت، رسانه است و مقوله ای رسانه است.

ارزش کار رسانه در حد و اندازه ارزش شهادت است. شهادتی که همراه با رسانه باشد. خون رسانا است. قوی ترین رسانا هم هست. در قرآن آمده است: «والذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضل اعمالهم» خداوند اثر اعمال شهیدان را تباہ نمی کند. آنها اثر گذارند.

رسانه و شهادت پدیده های اثر گذارند. آیا هرکسی لیاقت دارد شهید شود؟ هرکسی هم لیاقت ندارد کار رسانه ای کند. الان فکر می کنند که کار رسانه ای یک شغل است، یک ذوق است، کار فوق برنامه برای فعالیت های فرهنگی است. «کنتم خیر امهٌ اُخرجت للناس» بهترین مردم باید برخیزند تا امر به معروف و نهی از منکر را سامان دهند. خدا را امتحان کنید. ببینید خدا اجازه می دهد بخشی از زندگی شما برای رسانه ای شدن در حوزه دین وقف شود؟ آن وقت می فرماید کسی که یک بیت شعر در رثای اباعبدالله الحسین بگوید «وَجِبَ لَهُ الْجَنَّةُ»

امیرالمومنین می فرمایند نصیحت کردن وظیفه مومن نه بلکه غریزه مومن است. به صورت غریزی در باب نصیحت وارد می شود ولی بعضی از مومنین هستند که متاسفانه غریزه رسانه ای شان بیدار نشده است. می فرماید یک قطره اشک اگر ریخته شود بهشت بر تو واجب می گردد. چون اشک قدرت رسانه ای بالایی دارد. من امام حسین را قبول دارم قدرت رسانه ای بالایی ندارد. مگر می شود مومنی خاصیت رسانه ای نداشته باشد؟ محبت برای اولیای خدا واجب نیست ولی محبت برای خدا واجب است. محبت به اضافه رسانه می شود مودت. محبت آن چیزی است که در دل است ولی مودت آن است که ابراز می شود. مودت برای اهل بیت واجب است.

هارون به امام کاظم علیه السلام گفت: چرا وقتی شیعیان شما دور هم جمع می شوند سریع ارادت و هویت خودشان نسبت به شما را لو می دهند؟ حضرت فرمودند: بخاطر محبت شدیدی است که نمی توانند در سینه نگه دارند. شنیده اید حکایت مرجعی را که صحنه قیامت را در عالم رویا به او نشان دادند. ایشان تعریف می کرد که قیامت شده بود و مردم در صف های طولانی ایستاده بودند. من هم در صف مراجع بودم. وقتی به صف مداحان نگاه کردم حساب و کتاب آنها به سرعت انجام می شد ولی صف علما به کندی پیش می رفت و حساب و کتاب ها دقیق بود. نقل می کنند که از فردا این مرجع عالی قدر اول کلاسهای خود روضه می خواند. وقتی به ایشان اعتراض کردند که این کار شما کسر شان است فرموده بود به من چیزی دیدم که شما ندیده اید. نگفته اگر یک کلمه به کسی یاد دهی «وَجِبَ لَهُ الْجَنَّةُ». تا هنوز ازدواج نکرده اید نذر و نیاز کنید، توسل کنید و از خدا بخواهید که همسری به شما بدهد که او برای شما بچه هایی تربیت کند که رسانه اهل بیت باشند.

به امیرالمومنین عرضه داشتند جوانی است که مدام از شما حرف می زند و سرباز برای شما جمع می کند. امام برای آن جوان دعا کردند و فرمودند خدایا شهادت را نصیب او کن. نقل می کنند که در جنگ بعدی در رکاب حضرت به شهادت رسید.

رسانه ای شدن فقط مختص علما نیست. همه باید به حقانیت دین اقرار کنند. از هر هزار نفر ما یک مبلغ حجاب داریم؟ مبلغ نماز داریم؟ نه از هزار نفر، هزار نفر به امر تبلیغ بپردازند. یک نفر هم کافی است. همه که توفیق رسانه شدن را ندارند.

آیا دین برای اینکه به اوج برسد به رسانه احتیاج دارد؟ برای نجات دین که یک نگاه حداقلی است به رسانه نیاز است. و باید گفت برای به قله رسیدن هم به رسانه نیاز داریم تا « لیظهره علی الدین کله». امام زمان علیه السلام می خواهد حکومت کند و انسانها برای بد شدنشان آزادند ولی اکثرا خوب می شوند ولی آدمهای بد نمی توانند حکومت امام زمان را ساقط کنند.

قدرت رسانه ای حضرت آنقدر بالاست و در این رسانه آنقدر استدلال های زیبا و قوی وجود دارد که بی دین ها قدرت عرض اندام نخواهند داشت.

اگر جبهه کفر استدلال جبهه حق را بشنوند یعنی حرق حق خوب زده شود، جبهه کفر ساکت می شود. اگر فیلم خوب تولید شود، فیلم بد نمی تواند نشر پیدا کند. حکومت امام زمان مبلغ دارد، تاکی باید حرف بیهوده شنید؟ تا وقتی که مومنین ضعیف اند و حرف خوب را نمی زنند یا بلد نیستند بزنند. با تبلیغ دین، بطلان راه های ضلالت را می شود ثابت کرد. الان بطلان راه های ضد دینی ثابت شده است فقط کافی است فقط کافی است شما آن را بگویی. شما امروز در دانشگاه های خودتان مشکل حجاب دارید؛ مگر ندیدید که این بی حیایی ها در غرب چه بر سرشان آورده است. شما آمار هم نمی توانید نشان دهید؟ الان کسی جرات ندارد از بی بند و باری دفاع کند آنوقت ما هنوز در دانشگاه مشکل حجاب داریم ، مثلا ببینید در فرانسه که یک متر روسری باعث فروپاشی اش شده است. می فرمائید «جاء الحق ، ذهب الباطل» ؛ نه بفرمایید «جاء الحق ، ذهب الباطل» خاصیت حق این است که حق وقتی آمد باطل نابود شده نه اینکه باطل می رود. در ادامه هم می فرمایید «ان الباطل کان ذهوqاً» اصولا باطل نابود شدنی است پس جنگ بین حق و باطل زمانی است که حق ضعیف باشد.

مهمترینی نیاز اسلامی ما و جهانی رسانه است، ارزش دارد همه کارهایتان را رها کنید بروید به اصحاب رسانه ببیوندید، عهدی نیست که ولایت فقیه را به زبان رسانه به جهان معرفی کند. کل وزارت ارشاد و صدا وسیما را بگردید چند نفر مثل آوینی پیدا می‌شود فقط به لحاظ نریشن.

می دانید چرا نگفتند بروید در غار اعتکاف کنید و گفته اند بروید مسجد برای اینکه بروید در بطن جامعه و زندگی؛ کار دین بر زمین مانده است، زنیب رسانه عاشورا بود، زینبی شدن یعنی رسانه ای شدن، هیچ کس نیست یک مشث انقلابی رسانه ای بسازد و نداند برای ساخت مستند و فیلم برای انقلاب و امام

باید حداقل یکماه صحیف امام را خواند.

نه مثل کسانی که چیزی تشخیص نمی دهند و فیلم برای امام می سازند زیبایی های دین روی زمین مانده است باید رسانه باشد که این زیبایی و شکوه را به تصویر بکشد و به جهانیان نشان دهد باور کنید تقاضا بی نهایت بالاست و عرضه بی نهایت پایین.

تک تک ما و شما مسئولیم؛ در کره مریخ کارگردانی بوده که به بازیگرش آموزش می داده که هنگام ایفای نقش دست راست را تکان نده چرا که داشته نقش شیطان را بازی می کرده و …

بهترین فیلم در حوزه دفاع مقدس هم تا آنجا که دیده ایم فیلمی است که نسل جوان از دفاع مقدس حالش بهم می خورد بعد کارگردان پیش آقا می گوید ما دیگر چه باید بسازیم! کسی نیست بگوید شماهنوز کاری نکرده اید… شما اهل چه رشته ای هستید اینجا معتکف شده اید در حالی که گروهی سینما گر چند روز پیش در یک جشن موقع اکران فیلم کوتاهی از غزه به نشانه اعتراض سالن را ترک کردند فاصله این حادثه با مکان اعتکاف شما به یک کیلومتر هم نمی رسد خلاصه اینکه عرضه رسانه ای خودتان را بالا ببرید که اباعبدالله جنس قیامش رسانه ای بود که به آینده رسید هرچه به آینده می رسد یعنی رسانه ای است و قیام کربلا رسانه ای بود. خدایا ما را رسانه ای کن یا اگر رسانه ای نمی شویم رسانه هایمان را زینبی کن. خدایا نسل ما را رسانه ای قرار بده.

البته ما باید جای خالی خودمان را پر کنیم. ما کمی هنر خرج کنیم برای ابلاغ دین از آن همه هنری که آنها خرج می کنند برای ابلاغ پیامهای خوب و نیمه خوب موفق تر خواهیم بود. در این تردیدی نیست که ما هم باید در این عرصه وارد می شدیم مخاطبان خاص خود را گزینش کنیم ولی رفقا دقت کنیم پیامهای خوب شما با پیامهای نیمه خوب دیگران ابلاغ دارند می کنند یک تفاوت کلیدی و ما هوی دارد. این را دقت کنید. همینجا محض خبر بگیریم تقریبا ۹۰٪ عناصر مذهبی موجود در عرصه ای که ما الان درباره اش داریم صحبت می کنیم از همین نکته ای که ما می خواهیم عرض کنیم غافلند و ۹۰٪ فعالین این عرصه از آن غافلند.

و آن این است که خیلی تفاوت است بین حرف خوبی که دیگران نقل می کنند و حرف خوبی که ما بخواهیم ابلاغ کنیم. حرفهای خوبی که آنها می خواهند تبلیغ کنند حرف های خوبی است که زهرش را گرفته اند. ابلیس با آن حرف ها مخالفتی ندارد اگر حرفهای اخلاقی است اخلاق لائیک و سکولار است. اگر حرفهای دینی و معنوی است، معنویت بدون ولایت است. معنویت غیر ولایت را ابلیس هم داشت. اگر عبادت است عبادت بی ولایت مطلق است.

پروردگار عالم به ابلیس فرمود «انی احب ان اطاع من حیث ارید لا حیث ترید» من دوست دارم آن طوری عبادت شوم که من می خواهم نه آنطوری که مورد دلخواه تو است. برگشت به خدا گفت خدایا من ۲۵۰۰ سال برای تو نماز خواندم آن عبادتی که هیچ کس نکرده است. با سجده کردن و مناجات در حضور خدا مشکلی نداشت. با اطاعت مطلقه خداوند مشکل داشت. الان این همه حرفهای خوبی که در بازار جهان عرضه می شود و خیلی ها با آن مخالفت نمی کنند و شما می گویدد که به به چه بازار پر رونقی. این همه بازار را پر کردند. چرا ما جایگاه خودمان را در این بین پیدا نکنیم. آنها حرف های نیمه خوب می زنند و ما داریم به زمانی می رسم که این حرفهای نیمه خوب مهمترین دشمن حرفهای خوب ما خواهد شد. دوره ی این گذشته که کسی بگوید خدا نیست.

کسی بگوید این خرافه است.

کسی بگوید معنویت مخدر جامعه است. دوره معنویت های تقلبی است. پیام های خوب فیلم سینمایی ها پیام های ضدیت با دین است. چون می گویی این سریال ایشان یا اوشین دارد پیام می رساند خوب اگر قرار است با یک فیلم پیام خوب رسانده شود. یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر این وسط چه کاره اند؟ امام حسین کشته شده چون ایشان نبودند تا اوشین را بسازند.

و الا ما خودمان می فهمیم این صحبتها را و نیاز نیست کشت و کشتار شود برایش ،پیغمبر لازم نیست ، وحی لازم نیست ، اینکه خداوند متعال قرص

و محکم می ایستد و می فرماید خیلی ها نمی توانند این دین را بپذیرند بخاطر این است که با بسیاری از چیزهایی که در جهان رواج دارد فرق می کند.عبودیت به معنای خاصی را دین ما تبلیغ می کنند ولایت مطلقه درون آن است.

بله روانشناسان می گویند برای آرامش خودت بنشین و دعا کن و حتی دیگران هم دعا کنند تاثیر گذار است فرق است بین حرفهای خوبی که دیگران می زنند و آن حرف خوبی که تو می خوای منتشر کنی. حرف تو را هر کسی نخواهد پذیرفت مگر طوری صحبت کنی که کسی ابتدا به خودش بخورد و نه سیخ بسوزد و نه کباب.

حرف ما از یک جنس دیگر است و با پیامای خوب دیگر هم متفاوت است .چرا گفتم بسیاری بسیار از افرادی که در این عرصه خوب فعالیت می کنند اما متوجه نیستند چون در محصولات رسانه ای فرهنگی و هنری وقتی دقت می کند و می بیند وقتی دارد حرف می زند و می بینند حرفهای خوب می زنند حرفهای خوب از جنس حرفهایی است که دیگران هم می زنند.

چرا پیام شما را تحویل نمی گیرند؟ چون پیام شما پیام خاصی است. ویژگی های پیام شما چیست؟ ما باید بدانیم چه اسلامی را قرار است تبلیغ کنیم. و این نیازمند صفای باطن است که به راحتی نمی توان آن را تشخیص داد. اگر کسی مهربان بود و لیخند زد و چهار عمل درست انجام داد آیا آن صفای باطن را دارد؟ انسان موجود پیچیده ای است سطحی نگر نباید بود. وقتی پیام را گرفت و در این راه ماند و تا اخر ثابت قدم ماند می فهمیم ادم درستی است باید آخر او را هم ببینیم قسمت پایانی کلام من این است که اگر بنا است پیام ما را همه درک نکنند پس چه فایده ای دارد که ما حضور پیدا کنیم در عرصه رسانه؟ امام صادق (ع) می فرمایند: کفوا عن الناس مردم را رها کنید چرا آنها را به حقیقت ناب ولایت دعوت می کنید نگوید فرد را می خواهم دعوت کنم حیف است منحرف شود اگر شخص لایق باشد در هوا مطلب را می گیرد کسی لایق نباشد به هر برهانی برای او توضیح بدهی پس می زند. آن مکارم اخلاق آن دین ناب حقیقتش ولایت است در روایت می فرماید ولایت مانند کبوتر جلدی است که جلد یک لانه است اگر یک کبوتر جلد یک لانه نباشد پر می زند می رود رابطه قلب لایق با ولایت مثل کبوتر جلد است و شما در این عرصه دارید این کار را انجام می دهید. یک جوان ایرانی در ۱۴۰۰ سال پیش به نام حذیفه در منطقه ای از عراق استاندار بود وقتی امیرالمومنین حاکم شد نامه نوشتند به حذیفه که از جانب من از مردم بیعت بگیر. حذیفه رفت بالای منبر گفت: «مردم حق به حق دار رسید و توصیفاتى را از حضرت بیان کرد.» جوانی

در همین حین پرسید حق به حق دار رسید یعنی چه؟ حذیفه قضیه غدیر را گفت و بعد این جوان به آن بسنده نکرد و از حذیفه خواست بگوید حضرت الان کجا هستند؟ حذیفه گفت الان حضرت در راه بصره هستند و جنگ جمل می خواهد شروع شود. ببینید دل لایق با یک جمله که حق به حق دار رسید چه نمی کند؟ این جوان ایرانی خودش را به امیرالمومنین رساند و بعد هم در رکاب حضرت شهید شد. ما در اینجا جمع شدیم که بپرسم آیا می توان آن طرف را بزнім. اگر کسی گفت بریم تبلیغ بگوییم کدام دین؟ فردی پیش امام صادق آمد گفت من از محبین شما هستم امام فرمودند از کدام محبین؟ پرسید مگر شما چند نوع مرید دارید؟ بگذارید وقتی کلیپ می سازید وقتی وبلاگ می زنید امام زمان بگویند: آفرین! این همانی بود که من می خواستم و الان مهم ترین دشمن دین چیست؟ اخلاق! حال در این فضا دلهای آگاهی که آماده دریافت دین ناب هستند زیاندد و ما در بیدار کردن اینها مسئولیم به عنوان مثال دو دختر استرالیایی مسلمان شدند. یکی از بچه حزب اللهی ها می رود استرالیا و با این دو مصاحبه می کند از این دوتا می پرسد شما بخاطر حجاب مسلمان شدید می گویند نه! به خاطر چه بود؟ می گویند: ما دیدیم در دین مسلمانان کاری که به آنها گفته می شود انجام دهید می گویند حرام است. می پرسیم چرا این را انجام می دهید؟ می گویند واجب است. احساس کردیم مسلمانان دینی دارند که دستور زیاد دارد و دین ما دستور زیاد ندارد. از این دین خوشمان آمد. میل به عبودیت این دو بیدار شده است. این خیلی فرق دارد با اینکه میل

به مناجات با پروردگار بیدار شده است. این میل در بسیاری از بچه مذهبی ها فقط در کنار کعبه بیدار می شود. اکثرا مذهبی های ما وقتی می خواهند دین را تبلیغ کنند دین را تقلیل می دهند که این کاری است که طالبانیزم می کند. اولین کار شما بیدار کردن این فطرت های آماده است مانند پیامبر که تلنگر زننده بود « انما انت مذکر» در دانشگاه اگر صد نفر تاثیر نگرفتند یک نفر تاثیر گرفت مایوس نشوید. اگر فردا کاری کردی که همه تعریف کردند بدان که کارت ایراد دارد. کار اسلام اینگونه است که همه بنا نیست درست بشوند.

همه قرار نیست آدم بشوند ولی یک روزی می رسد آن افرادی که قلبشان نورانی است پیام ما را می گیرند و بعد صدای ما بالاترین صدا می شود و دیگر صداها مسکوت می ماند.»لیظهره علی الدین کله» من خبر دارم که در جلسه ای یکی از افراد ضد انقلاب گفته بود مستقیم ولایت را بزнім. آن یکی گفته بود اصلا نمی شود طرف این آقا رفت. طرفداران خیلی خوبی دارد بعد هر چه می خواهید جایگزین او کنید و ما قصدمان این است که اینها را بیدار کنیم را دهانشان را ببندیم. شرط اول برای اصلاح اخلاق سیاسی این است که قلهی سیاسی جامعه این مطالبه را داشته باشد، که الحمدلله این شرط در امام و مقام معظم رهبری همواره بوده و هست. می‌توان گفت تقریبا در هیچ کدام از کشورهای دیگر، این ویژگی وجود ندارد. در کشور ما به دلیل وجود این ویژگی از ابتدای انقلاب تاکنون، اخلاق سیاسی در جامعه‌ی ما همواره رشد داشته است. برای درک این رشد، جوانان می‌توانند به روزنامه‌های سال‌های گذشته از اول انقلاب نگاه کنند و تفاوت‌ها را دریابند. البته رسانه‌ها باید مطالبات امام و مقام معظم رهبری را در جامعه منتشر کنند و سطح توقع و نگاه مردم را بالا ببرند. مثلا امام در جایی قریب به این مضمون فرمودند: «اینطور نیست که دل‌های مردم دست ما باشد. دل‌های مردم دست خداست و خداوند دل‌ها را به هر سمتی که بخواهد متمایل می‌کند.» چه اشکالی دارد که این فرمایش امام در نزدیکی‌های انتخابات‌ها از رسانه پخش شود. محبوبیت و رأی دست خداست. خداوند گاهی برای امتحان کردن، کسی را محبوب می‌کند، و گاهی به دلیل خوب بودن کسی او را محبوب می‌کند. نگاه مردم را باید رشد داد.

عصر موثر دیگر در اصلاح بداخلاقی‌های سیاسی رسانه‌ها هستند؛ اعم از روزنامه‌ها، مجلات و سایت‌ها. رسانه‌ها، هم می‌توانند آتش بیار معرکه باشند، هم می‌توانند آبی بر روی آتش باشند. رسانه‌ها قرار است بین سیاسیون داوری کنند. و داور باید متین‌ترین فرد داخل میدان باشد. داور نباید از یک گروه طرفداری مطلق کند. رسانه باید آبروی خودش را در این ببیند که محسنات و عیوب همه را ببیند. غیرت رسانه‌ای یک رسانه نباید به او اجازه دهد که در مورد عیوب رقیبای خود مبالغه کند و از خوبی‌هایشان سخن نگوید و در مورد کسانی که طرفدار آنها است، از عیوبشان چشم‌پوشی کند و خوبی‌هایشان را چند برابر نشان دهد. متأسفانه این عیب بزرگی است که همراه با بسته‌ی سیاسی از غرب آمده و امروز به صورت یک عرف پذیرفته شده است، و اساسا کسی این را عیب نمی‌داند. همه طبیعی می‌دانند که سایت و روزنامه‌ی طرفداران یک جریان، جریان مقابل را تحقیر کنند، در مورد عیب‌های او مبالغه کنند، از خوبی‌های او سخنی نگویند، و… این اخلاق زشت از غرب به ما سرایت کرده است، اما اسلام می‌گوید حق را حتی اگر در ارتباط با دشمنت باشد، بپذیر. چه رسد به رقیبت.

برای اصلاح این بداخلاقی نهادهینه شده در رسانه‌ها، رسانه‌ی ملی باید روشن‌گری کند. با روزنامه‌های سیاسی گفتگو کند و از آنها در مورد علت مبالغه کردن در عیب رقیبا و نادیده گرفتن عیب طرفداران سیاسی خود سوال کند. برخی از سیاسیونی که زمانی خیلی از آزادی سخن می‌گفتند، عملا یک دیکتاتوری شدید رسانه‌ای پدید آورده بودند. به گونه‌ای بسیاری از افراد جرأت نمی‌کردند سخن بگویند، چون این دیکتاتوری رسانه‌ای فضایی به شدت راستی و چپی ایجاد کرده بود که هر کسی سخنی می‌گفت بلافاصله به یکی از این جریان‌ها منتسب می‌شد. در حالی‌که اساساً نمی‌توان و نباید به این سهولت افراد را جریان‌بندی کرد. این جریان‌بندی عملاً آزادی اظهار نظر را از افراد می‌گیرد و فضای واقع‌بینی را به یک فضای سیاه‌نمایی یا سفیدنمایی مطلق تبدیل می‌کند.

گفتاری از سید شهیدان اهل قلم درباره رسانه



انفجار اطلاعات!

انفجار اطلاعات! نمی دانم چرا من از این تعبیر آنچه‌ان که باید نمی ترسم و حتی چه بسا مثل کسی که دیگر صبرش تمام شده است از فکر اینکه جهان به سرنوشت محتوم این عصر نزدیک تر می شود خوشحال می شوم. نیچه خطاب به فیلسوفان می گوید: «خانه هایتان را در دامنه های کوه آتشفشان بنا کنید» و من همه کسانی را که در جست و جوی حقیقتند مخاطب این سخن می یابم. «گریختن» مطلوب طبع کسانی است که فقط به عافیت می اندیشند و اگر نه، مرگ یک بار، زاری هم یک بار.

دهکده جهانی واقعیت پیدا خواهد کرد، چه بخواهیم و چه نخواهیم. این حقیقت تنها ما را که شهروندان مطیعی برای این دهکده بزرگ نیستیم مضطرب نمی دارد و بلکه غرب را هم چه بسا بیش تر از ما به اضطراب می اندازد. ما شهروندان مطیعی برای دهکده جهانی نیستیم؛ این سخن نیاز به کمی توضیح دارد.

شهروندِ مطیع کسی است که وجود فردی اش مستحیل در جامعه‌ای است که پیرامون او وجود دارد. اعتراضی ندارد. استدلال های رسمی را می پذیرد و در صدق گفتار سیاستمداران تردید روا نمی دارد. تا آنجا تسلیم قوانین محلی است که عدالت را نه قبله قانون، که تابع آن می بیند.

به آنچه فرا می خوانندش روی می آورد و از آنچه باز می دارندش پرهیز می کند. دروازه های گوش و چشم و عقلش برای پیام های پروپاگاندا باز است و مثلاً در ایران خودمان وقتی می شنود که «بانک فلان، بانک شماست»، باور می کند و پولش را در بانکی انبار می کند که جایزه بیش تری می دهد… و از این قبیل. و خوب! دهکده جهانی هم برای آنکه سر پا بماند به شهروندان مطیعی نیاز دارد که سرشان در آخور خودشان باشد.

در آغاز دهه هشتاد میلادی واقعه بسیار شگفت آوری در کره زمین روی داد که غرب را از خواب غفلتی که به آن گرفتار آمده بود خارج کرد. در نقطه ای از کره زمین که یکی از غلامان خانه زاد کاخ سفید حکومت می کرد، ناگهان میلیون ها نفر از مردم از خانه ها بیرون ریختند و فارغ از ملاحظات و معادلات غریزی مربوط به حفظ حیات، سینه در برابر گلوله ها سپر کردند و ارتشی هم که ده ها میلیارد دلار خرج آن شده بود به انفعالی گرفتار آمد که چاقو در برابر دسته خویش دارد: چاقو دسته اش را نمی برد. مردم چه می خواستند؟ عجیب اینجاست. مردم چیزی می خواستند که هرگز با عقل حاکم بر دنیای جدید جور در نمی آمد: حکومت اسلامی.

نمونه ای هم که برای این حکومت سراغ داشتند به سیزده قرن پیش باز می گشت. مردم ایران این «پیام» را از کدام رادیو و تلویزیون، فیلم و یا تئاتری گرفته بودند؟ این پرسشی بود که غرب نمی توانست به آن جواب گوید. مهم نیست که غرب این نوع حرکت های اجتماعی را چه می نامد: بنیادگرایی، ارتجاع و یا هر چیز دیگر… مهم این است که این واقعه نشان داد «حصارهای اطلاعاتی قابل اعتماد نیستند».

ببینید! واقعه شگفت آوری که رخ داده بود این بود که غرب ناگهان خود را نه با کشور «جشن هنر شیراز» و «آربی آوانسیان» و «اسرار گنج دره جنی» و «دایی جان ناپلئون» و «جشن های دوهزار و پانصد ساله» و «فریدون فرخزاد»… که با کشور سید مجتبی نواب صفوی و حاج مهدی عراقی روبرو یافت، و انقلاب اسلامی در داخل مرزهای «سپهر اطلاعاتی» غرب روی داد، در یک جزیره ثبات، و پیروز هم شد.

مهم اینجاست که واقعه ای نظیر این باز هم در هر نقطه دیگری از جهان می تواند روی دهد. من شهر « دوشنبه» را پیش از آنکه به تسخیر رحمان نبی اف و ارتش سرخ در آید دیده بودم. در آنجا با روشنفکرانی آشنا شدم که تو گویی از زمان سامانیان آمده بودند و در نماز جمعه در صف نمازگزارانی ایستادم که خارج از آتمسفر رسانه های گروهی و در عصر ابوحنیفه می زیستند و هم اکنون مگر در شرق اروپا و در میان مسلمانان حوزه بالکان چه می گذرد؟ تصویری که ما در مجله «سوره» چاپ کردیم بسیار گویاست: جوانی با گیسوان بلند و عینک رمبویی پیشانی بندی بسته است که روی آن نوشته: «الله اکبر، جهاد». و این



واقعه در میان مرزهای کنترل شده سپهر اطلاعاتی غرب روی داده است؛ و مگر جایی در کره زمین هست که بیرون از این مرزها باشد؟ دهکده جهانی واقعیت پیدا کرده است، چه بخوایم و چه نخواستیم، و ماهواره ها مرزهای جغرافیایی را انکار کرده اند. این همان دهکده ای است که گرگوار سامسا در آن چشم باز کرده است. این همان دهکده ای است که مردمانش صورت مسخ شده «کرگدن» های اوژن یونسکو را پذیرفته اند. همان دهکده ای که مردمانش «در انتظار گودو» هستند.

این همان دهکده ای است که در آن مردمان را به یک صورت واحد قالب می زنند و هیچ کس نمی تواند از قبول مقتضیات تمدن تکنولوژیک سر باز زند. این همان دهکده ای است که بر سر ساکنانش آتنن هایی روییده است که یکصد و پنجاه کانال ماهواره ها را مستقیماً دریافت می کنند. این همان دهکده ای است که در آن روبات ها عاشق یکدیگر می شوند. این همان دهکده ای است که در آن «ترمیناتور دو» به سی سال قبل باز می گردد و خودش را از بین می برد. این همان دهکده ای است که در آن «بت من» و «ژوکر» با هم مبارزه می کنند. این همان دهکده ای است که در تلویزیون هایش دختران شش ساله را آموزش جنسی می دهند، همان دهکده ای که در آن گوسفندهایی با سر انسان و انسان هایی با سر خوک به دنیا می آیند.

این همان دهکده ای است که در آن تابلوی «مسیح از ورای ادرار» ماه ها توجهات همه رسانه های گروهی را به خود جلب می کند. این همان دهکده ای است که در آن دویست و چهل و شش نوع تجاوز جنسی رواج دارد... اما عجیب اینجاست که باز هم این همان دهکده ای است که در زیر آسمانش بسیجیان در رمل های فکه زیسته اند، همان دهکده جهانی که در نیمه شب هایش ماه، هم بر کازینوهای «لاس وگاس» تاییده است و هم بر حسینیه «دوکوهه» و گورهایی که در آن بسیجیان از خوف خدا و عشق او می گریسته اند. دنیای عجیبی است، نه؟

بیش از یک قرن است که علی الظاهر هیچ تمدنی جز تمدن غرب در سراسر سیاره زمین وجود ندارد. همه جا در تسخیر این صورت از حیات بشری است که تمدن غرب با خود به ارمغان آورده است. هیچ یک از امم عالم نتوانسته اند نه در زبان، نه در فرهنگ، نه در معماری، نه در حیات اجتماعی و نه در زندگی فردی، خود را از تأثیرات تمدن غرب دور نگاه دارند. و اکنون که با وجود ماهواره ها، مرزهای جغرافیایی نیز انکار شده است آینه جادو در یکایک خانه های این دهکده به هم پیوسته جهانی نفوذ کرده است، عقل سطحی چنین حکم می کند که دیگر هیچ چیز نمی تواند حکومت جهانی مفیستوفلس را حتی به لرزه بیندازد، چه رسد به آنکه آن را به انقراض بکشاند. اما چنین نیست.

میلان کوندرا در کتاب «هنر زمان» از تناقض هایی خاص این آخرین دوران تمدن غرب نام می برد که آنها را «تناقض های پایانه ای» می خواند. مثالی که او می آورد می تواند پرده ابهام از این تعبیر به یک سو زند:

در طی عصر جدید، عقل دکارتی همه ارزشهای به ارث رسیده از قرون وسطی را، یکی پس از دیگری تحلیل می برد. اما، در زمان پیروزی تام و تمام عقل، این عنصر غیر عقلی محض (قدرتی صرفاً در پی خواست هم ارزشهای به ارث رسیده از قرون وسطی را، یکی پس از دیگری تحلیل می برد. اما، در زمان پیروزی تام و تمام عقل، این عنصر غیر عقلی محض (قدرتی صرفاً در پی خواست خویشتن) است که بر صحنه جهان تسلط خواهد یافت، زیرا دیگر هیچ نظامی از ارزشهای مقبول همگان وجود ندارد که بتواند مانع

پیشروی آن شود.

اگر واقع گرا باشیم جنگ جهانی دوم را یکی از ترمینال هایی خواهیم یافت که ذات پارادوکسیکال غرب در آن ظهور یافته است. نمی دانم شما جنگ کویت را چگونه تفسیر می کنید، اما من در آن یک تناقض می یابم؛ تناقضی که شاخک های حس ششم بسیاری از متفکران غربی - و از جمله نوام چامسکی - آن را دریافت. غرب پیروزی خود را در جنگ کویت در میان یک حس اضطراب همگانی جشن گرفت و این اضطراب، از جمله در لوس آنجلس، نشتری شد که دمل چرکین یک اعتراض واقعی را ترکاند.

غرب ذاتی پارادوکسیکال دارد و این پارادوکس های پایانه ای، سرنوشت محتومی هستند که تمدن امروز به سوی آن راه می سپرده است. انفجار اطلاعات از همین ترمینال هایی است که تناقض نهفته در باطن تمدن امروز را آشکار خواهد کرد. وقتی حصارهای اطلاعاتی فرو بریزد مردم جهان خواهند دید که این دژ ظاهراً مستحکم بنیان هایی بسیار پوسیده دارد که به تلنگری فرو خواهد ریخت. قدرت غرب، قدرتی بنیان گرفته بر جهل است و آگاهی های جمعی که انقلاب زا هستند به یکباره روی می آورند؛ همچون انفجار نور. شوروی نیز تا آن گاه که فصل فروپاشی اش آغاز نشده بود خود را قدرتمند و یکپارچه نشان می داد و غرب نیز آن را همچون دشمنی بزرگ در برابر خویش می انگاشت. تنها بعد از فروپاشی بود که باطن پوسیده و از هم گسیخته شوروی آشکار شد.

اکنون در غرب، همه چیز با سال های دهه ۱۹۳۰ تفاوت یافته است. مردم با اضطرابی که از یک عدم اطمینان همگانی برمی آید به فردا می نگرند. آنها هر لحظه انتظار می کشند تا آن دژ اطلاعاتی که موجودیت سیاسی غرب بر آن بنیان گرفته است با یک انفجار مهیب فرو بریزد و آن روی پنهان تمدن آشکار شود. برای آنکه ردیف منظم آجرهایی که متکی بر یکدیگر هستند فرو ریزد، کافی است که همان آجر نخستین سرنگون شود.

تمدن ها هم پیر می شوند و می میرند و از بطن ویرانه هاشان تمدنی دیگر سر بر می آورد. در آغاز، تمدن با یک اعتماد مطلق به قدرت خویش پا می گیرد و هنگامی که این احساس جای خود را به عدم اعتماد بخشید، باید دانست که موعد سرنگونی فرارسیده است.

و اما درباره خودمان. نباید بترسیم. حصارها تا هنگامی مفید فایده ای هستند که دزدان شب رو، بر زمین می زنند، اما آن گاه که دزدان از آسمان فرود می آیند، چگونه می توان به حصارها اطمینان کرد؟ پس باید از این اندیشه که حصارهایی بتوانند ما را از شر ماهواره ها محفوظ دارند، بیرون شد و «خانه را در دامنه آتشفشان بنا کرد» باید در رو به رو شدن با واقعیت، به اندازه کافی جرئت و شجاعت داشت. غرب چنین است که در عین ضعف، بیش تر از همیشه رجز می خواند تا خود را در پناه وهم حفظ کند.

جنگ کویت چنین بود و بنابراین، تنها اسیران حصارهای توهم را به وحشت دچار کرد نه آنان که ضعف و پیری این قداره بند مفلوک را در پس اعمال و اقوالش می دیدند.

می خواهم بگویم که خود ماهواره، در عالم واقع، آن همه ترس ندارد که طنین این خبر در عالم وهم؛ «ماهواره دارد می آید» طنین این خبر تا آنجا هراسناک است که بسیاری، از هم اکنون فاتحه همه چیز را خوانده اند: هویت ملی، اخلاق، زبان فارسی... چنان که پیش از آمدن تلویزیون نیز سخنانی چنین در افواه بود.

ماهواره مظهر آن پیوستگی جهانی است که تمدن جدید انتظار می برده است. آمریکا نیز مظهر آن اراده جمعی است که همراه با بشر جدید پیدا شده و در جست و جوی قدرت و استیلا، توسعه و اطلاق یافته است «استیلا» و «ولایت» هم ریشه هستند و اگر بعضی از محققان استیلای غرب را بر عالم «ولایت طاغوت» خوانده اند، تعبیری را می جسته اند که بتواند مفاهیم جدید را در حوزه معرفت دینی معنا کند؛ و چه تعبیر درستی یافته اند.

غرب، از همان آغاز، غایتی مگر برپایی یک حکومت جهانی نداشته است و هم اکنون نیز چه آنان که از حاکمیت ماهواره ها به وحشت افتاده اند و چه آنان که مشتاقانه چنین روزی را انتظار می برند، هر دو، حاکمیت ماهواره ها را با حاکمیت جهانی غرب یکسان گرفته اند؛ و هر دو اشتباه می کنند.

رسانه های جدید



چیستی و چرایی استعمار مجازی؟

استعمار دوره های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. در دوره استعمار کهنه، فیزیک جهان از طریق اکتشافات سرزمینی، جنگ و قدرت سخت و استفاده از شگردهای استعمار سیاسی، تحت سلطه اروپا قرار گرفت. دوره استعمار کهنه از قرن ۱۵ آغاز شد و تا اواخر قرن بیستم ادامه داشت.

استعمار اگرچه از ریشه عمران به معنا آبادی گرفته شده است ولی هدف از آن تامین منافع کشورهای استعمارگر و از بین بردن استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای مستعمره بوده است. به مرور زمان مدیریت مستعمرات برای اروپاییان و در راس آنها بریتانیا سنگین شد. بالا رفتن آگاهی مردم، مهمترین عامل استعمار زدایی بود. در دوره بعد که از آن به استعمار نو تعبیر می شود، فرهنگ و اندیشه ملت ها استعمار شد و با روش های مختلف برای عقب نگه داشتن کشورها از طریق سیاست های اقتصادی و فرهنگی تلاش شد. دوره استعمار نو که بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد، همچنان به عنوان روشی برای نفوذ و اعمال قدرت ادامه دارد.

با ظهور فضای مجازی، ظرفیت جدیدی برای سلطه بر جهان به وجود آمد که از قابلیت هایی خیره کننده و اعجاب برانگیز برخوردار است که می توان از آن به استعمار مجازی تعبیر نمود.

اگرچه اولین کشورهای استعمارگر، پرتغال، انگلیس، فرانسه، اسپانیا و هلند بوده اند و آمریکا هم خود از قربانیان استعمار اروپایی است، ولی در دوره استعمار نو و در ادامه سیاست های استعماری فرهنگی در دوره استعمار مجازی، ایالت متحده آمریکا قله دار فضای سلطه و استعمار بوه است.

از آنجا که هدف استعمار در درجه اول مسخ فکری فرد و جامعه مستعمره است، در استعمار مجازی که از ساز و کارهای قدرت نرم استفاده می شود، هدف اصلی از بین بردن استقلال رای کاربران و عضویت دادن آنها در فرهنگ آمریکایی مورد استفاده ابزاری قرار گرفته است.

درک و استفاده از ظرفیت های این فضا توسط بعضی از درگاه های خاص، به ایجاد امپراتوری های مجازی که دارای سلطه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در این فضا هستند، منجر شده است.

بدیهی است اینگونه تحلیل ها، از آغاز بر اساس نظریه های ساخته شده همین نظام فکری مورد نشانه «نظریه توطئه» قرار می گیرد و نگارندگان این نوع ایده ها را به شک گرایِی، بدبینی، ایده های مالیخولیائی و یک سونگری متهم می سازند. امری که باید بدان توجه کرد، طبیعت قدرت و سلطه است. اگر سلطه گری را باور داریم، باید بپذیریم ک جهان قدرت امروز به یک ظرفیت دو فضایی دست پیدا کرده است که در فضای اول از ارتش و ابزار خشن برای توسعه قدرت استفاده می کند و در فضای دوم اعم از ذهن و فضای مجازی، با ابزار قدرت نرم به چوش جهان و تسخیر افکار و اندیشه ها می پردازد.

قدرت نرم و فضای مجازی

فضای مجازی ابزار قدرت نرم و قدرت نرم مرجع تولید فضای مجازی شده است. «پایان جنگ سرد، آغاز جنگ نرم» محسوب می شود که در آن، جنگ هم در عرصه فیزیک جهان و هم در عرصه مجاز جهان بسیار قدرتمند و ابزارمند شده است. جنگ نرم در میدانی عمل می کند که نوعی تخمیر و استعمار صورت می گیرد که این بار «کاربران بی شماری» در جهان، فاعل اصلی تولید قدرت برای «دشمنان بشریت» هستند.

در دهه های اخیر شاهد رشد روزافزون و فراگیر علم و فناوری، بالاخص در عرصه ارتباطات بوده ایم. از اختراع رادیو و تلویزیون تا به وجود آمدن شبکه های خبری ۲۴ ساعته که اخبار دورترین نقاط دنیا را در حین روی دادن به خانه های مردم می آوردند، ویژگی مشترک این ابداعات کاهش دادن فاصله ها و کوچک کردن دنیا بوده است. به خصوص با پیشرفت سریع فناوری اطلاعات، به نحوی شاهد «فئودالیسم مجازی» هستیم که در آن اجتماعات هم پوشانی وجود دارند که لایه های چندگانه هویت و وفاداری شهروندی را تشکیل می دهند. در حالیکه زمانی دانش، قدرت می آفرید، اما امروز رهبری این

«فئودالیسم مجازی»، مبتنی بر جریان اطلاعات در میان شبکه های گوناگون است که منبع قدرت را می سازد. جریان اطلاعات، مشارکت شهروندان را در عرصه مدیریت در جوامع دموکراتیک افزایش داده است و عرصه مدیریت عرصه ای مشارکتی است تا قهری.

بنابراین، به همان نسبت که افراد بیشتری در جریان اطلاعات قرار می گیرند، گستره های فرهنگی که در شرایط سنتی از یکدیگر مجزا بودند به هم پیوند می خورند؛ عرصه هایی نظیر کار و تفریح، خانه و بیرون، آموزش و سرگرمی و واقعبیت و تخیل در حلقه جریان اطلاعات جهانی قرار می گیرند.

این پیوندها نه تنها به متمرکز شدن جهان نیانجامیده است، بلکه موجب تمرکز زدایی و مرکز گریزی شده است. جوزف نای، سه مشخصه را برای اطلاعات برمی شمرد: جریان داشتن، رقابتی بودن و راهبردی بودن.

اینکه اطلاعات منتشر شده از سوی چه کسی معتبرتر شناخته شده است نیز بر جریان اطلاعات تاثیر به سزایی دارد، بنابراین هرکس اخبار و اطلاعات را سریع تر و معتبر تر منتشر کند، می تواند قدرت بیشتری از این طریق کسب و اعمال کند و دولت ها برای کسب وجهه و اعتبار و متعاقبا تضعیف مخالفان شان استفاده می کنند.

ادبیات موجود در زمینه ارتباط میان قدرت نرم و فضای مجازی، و اینکه چگونه شبکه های مختلف اینترنتی با خدمات متعدد و متنوعی که ارائه می دهند، می توانند به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت نرم عمل کنند، بسیار اندک است. شاید به این دلیل که نقش شگرفی که این شبکه ها می توانند در جوامع ایفا کنند هنوز در حال شکل گیری است و وقایع خاصی مانند ماجراهای پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران لازم است تا محققان را متوجه این پتانسیل کند و آنها را به واکاوی و بررسی عمیق تر موضوع وادارد.

شبکه های اجتماعی مجازی از دیگر ابزار های اعمال قدرت نرم هستند. در بررسی نقش توئیتر در حوادث پس از انتخابات ایران، «اثر توئیتر» هم ارز «اثر سی ان ان» در زمان جنگ خلیج فارس تلقی می شود. همچنین این فرضیه مطرح می شود که اقدام وزارت خارجه آمریکا در درخواست از مسئولان شبکه توئیتر برای به تاخیر انداختن تعمیرات، در راستای همان هدف براندازی که نومحافظه کاران مدعی آن بوده اند، انجام شد است، و اینکه خود وزارت خارجه از گفتگوهای مطرح شده در شبکه استفاده های اطلاعاتی می کرده است. در واقع توئیتر به عنوان یکی از انواع رسانه های اجتماعی، جایگزین موثری است برای شبکه های رادیویی و تلویزونی که در گذشته برای پیشبرد اهداف دولت آمریکا در کشورهای دیگر به کار گرفته می شدند، با این امتیاز که نقش پررنگ تر مردم در چنین شبکه ای مانع شکل گیری اتهاماتی چون پروپاگاندا بودن شبکه های مجازی می شود.

برنز والتام با برشماری برخی از روش هایی که کاربران توئیتر برای حمایت از اغتشاشات در ایران به کار می گرفتند، به این واقعیت اشاره می کنند که در نهایت این روش برای تغییر حکومت ایران و یا حتی تغییر نتیجه انتخابات مفید نبود، چرا که توانایی مقابله با ابزارهای حکومت ایران را نداشت. دولت آمریکا نیز حاضر به کمک نظامی یا تسلیحاتی به فعالان ایرانی نبود، زیرا تمایلی به گذر از حیطه دیپلماسی عمومی به عملیات پنهانی نداشت. در واقع این احتمال وجود دارد که دولت آمریکا که از قبل در حال تحقیق روی ابزارهای فنی جدید با کارایی بهتر برای انجام عملیات اطلاعاتی بود، با مسئله حوادث پس از انتخابات ایران و نقش توئیتر در ساماندهی معترضان به عنوان یک آزمایش برخورد می کرد.

این دو نویسنده در حقیقت با بررسی مثال عملی ایران، به ضعف «قدرت نرم»و فناوری های رسانه ای اجتماعی در مقابل قدرت سختی که با آنها مبارزه می کند، اشاره می کنند. در واقع این مثال خود بیان گر نقش مکملی قدرت نرم و قدرت سخت است و به همین علت است که از هر دو نوع قدرت به طور همزمان برای نیل به اهداف استفاده می شود.

همان گونه که قبلا اشاره شد بررسی نقش توئیتر در حوادث پس از انتخابات ایران می تواند نشان دهنده عدم کارایی استفاده صرف از قدر ت نرم باشد. در واقع قدرت نرم فضا راا برای استفاده از قدرت سخت تسهیل می کند و کارایی آن را افزایش واهمیت لزوم استفاده از آن را کاهش می دهد.

آخرین آمار از اینترنت نشان می دهد که هم اکنون بیش از ۲۰۶ میلیون وبگاه اینترنتی در حال فعالیت هستند. این عدد حاکی از حجم انبوه اطلاعات ارائه شده در فضای مجازی دارد. با وجود ظاهر آزاد فضای مجاری، این فراوانی اطلاعات به معنای برابری فرصت ارائه اطلاعات به کاربر نیست!

چرا که کاربران عملا باید از میان حجم عظیمی از وبگاه ها، تعدادی وبگاه مشخص را انتخاب نمایند. این امر منجر به اهمیت و قدرت بیش از پیش موتور های جستجوگر هم چون گوگل،یاهو و بینگ(ام.اس.ان) شده است چرا که این موتور های جستجو هستند که از میان میلیون ها وبگاه، تعدادی وبگاه با رتبه بندی مشخص را که بر اساس الگوریتم های تعریف شده که ضوابط انتخاب و رتبه بندی را تعیین می کند به شما ارائه می دهند. این کار نوعی «مسدود کردن نرم اطلاعات» یا جبر ها وتعیین در چارچوب های آزاد اطلاعات است…

اگر چه این موتور ها شما را به طور مستقیم از ورود به هیچ وبگاهی منع نمی کنند ،اما با عدم ارائه بعضی از وبگاه ها در نتایج جستجو یا حتی ارائه آنان با رتبه های پایین، عملا شما را از این وبگاه ها دور و به وبگاه های دیگر (وبگاه های دارای رتبه بالاتر) سوق می دهد. به اعتقاد جوزف نای در فضای مجازی قدرت تنها شامل حال کسانی که تولیدکننده اطلاعات هستند، نمی شود بلکه در این فضا قدرت اصلی در دست کسانی است که این حجم عظیم از اطلاعات را ویرایش می کنند و اطلاعات معتبر را از اطلاعات غیرمعتبر متمایز می سازند در واقع حجم عظیم اطلاعات موجود در فضا، امر تشخیص اطلاعات غیرمعتبر را امری دشوار ساخته است.

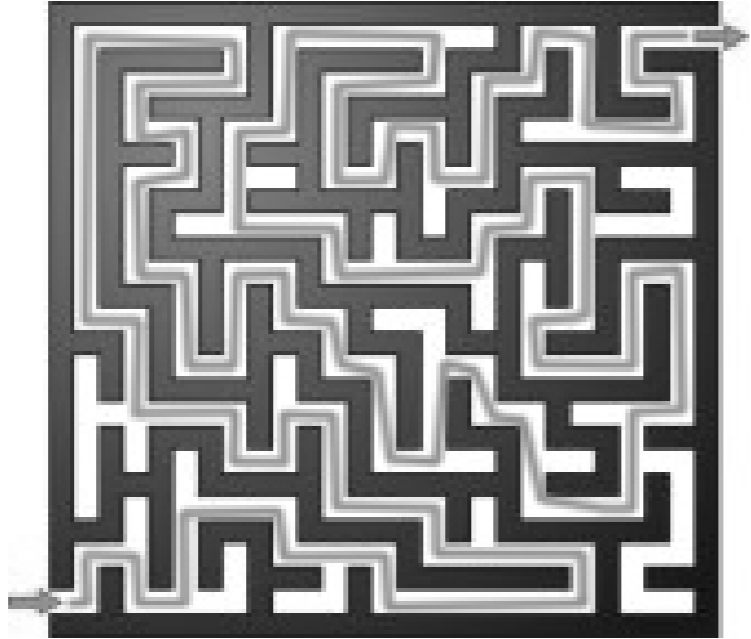
درگاه های موفق شبکه های اجتماعی در کنار موتورهای جستجو از دیگر

جبر در چارچوب های آزاد!

موارد امپراتوری های مجازی هستند. این امپراتوری ها همچون فیس بوک، مای اسپیس، توئیتر و غیره به دنبال ایجاد جوامع مجازی هستند که شهروندان آن همه کاربران فعال جهان با ملیت های مختلف باشند. امپراتوری فیس بوک به تنهایی بیش از ۵۰۰ میلیون عضو فعال دارد. این جوامع مجازی براساس ساختار و تعاریف خود به طبع دارای ارزش های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هستند به طوری که این جوامع توانسته اند مفاهیمی چون «دوست»، «ارتباط»، «خانواده» و حتی مسائلی جزئی مانند نحوه احوال پرسی کردن را بازتعریف نمایند. اگرچه کاربران خود در شکل دهی این جوامع نقش چشمگیری ایفا می کنند اما قوانین این جوامع مجازی (به طور طبیعی هر جامعه ای برای ایجاد نظم نیازمند قوانین مشخصی هست) و گفتمان حاکم بر آنان در تاثیر گذاری و شکل دهی هویت اعضای خود نقش مهمی ایفا می کند.

این قدرت نرم همان طور که پیش تر ذکر شد به عنوان مکمل قدرت سخت آمریکا عمل می نماید و در پیشبرد اهداف این کشور نقش به سزایی دارد. بررسی امپراتوری های مجازی آمریکایی درپچه ای است برای شناخت حاکمیت مجازی کشور آمریکا که عمدتا ماهیتی نرم دارد و توسط بخش خصوصی تولید و مدیریت می شود.

در این فصل شش امپراتوری مجازی مورد مطالعه قرار گرفته اند که هریک به تنهایی قدرت نرم قابل توجه ای برای گردانندگان آن و کشور ایالات متحده آمریکا ایجاد کرده است. این امپراتوری ها که البته از یک سطح برخوردار نیستند و حوزه کار و ماموریت متفاوت و بعضا مشترک دارند که عبارتند از: یاهو، گوگل، فیس بوک، توئیتر، ویکی پدیا، یوتیوب



امپراتورهای فضای مجازی

قسمت اول/ یاهو

درگاه یاهو در ماه فوریه سا ۱۹۹۴ توسط دو دانشجوی دکتری مهندسی برق در دانشگاه استنفورد آمریکا با نام های جری یانگ و دیوید فیلو، که در وقت آزاد خود برنامه نویسی می کردند، راه اندازی شد.

شرکت یاهو شش ارزش را برای خود ذکر می کند که مبنای عمل فعالیت های یاهو است. اگر چه ارزش های یاهو بعضا از جنس ارزش های اخلاقی است ولی وجه اشتراک آنها، مشتری مداری و نفوذ موثر در کاربر است.

۱. عالی بودن؛
۲. نوآوری؛
۳. دل بستگی به مشتری؛
۴. کار گروهی؛
۵. جامعه؛
۶. مفرح بودن

ماموریت های یاهو

شرکت یاهو ماموریت خود را با عنوان « یاهو برای خوبی» تعریف می کند و می گوید:

«هدف ما توانمند کردن افراد از طریق استفاده از نفوذمان بر روی مخاطبان مان، محصولات مان و کارکنان مان به منظور تاثیر گذاری مثبت است.»

جدول زیر نشان دهنده کاربران این وبگاه به تفکیک کشور است:

آمریکا	۳۳٫۱ درصد
هند	۸٫۷ درصد
چین	۳٫۸ درصد
تایوان	۳٫۵ درصد
انگلستان	۳٫۳ درصد
اندونزی	۲٫۷ درصد
ایران	۲٫۶ درصد
ایتالیا	۲٫۴ درصد
برزیل	۲٫۴ درصد
آلمان	۲٫۳ درصد

حقیقت پشتوانه خالی یاهو

بخش عمده درآمد شرکت یاهو از طریق تبلیغات، به طور کی شامل تبلیغات ارائه شده از طریق موتور جستجو و تبلیغات حاشیه صفحات، کسب می شود.

همچنین کسب هزینه های شرکت از طریق تبلیغات این امکان را به یاهو داده است که تقریبا تمامی خدمات خود را رایگان به کاربران ارائه دهد.

ظرفیت ها و برنامه های آینده

باید توجه داشت که هدف یک ابر قدرت مجازی مثل یاهو لزوما راه اندازی مجموعه ای از خدمات و برنامه ها و یا حتی اهداف مادی برای دستیابی به حجم بالایی از تولیدات و فروش مجازی جهان نیست. بلکه می تواند این هدف در قالب یک قدرت بزرگ تعریف شود که پیامدهای آن قدرت های مادی باشد. بعضی از برنامه های اعلام شده یاهو که لزوما همه نگاه آینده یاهو را منعکس نمی کند به شرح ذیل است:

یاهو آلرتس yahoo Alerts

علی بابا Alibaba.com : وبگاه علی بابا که متعلق به شرکت یاهوست یک بازارچه مجازی بین المللی است که در آن انواع اجناس از کشورهای مختلف جهان برای فروش عرضه می شوند.

یاهو انسرز Yahoo Answers: (پاسخ های یاهو): در این خدمت، کاربران می توانند در هر زمینه ای سوال بپرسند تا کاربران دیگر به او پاسخ دهند.

یاهو اوتوز Yahoo Autos : (خودرو) خدمات خودرو درگاه یاهو از جذاب ترین بخش های این درگاه محسوب می شود و به کاربران در زمینه خرید و فروش خودرو راهنمایی و خدمات می دهد.

ماهی بابل مترجم یاهو Yahoo Babel Fish Translation: کاربران می توانند از طریق این خدمت متنی با حداکثر ۱۵۰ کلمه را از زبان های مختلف به زبان های دیگر ترجمه نمایند. همچنین می توان با ارائه آدرس اینترنتی، یک صفحه وب را به زبان های مختلف ترجمه نمود.

یاهو بوک مارکس Yahoo Bookmarks : بوک مارک به ذخیره آدرس وبگاه های مورد علاقه کاربر گفته می شود. کاربران می توانند پس از ورود با شناسه کاربری و رمز خود، در قسمت بوک مارکس، آدرس وبگاه هایی را که می خواهند ذخیره کنند، وارد نمایند.

تقویم یاهو Yahoo Calendar : تقویم یاهو یک تقویم دیجیتال مجازی است.

یاهو مرتبط با تلویزیون Yahoo Connected TV: یاهو تعدادی از مهمترین خدمات خود را از قبیل اخبار، ورزش، مالی، آب و هوا و غیره را از طریق تلویزیون به کاربران ارائه می دهد.

جستجوی مشترکات خلاق یاهو Yahoo Creative Commons Search : این خدمت که در مراحل آزمایشی بسر می برد، این امکان را به کاربران می دهد که به جستجوی مطالب فاقد حق مولف بپردازند.

یاهو دیلز Yahoo Deals : (حراج های جذاب) این بخش از درگاه یاهو حراج های بسیار سودمند را به کاربران معرفی می کند.

دلیشیس Delicious: این وبگاه که متعلق به شرکت یاهو است و در

فهرست خدمات درگاه یاهو قرار دارد، یک وبگاه علامت گذاری اجتماعی است که عبارت است از معرفی نشانی وبگاه ها به دیگران کاربران.

شبکه طراحان یاهوYahoo Developer Network : این بخش از درگاه یاهو مخصوص برنامه نویسان و طراحان نرم افزار برای فضای مجازی است.

یاهو ویجیتس Yahoo Widget : که بر اساس برنامه کن فابیلویرتر طراحی می شوند، آپاچی هدآپ برای طراحی نرم افزار های جاوا که احتیاج به پردازش کردن حجم های وسیعی از اطلاعات را دارند و تعدادی دیگر پلتفرم، همگی به طور رایگان قابل دانلود هستند.

یاهو دایرکتوری Yahoo Directory : یاهو دایرکتوری فهرستی وسیع از وبگاه های فضای مجازی است که بر اساس موضوع تقسیم بندی شده اند.

مسیریاب یاهو Yahoo Directions : در این بخش از درگاه یاهو کاربران می توانند آرس مبدا و مقصد مورد نظر خود را وارد نمایند و نحوه رسیدن به مقصد و نقشه مسیر را مشاهده نمایند.

کارت های الکترونیک یاهوYahoo E cards : درگاه یاهو قبلا کارت های الکترونیک خود را ارائه می داد اما هم اکنون از طریق آمریکن گرتینگز به کاربران خود این خدمات را ارائه می دهد.

آموزش یاهو Yahoo Education:آموزش یاهو در زمینه تحصیلات دانشگاهی و مشاغل اطلاع رسانی می نماید و کاربران را راهنمایی می کند.

سرگرمی یاهو Yahoo Entertainment: سرگرمی یاهو یکی از بزرگترین بخش های درگاه یاهو محسوب می شود و شامل قسمت های فیلم، موسیقی، تلویزیون، بازی و او.ام.جی است.

بخش مالی یاهو Yahoo Finance : بخش مالی یاهو در واقع بخش اقتصادی درگاه یاهو محسوب می شود و اطلاعات و ابزارهای متعددی در اختیار فعالان اقتصادی قرار می دهد.

بازی های یاهو Yahoo Games : در این بخش از درگاه یاهو کاربران می توان از بازی های متعددی استفاده کنند.

یاهوی سبز Yahoo Green : این بخش از درگاه یاهو به کاربران در زمینه حفظ محیط زیست، صرفه جویی، بازیافت و غیره آموزش می دهد.

گروه های یاهو Yahoo Groups : گروه ها یکی از بخش های اصلی درگاه یاهو در زمینه ایجاد جوامع و شبکه های مجازی است.

رویداد های یاهو Yahoo Events: این بخش از درگاه یاهو بر اساس رویداد آن روز یا هفته طراحی می شود.

بخش کودکان یاهو Yahoo Kids: بخش کودکان از گسترده ترین و جذاب ترین بخش های درگاه یاهو محسوب می شود.

پست الکترونیکی یاهو Yahoo Mail: خدمات پست الکترونیکی یاهو با بیش از ۲۶۰ میلیون عضو، از پراستفاده ترین پست های الکترونیکی وبی جهان است.

تابلوی پیام های یاهو Yahoo Massage Board : در این بخش از درگاه یاهو، کاربران می توانند در مورد مسائل مختلف اظهار نظر کنند و به نظرات یکدیگر پاسخ گویند.

موبایل یاهو Yahoo Mobile: یاهو امکانات بسیار خوبی در اختیار کاربران قرار می دهد که از طریق گوشی موبایل خود به اینترنت وصل شده اند. از نکات برجسته این خدمت، دریافت اطلاعات از شبکه هایی مانند فیس بوک و توئیتر است که درگاه هایی مستقل از درگاه یاهو هستند.

فیلم یاهو Yahoo Movies : بخش فیلم یاهو از قویترین و جذاب ترین بانک های اطلاعات فیلم در فضای مجازی است.

موسیقی یاهو Yahoo Music: بخش موسیقی یاهو همچون بخش فیلم از طراحی جذاب و جوان پسندی برخوردار است.

مای بلاگ لاگ My Blog Log: (وقایع بلاگ من) این خدمت که از خدمات جدید درگاه یاهو محسوب می شود، به کاربران امکان مشاهده افرادی که وبلاگشان را بازدید کرده اند، می دهد.

بخش اخبار یاهو Yahoo News: بخش اخبار یاهو از قدیمی ترین و

مهم ترین بخش های درگاه یاهو محسوب می شود، به طوری که این وبگاه بعد از وبگاه شبکه ام.اس.ان.بی.سی و سی.ان.ان در مقام سوم وبگاه پربازدید خبری جهان قرار دارد و این وبگاه از وبگاه های معروفی همچون فاکس نیوز و نیویورک تایمز پیشی گرفته است.

او.ام.جی یاهو : این بخش از درگاه یاهو اختصاص به اخبار، شایعه ها و عکس های هنرپیشگان و افراد معروف دارد.

یاهو پایپس Yahoo pipes : (به معنای لوله) در یاهو پایپس کاربران می توانند با اتصال و جمع چند خدمت مختلف فضای مجازی یک خدمت منحصر به فرد برای خود ایجاد کنند.

همسریابی یاهو Yahoo personas: در همسریابی یاهو کاربران می توانند به جستجوی همسر برای خود بپردازند.

مسکن یاهو Yahoo Real Estate : بخش مسکن یاهو با ارائه خدمات متنوع به کاربران در انتخاب مسکن مناسب کمک شایانی می کند.

بازاریابی جستجوی یاهو Search Marketing : موتور جستجو درگاه یاهو در هنگام جستجوی واژه ای توسط کاربر، علاوه بر ارائه نتایج جستجو، نشانی تعدادی وبگاه مرتبط با واژه جستجو شده را نیز تبلیغ می کند. مرکزامنیت یاهو Yahoo Security Center: این بخش از درگاه یاهو به منظور حفظ حریم خصوصی، حفاظت از کودکان و نوجوانان و مقابله با آسیب های فضای مجازی طراحی شده است و شامل مقالات متعددی در این زمینه است.

درخشش Shine: این بخش از درگاه یاهو اختصاص به مد، زیبایی، عشق، غذا و غیره دارد و در واقع از بخش های تفریحی درگاه یاهو محسوب می شود. خرید یاهو Yahoo Shopping: بخش خرید در واقع یک فروشگاه بسیار بزرگ مجازی است که انواع کالاها را به کاربران عرضه می کند.

کسب و کارهای کوچک یاهو Yahoo Small Businesses: در این بخش می توان نام یا آدرس اینترنتی برای خود خریداری نمود و همچنین با خرید دامنه اقدام به راه اندازی وبگاه کرد.

ورزش یاهو Yahoo Sports: بخش ورزشی یاهو یکی از بزرگترین بخش های درگاه یاهو محسوب می شود و از بهترین منابع مجازی در زمینه ورزش است.

تلفن یاهو Yahoo Voice: از طریق تلفن یاهو کاربران می توانند به نقاط مختلف دنیا از طریق رایانه خود تلفن کنند.

ویجتس یاهو Yahoo Widgets: از طریق این بخش درگاه یاهو، کاربران می توانند از میان هزاران ویجت موجود، ویجت مورد نیاز خود را به صورت رایگان دانلود نمایند.

سازمان تحقیقات پیشرفته یاهو

شرکت یاهو دارای قسمتی به نام سازمان تحقیقات پیشرفته است که به گفته خود ماموریتش خلق آینده اینترنت و نسل بعدی بنگاه ها برای درگاه یاهو است . هم اکنون تیم تحقیقات یاهو بر روی ده ها پروژه مشغول فعالیت است که اطلاعات هریک از آنان را از طریق درگاه وابسته ای که برای همین امر طراحی شده است ، می توان دریافت نمود.

۱. پروژه زون تک: در این پروژه کاربران می توانند با استفاده از گوشی موبایل خود عکس بگیرند و بلافاصله آن را در وبگاه فلیکر بارگذاری کنند.

مکانی که این عکس ها گرفته شده اسند از روی محل دکل مخابراتی مربوطه اخذ می شود.

۲. زیاد تخمین بزن: که در آن کاربران می توانند برای نتایج مسابقات ورزشی شرط بندی کنند و «امتیاز» بگیرند .

۳. رویال جلی: این پروژه شبکه های اجتماعی درگاه یاهو را هوشمند می کند به طوری که هر کاربر براساس علایق و سلایق خود به افراد و موضوعات هماهنگ با خود معرفی می شود .

۴. اسپار تا : این پروژه به منظور افزایش بهره وری مقابله با هرزنامه ها در پست الکترونیکی یاهو طراحی شده است .

۵. تجزیه نموداری: این پروژه عبارت است از یافتن الگوریتم هایی که یم



متعلق به شرکت عظیم رسانه ای ویاکام است

۵. فاکس نیوز : از تتروتترین شبکه های خبری تلویزیونی آمریکا متعلق به شرکت نیوزکرپ

۶. نیویورک تایمز : پر اهمیت ترین روزنامه سیاسی آمریکا متعلق به خانواده یهودی سولزبرگر

۷. واشنگتن پست : یکی از روزنامه های اصلی کشور آمریکا

۸. آژانس خبری فرانس پرس : بزرگترین خبرگزاری فرانسه

استفاده از منابع خبری فوق منجر به ارائه اخبار عمدتا منفی و نگران کننده از ایران شده است. به عنوان مثال در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۹ ده خبر اول مربوط به ایران بخش اخبار یاهو به شرح زیر هستند :

۱. ایران پنج عضو از گروه کرد را به دار می آویزد (رویترز)

۲. ایران از ایده های ترکیه و برزیل در زمینه تبادل سوخت هسته ای استقبال می کند (رویترز)

۳. ایران یک زن و چهار فرد دیگرر ا به جرم « محاربه » اعدام می کند (آسوشیتدپرس)

۴. ایران فشار را بر شرکت های سرمایه گذار در حوزه گاز افزایش می دهد (رویترز)

۵. ایران پنج فعال کرد را به جرم بمب گذاری به دار می آویزد (آسوشیتدپرس)

۶ عدم همکاری و مخالفت ایران در میهمانی شام سازمان ملل (آسوشیتدپرس)

۷. ایران اجرای پارس جنوبی را به شرکت های چینی ، مالزیایی و هندی می سپارد (اخبار پیوند)

۸. ایران پنج فعال کرد را به جرم بمب گذاری به دار می آویزد (بوستون گلوب)

۹. ایران مخالفت فرانسه در استرداد متهم ایرانی به آمریکا را می ستاید (آژانس فرانس پرس)

۱۰. دیپلمات ایرانی : ایران طرح تبادل اورانیوم در خارج از خاکش را به کلی رد نمی کند (آژانس فرانس پرس)

همان طور که از اخبار فوق می توان مشاهده کرد، به جز خبر شماره هفت که خبری اقتصادی است، و اخبار شماره نه و ده از آژانس فرانس پرس که نسبت به خبرگزاری های آمریکایی و انگلیسی معتدل تر است، تمامی اخبار چهره ای منفی از ایران به نمایش می گذارند .

همچنین از پانزده فیلم اول خبری بخش اخبار یاهو در مورد ایران در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۹، نه مورد برنامه هسته ای و تحریم ایران، دو مورد مربوط به نقض حقوق زنان در ایران و انتخاب (به اشتباه) ایران به عنوان عضو کمیسیون زنان سازمان ملل، دو مورد در مورد رزمایش های نظامی ایران ، یک مورد پناهنده شدن مخالفان سیاسی حکومت ایران در ترکیه و فیلم باقیمانده در مورد ترک جلسه نماینده ایالات متحده در زمان سخنرانی محمود احمدی نژاد در سازمان ملل است . در واقع می توان این فیلم ها را تحت عناوین خطر هسته ایران ، خطر نظامی ایران و نقض حقوق بشر در ایران خلاصه کرد .

یاهو در ایران

اگرچه درگاه یاهو برای کشور ایران و زبان فارسی درگاه وابسته اختصاصی ندارد، اما این امر موجب عدم استفاده کاربران ایرانی از این درگاه نشده است، به طوری که این وبگاه بعد از گوگل دومین وبگاه پربازدید در ایران است ، در حالی که در سایر جهان چهارمین وبگاه پربازدید است .

گروه های ایرانی یاهو

۱. شادینه: ۳۶۰،۱۷۰ عضو ، این گروه عمدتا مربوط به سرگرمی شامل لطیفه ، عکس های خنده دار و غیره است .

۲. کلوب: ۳۸۲،۱۷۰ عضو ، این گروه متعلق به وبگاه کلوب دات کام است که در آن انواع کالاها به فروش می رسند و کلوب های ایرانی متعددی وجود دارد که کاربر می تواند در آنان عضو شود . این کلوب ها شبیه گروه های یاهو است.

۳. مارشال مدرن: ۲۹۲،۳۵۶ عضو ، این گروه به طور مرتب به اعضای خود اخبار روز ، طالع بینی و حتی آیاتی از قرآن را ارسال می نماید . گروه مارشال مدرن همچنین در فضای فیزیکی برنامه برگزار می کنند و اعضا را برای شرکت در آنها دعوت می کند . حتی گروه مارشال مدرن سفر به شهرهای ایران را نیز برگزار می کند و اعضای آن با یکدیگر به مسافرت می روند .

۴. دل آریا: ۲۴۶،۲۲۸ عضو ، این گروه عمدتا مربوط به جوانان شیرازی است و خود را این گونه معرفی می کند : « گروه بچه های دوست داشتنی شیراز »

۵. آفتاب ایران: ۲۲۹،۶۱۰ عضو ، این گروه به علایق روز جوانان شامل فیلم ، موسیقی ، رایانه ، عکس ، شعر ، طنز و غیره می پردازد .

۶. جرقه: ۲۴۵،۳۹۹ عضو ، موضوع این گروه همچون گروه فوق علایق جوانان را پوشش می دهد .

زبان حاکم بر عمدهگروه های ایرانی، فارسی است و کمتر گروه ایرانی از حروف انگلیسی استفاده می کند. در این میان گروه های مبتدل و هرزه نگاری ایرانی نیز وجود دارد. پر تعداد ترین آن نزدیک به نوزده هزار عضو دارد و بقیه آنان کمتر از ده هزار عضو دارند ، که این تعداد عضو قابل قیاس با گروه های سرگرمی و تفریحی ایرانی که تعداد زیادی از آنان بالای پنجاه هزار عضو دارند، نیست.

در میان گروه‌های ایران یاهو ، گروه‌های مذهبی اسلامی نیز به چشم می خورند اما آن گروه ها در قیاس با سایر گروه های ایرانی از رونق کمتری برخوردارند همچنین گروه های سیاسی همچون گروه های مذهبی از رونق کمتری برخوردار هستند .

قدرت درگاه یاهو در جذب و تاثیر گذاری بر کاربران فضای مجازی برای کشور آمریکا قدرت بزرگی د فضای دوم ایجاد کرده است و به منزله بخشی از «سیاست عمومی» آمریکا برای نفوذ در جهان عمل می کند. همان طور که شرح داده شد بخش های مختلف درگاه یاهو به طور آشکاری در برگیرنده ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گفتمان آنگلوواسکسون است. از آنجا که بیشتر مطالب ارائه شده در درگاه یاهو شامل بخش های اخبار، فیلم، موسیقی، گروه ها و بسیاری از موارد دیگر مربوط به کشور آمریکا هستند، این درگاه کاربران را به فرهنگ و ارزش های آمریکایی جذب می کند، حتی اگر این موضوع برای کاربر علنی نباشد. همان طور که پیشتر ذکر شد، قدرت نرم عمدتا از راه هایی که در ظاهر مشخص نیست بر کاربر تاثیر می گذارد. این موضوع به خصوص در مورد صفحه اول یاهو که روزانه میلیون ها کاربر آن را مشاهده می کنند،پایثات گردید، به طوری که در تحقیق صورت گرفته ۷۳درصد اخبار صفحه نخست درگاه یاهو اختصاص به اخبار با موضوعات مختلف از آمریکا داشت و تنها ۷درصد اختصاص به سایر نقاط جهان داشت و ۲۰درصد باقی مانده به مطالب متفرقه اختصاص یافته بود .

در واقع می توان نتیجه گرفت که درگاه یاهو مبلغ فرهنگ عامه (درمقابل فرهنگ والا) است و فرنگ عامه تبلیغ شده عمدتا فرهنگ عامه آمریکایی است. حضور فرهنگ عامه آمریکایی در دیگر بخش های درگاه یاهو نیز بسیار پررنگ است. درواقع یاهو، به مثابه صنعت آمریکایی سازی و یاهو سازی تبدیل شده است که کاربران را در مسیر فرهنگ آمریکایی سوق می دهد.

Google

امپراتورهای فضای مجازی

قسمت دوم/ گوگل

وبگاه گوگل را اگر چه به عنوان یک موتور جستجو می شناسیم ولی در سال‌های اخیر اتخاذ رویکرد جدیدی توسط مدیران این وبگاه در مواجهه با این فضا، گوگل را به یک فضای خدمتی برخط تبدیل کرده است.

گوگل در ابتدا به عنوان پروژه تحقیقاتی در سال ۱۹۹۶ توسط لری پیج و سرگئی برین دانشجویان دکتری دانشگاه استنفورد آغاز شد. آنها بر این فرض بودند که موتور جستجویی که روابط میان وبگاه ها تحلیل می کند، نتایج بهتری از روش های موجود که اساساً نتایج را با توجه به تعداد کلمات و عبارات جستجو شده‌ی موجود در صفحه ی مورد نظر پیدا می کند به دست می دهد. گوگل اولین موتور جستجویی بود که نتایج خود را بر بخشی از عمومی صفحه وب به عنوان محاسبه ساختار نمودار وب قرار داد. رسالت گوگل سازمان دادن به دنیای اطلاعات و قابل دسترس و مفید کردن آن است. گوگل تقریباً تمام نیازهای کاربران خود را در درون خود برآورده می سازد و نیازی به ارجاع کاربران به دیگر وبگاه‌ها نیست.

ده اصل گوگل

گوگل در بخشی از اطلاعات شرکتی خود در وبگاه، به تبیین فلسفه ی وجود گوگل می پردازد. ده اصل گوگل که ملهم از ده فرمان خدا به موسی است نه تنها ریشه های پهبودیت در این وبگاه را نشان می دهد، بلکه اصول اساسی شکل گیری و روندهای آینده گوگل را نیز مشخص می سازد.

- روی کاربر تمرکز کن همه چیز خواهد آمد
- بهترین کار آن است که یک چیز را به صورت واقعاًعالی انجام دهی
- سریع بهتر از کند است
- دموکراسی در وب کار می کند
- برای جواب گرفتن نیازی به نشستن پشت میز نداری
- برای بدست آوردن پول نیازی به انجام کار بد نیست
- همیشه اطلاعات بیشتری در وب است
- نیاز به اطلاعات تمام مرزها را در می نوردد
- بدون لباس رسمی هم میتوان جدی بود
- بزرگ به اندازه کافی خوب نیست

تاریخچه گوگل

سال ۱۹۹۵اولین ملاقات لری پیج و سرگئی برین یعنی بنیان گذاران آینده ی گوگل، در دانشگاه استنفورد روی داد. این دو در سال ۱۹۹۶ در مقطع کارشناسی ارشد علوم رایانه انشگاه استنفورد شروع به تحصیل کردند و همچنین در مورد موتور جستجویی به نام بک راپ به همکاری و همفکری پرداختند.در آن زمان بک راپ به مدت یک سال روی سرور های دانشگاها فعالیت می کرد که نهایتاً به خاطر در اختیار گرفتن پهنای باند زیاد از سرور دانشگاه، از آنجا منتقل شد. در سال ۱۹۹۷، لری و سرگئی تصمیم گرفتند برای موتور جستجوی خود نام جدیدی انتخاب کنند.

نام گوگل بر حسب اشباه زبانی که حین بحث بر سر اصطلاح «گوگول» به معنای عدد یک به همراه صد صفر، اتفاق افتاد. برای موتور جستجوی فعلی گوگل انتخاب شد. در واقع این عنوان بازتاب حجم وسیعی از اطلاعات موجود و چشم انداز مأموریت گوگل برای «سازماندهی اطلاعات جهان و دسترس پذیر و مفی ساختن آنها » است. ستاد مرکزی گوگل را هم گوگول پلکس نام نهاده اند که به معنای گوگول به توان گوگول است و حکایت از گستره ی نگاه سلطه امیز گوگل توسعه طلبی آنها دارد.

–در فوریه سال ۲۰۰۱ میلادی اولین خرید شرکت گوگل اتفاق افتاد.«دجا دات کام»به عنوان سرویس بحث های یوزنت، و بایگانی پانصد میلیون بحث یوزنت که به سال ۱۹۹۵باز می‌گشت، اولین خرید شرکت گوگل برای توسعه خدمات خود بود.

–لری پیج و سرگئی دفتر جدیدی را در بنگور و حیدرآباد هند افتتاح کردند. درهمان ماه گوگل نخستین نسخه از میزکار خود را معرفی کرد که از طریق آن کاربران می توانستند اسناد و پرونده های خود را که در یارانه شخصی شان ذخیره شده بود با استفاده از فناوری گوگل جستجو کنند.

–در فوریه سال ۲۰۰۵ گوگل رکورد جدیدی در جستجوی تصاویر به ثبت رساند ،یک میلیلرد و ۱۰۰مییون تصویر نمایه شد.

–در ماه آگوست سال ۲۰۰۵ گوگل در ارزیابی ماشین ترجمه ی ۲۰۰۵آمریکا ،رتبه عالی را به دست آورد.

–در ماه می۲۰۰۷،در رویداد «جسجو شناسی»گوگل گام های جدیدی را که به سوی جستجوی جهانی برداشته شد،اعلام کرد.

–در ماه دسامبر۲۰۰۹ گوگل از گروهی از موسیقیدانان سراسر جهان برای شرکت در ارکستر سمفونی پوتیوب دعوت کرد تا اولین ارکستر بر خط مشارکتی جهان اجرا شود.

–در جولای ۲۰۰۹دو نسخه ی شرکتی و مصرف کننده ی جی میل،تقویم گوگل،اسنادگوگل و گوگل تاک که از حات آزمایشی خارج شده بود،عرضه شد.گوگل خبر داد که در حال توسعه ی سیستم عامل گوگل کروم است،سیستم عاملی متن باز و سبک که مخصوص مخصوص نت بوک ها هدف گذاری شده است.

آمار و ارقام گوگل

در رتبه بندی برترین بیست وبگاه برتر که توسط مؤسسه هیت وایز صورت گرفته است،وبگاه بر اساس میزان بازدید،در هفته ی منتهی به ۲۶ ژوئن ۲۰۱۰ رتبه بندی شده اند. در این رتبه بندی بعد از وبگاه فیس بوک با۸٫۹۹درصد میزان بازدید ها ،گوگل ۷٫۲۷درصد میزان بازدیدها در رتبه ی دوم قرارگرفته است.

قدرت جهانی، نمود محلی و محل گرایي گوگل

لوگوی گوگل در بستر انتقال مفاهیم و نظریاتی هستند که در پشت پرده گردش این وبگاه جریان دارد. گوگل دو هدف عمده را با رانه لوگوهای مناسبتی

خود دنبال می کند.

اول اینکه: کاربران کشور های مختلف را با بازمایی برخی عناصر شاخص فرهنگی،تاریخی و ملی شان، بیشتر به سوی گوگل جذب کند.

دوم آنکه: مفاهیم،تاریخ، اندیشه ها و فرهنگ غربی (آمریکایی) را بیشتر در قالب فرهنگی جهانی به کاربران جهای خود عرضه کند.

گوگل در ابتدای اجرای طرح لوگوهای مناسبتی خود، بدون توجه به محلی بودن مفاهیم مطرح شده در لوگوها، اقدام به انتشار این لوگوها در صفحه نخست خود می کرد اما بلافاصله پس از مدتی کوتاه، لوگوهایی که به صورت خاص برای کشوری خاص در نظر و طراحی شده بود، تنها در همان کشور یا کشورها به نمایش در می آمد.

گوگل در واقع با این کار، جهانی سازی پدیده های محلی را متوقف و به همان سیاست پیشین خود که در واقع جهانی کردن یا عادی سازی مفاهیم و پدیده ها و وقایع آمریکایی یا غربی در جهان بود، بازگشت دیگر سال نوی ایرانی برای تمام جهانیان به نمایش در نمی آید. این لوگو و عبارت «سال نو پارسی» برای ایران و چند چند کشور دیگر که به عنوان کشورهای «منتخب» مشخص شده اند به نمایش در می آید.

در حا حاضر، گوگل علاوه بر دامنه‌ی اصلی وبگاه خود، در ۱۸۱ دامنه‌ی کشوری دیگر نیز وبگاه‌های محلی شده‌ی خود را ارائه کرده است. این امر، بعدی دیگر از تلاش‌های گوگل را برای محلی سازی خود غربی–آمریکایی گوگل در زیست جهان بومی کشورهای مختلف، نشان می دهد.

گوگل در ایران

اولین نکته در مورد وضعیت گوگلدر ایران این است که، بر اساس آمار و وبگاه الکسا، گوگل نخستین انتخاب ایران در فضای وب است. در رتبه بندی این که وبگاه از وبگاه‌های اینترنتی در هر کشوری ارائه کرده است، در ایران گوگل رتبه‌ی نخست را به دست آورده است. بعد از کشورهای آمریکا(۳۴٫۹درصد)، هند(۸٫۸درصد)، چین(۴٫۱درصد)، آلمان(۳٫۴درصد)،بریتانیا(۲٫۲درصد) و برزیل (۲٫۳درصد)،ایران با (۲٫۸درصد) از حجم بازدیدکنندگان گوگل در رتبه هفتم قرار گرفته است.

از جمله خدماتی که گوگل در اختیار ایران قرار داده است می توان به کاربر فارسی گوگ اشاره کرد. علاوه بر این گوگل ابزار جدیدتری برای دسترس پذیرتر کردن جستجو به زبان فارسی راه اندازی کرده است که صفحه کلید مجازی فارسی است. در بازنمایی بخشی از فرهنگ ایرانی نیز، گوگل از سال ۲۰۰۴ اقدام به ارائه لوگوی سال نوی پارسی روی صفحه نخست خود کرد.

قدرت نرم یهود و قدرتمندی گوگل

قدرت نرم محصول و برآیند تصویر سازی مثبت و کسب اعتبار نزد افکار عمومی جهان است که با به کارگیری ابزارهایی چون: فرهنگ، پیشینه درخشان، آرمان یا ارزش های انسانی به صورت غیر مستقیم، برمنافع و رفتار های دیگر کشو ها اثر می گذارد.

در کلی ترین سطح، قدرت به معنای توانایی تأثیر گذاری بر رفتار دیگران، چندین راه وجود دارد؛ می توان آنها را با تهدید و یا اعمال نیروی قهریه مجبور به انجام کاری کرد؛ می توان با کاربرد منابع اقتصادی، دیگران را وادار به تبعیت نمود، و یا اینکه با بهره گیری از مؤلفه های نرم افزاری قدرت آنها را جذب و با خود همراه ساخت.

امروزه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها به عنوان یک عامل تعیین کننده در نظام بیت المللی تحت تأثیر تحولات شگرف در عرصه ی ارتباطات قرار گرفته است. چنانکه «دیپلماسی سانه ای» به عنوان یکی از شاخه های اصلی فعالیت های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی، بخش قابل توجهی از دیپلماسی عمومی کشورهای به ویژه قدرتمند جهانی را به خود اختصاص داده است.

لری پیج که عنوان مشترک رئیس گوگل را با خود دارد، ارتباطات خانوادگی در اسرائیل دارد. نشریه «بنای بریث» ارگان رسمی یکی از قدرتمند ترین سازمان های یهودی جهان، در بهار سال ۲۰۶ در مقاله ای با عنوان «استادان جستجو» می نویسد: «…لری پیج که مادرش گلوریا، یک یهودی است». همچنین این مقاله ادامه می دهد: « مادری لری مسیر متفاوتی را دنبال کرد. وی یکی از مهاجران اولیه به اسرائیل بود که در شهر آراد ساکن شد» در سال ۲۰۰۷، فوربی در رتبه بندی خود از ثروتمندترین افراد، سرگئی برین به عنوان یکی از پایه گذاران یهود گوگل چیزی حدود ۱۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار تخمین زد. سرمایه گذار گوگل نیز شخصی سهودی به نام «آندی بکتولشایم» بود که مبلغ صد هزار دلار، به عنوان سرمایه ی اولیه در وجه شرکت گوگلی پرداخت کرد که در زمان نوشتن چک هنوز وجود نداشت.

علاوه بر آنکه بنیانگذاران گوگل خود ریشه و نسب یهودی داشتند، برخی اشخاصی را نیز به استخدام خود در آوردند که آنها نیز یهودی بودند. اولین کسی که توسط بنیانگذاران گوگل استخدام شد فردی یهودی به نام «کاریگ سیلور اشتاین»بود. همچنین «سوزان ووجسیکی» که زنی یهودی بود، به عنوان معاون بخش مدیریت محصولات گوگل مشغول به کار شد. چندی بعد، خواهر وی «آنه ووجسیکی» که متخصص زیست فناوری بود، در می ۲۰۰۷ طی مراسمی–«ازدواج سنتی یهودیان»– با سرگئی برین رئیس بخش فناوری گوگل ازدواج کرد.

آنه ووجسیکس در حال حاضر روی پروژه های یهود فعال است و به عنوان عضوی از هیئت مدیره ی «ری بوت»،سرمایه گذاری که به دنبال درگیر ساختن یهودیان در کاوش فرهنگ خودشان است ، فعالیت می کند. «آودی مانبر»معاون بخش مهندسی گوگل، یهودی اسرائیلی است که از مؤسسه تکنیون هایفا فارغ التحصیل شده است. مانبر درسال ۱۹۹۸دانشمند ارشددر یاهو بوده است.

ریشه‌های یهودیت در گوگل راه همان‌طور که پیشتر در بخش اصول و اهداف نیز گفته شد می توان در ده اصل گوگل مشاهده کرد. همین عنوان ده اصل یا ده چیز، ملهم از ده فرمان حضرت موسی است.

یهودیان هرچند به آیین یهویت معتقد نباشند، از آنجا که نژادی مستقل به حساب می آیند، بر اساس آموزه های سنتی خود به شدت از نژاد خود در هر حالتی دفاع می کنند. اینجا نیز مشخص است که وقتی سران اصلی این شرکت را یهودیان تشکیل می دهند، لاجرم امکانات و فرصت‌های خاصی نیز نصیب آنها و به خصوص صهیونیست‌ها خواهد شد.

در پایان باید گفت حتی اگر هیچ گونه استدلالی در سو گیری و جهت دار بودن قدرتمندی بخش فضاهای مجازی وجود نداشته باشد و تمامی این امور، یعنی گستردگی استفاده از چندین وبگاه در سراسر جهان و به خصوص وبگاه گوگل و خدمات و محصولات و وبگاه‌های وابسته به آن راه، به ظرفیت های خنتای این فضای جدید نسبت دهیم، بازهم باید نگاهی آینده گرایانه در مورد این ظرفیت ها و توانایی ها در جذب مخاطبان و کاربران و همچنین وابسته سازی کاربران در بخش های مختلف به این وبگاه، نه با دید تردید و نه با نگاهی موشکافانه‌تر نگریست.

YouTube™ Broadcast Yourself

امپراتورهای فضای مجازی قسمت چهارم/ یوتیوب

یوتیوب وبگاهی است کاربرمحور و این امکان را فراهم آورده است که کاربران اینترنتی از سراسر جهان ویدئوهای مطلوب خود را با افراد موردنظرشان به اشتراک بگذارند. سازندگان اولیه آن استیو چن ، تایوانی – آمریکایی ، چاد هورلی ، آمریکایی و اکنون از مدیران اجرایی ارشد یوتیوب ، و جاوید کریم ، بنگلادشی – آلمانی هستند .

یوتیوب در فوریه سال ۲۰۰۵ با ابتکار مبدعانش افتتاح شد، اما در اکتبر ۲۰۰۶ به مبلغ ۱٫۶۵ میلیارد دلار به گوگل واگذار گردید. بنابرین، امروز یوتیوب هم یکی از اندام این غول اینترنتی به حساب می آید. مقر یوتیوب ابتدا در سن متئو قرار داشت، اما امروز به سن برنو، در کالیفرنیا منتقل شده است .

بیشتر ویدئوهای یوتیوب توسط افراد به معرض نمایش گذاشته می شوند، هرچند شرکت های رسانه‌ای نظیر سی.بی.اسی. ، بی.بی.سی ، یو.ام.جی و … نیز در یوتیوب مشارکت دارند. کاربرانی که در یوتیوب ثبت نام کرده اند، می توانند بی نهایت ویدئو را در یوتیوب قرار دهند، اما کاربران ثبت نام نشده در یوتیوب نیز می توانند تماشاگران این ویدئوها باشند. البته ویدئوهایی که از لحاظ محتوایی آزار دهنده تشخیص داده شوند، تنها در اختیار کاربران بالای هیجده سال قرار می‌گیرد . یوتیوب در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد که بیش از ۶۵ هزار ویدئوی جدید هر روز در این وبگاه قرار داده می شود و البته تعداد ویدئوهای دریافتی وبگاه صد میلیون در روز برآورد شده بود .

شرکت بررسی بازار کام اسکور ، یوتیوب را بزرگترین ارائه دهنده ویدئوهای اینترنتی در آمریکا معرفی کرده ، که حدود ۴۳ درصد از سهم بازار را در این حوزه بخود اختصاص داده است و تنها در ژانویه ۲۰۰۹ ، بیش از شش میلیارد ویدئو از طریق این وبگاه به نمایش گذاشته شده است. تخمین زده می شود که در هر دقیقه ، ۲۴ ساعت ویدئو در این وبگاه قرار داده می شود.

علی رغم محبوبیت بسیار ، به یوتیوب انتقاداتی هم وارد است . برخی معتقدند که یوتیوب حق نشر را رعایت نمی کند. یوتیوب نظارتی بر ویدئوهایی که بارگذاری می‌شوند ندارد و آنها را قبلا بازبینی نمی‌کند . در واقع این کار به خود صاحبان حق محول شده است که از حقوق خود تحت قانون حق نشر در هزاره دیجیتال دفاع کنند .

محتوای نامناسب ویدئوهای ارائه شده در یوتیوب از دیگر انتقادات وارد شده به یوتیوب است . یوتیوب در شرایط فعالیت در وبگاهش، ارسال ویدئوهایی را که موجب پدنامی کسی شود ، حاوی هرزه نگاری باشد و یا تحریک کننده ارتکاب جرم باشد ممنوع کرده است. مسائل بحث برانگیز در مورد موضوع ویدئوهای یوتیوب بیشتر به انکار هولوکاست(یوتیوب در آلمان برای ویدئوهای نازی صد ضهیونیسم مورد انتقاد قرار گرفت ، ۲۰۰۷)، فاجعه هیلزبرو (در این اتفاق تلخ ، ۹۶ تن از طرفداران تیم لیورپول کشته شدند) تئوری های توطئه ومذهب اختصاص دارد.

یوتیوب وبگاهی است که علی رغم ظاهر کاربرمحور و محیط دموکراتیک خود بسیار جریان ساز است و برهمن اساس در برخی کشورها تا مرز مسدود شدن پیش رفته است :

دولت چین، یوتیوب را در جولای ۲۰۰۹ برای جلوگیری از انتشار تصاویر شورش های اورومگی مسدود کرد.

مراکش یوتیوب را در سال ۲۰۰۸ بست.

تایلند به دلیل وجود ویدئوهای توهین کننده به پادشاه هومیبال آدولیادی ، یوتیوب را بست.

یوتیوب در ترکیه به دلیل ویدئوهای توهی کننده به مصطفی کمال آتاترک مسدود شده است. علی رغم بسته شدن یوتیوب، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، برای رزونامه نگاران مجوز استفاده از آن را صادر کرد.

در ۲۳ فوریه ۲۰۰۸ پاکستان یوتیوب را مسدود کرد، زیرا ویدئوهای خلاف اعتقادات اسلامی، برای مثال، کاریکاتور پیامبر اسلام (ص) شنیعانه در آن منعکس شده بود. این جبهه پاکستان به تحریم چند ساعته یوتیوب منجر شد، زیرا عکس العمل در مقابل توهین به مقام رفیع پیامبر اسلام (ص) به کشورهای دیگر هم انتقال یافت. مسدود شدن این وبگاه در پاکستان تا ۲۶ فوریه ۲۰۰۸ هم ادامه یافت.

در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۰ ، لیبی پس از آنکه تظاهرات خانواده های افراد دستگیر و کشته شده در زندان ابوسلیم (۱۹۹۶) در یوتیوب منظر شد، این وبگاه را بست و دیده بان حقوق بشر به این امر اعتراض کرد (دیده بان حقوق بشر لیبی را

به دلیل بستن وبگاه ها مواخذه کرد ، ۲۰۱۰)

فناوری ویدئویی یوتیوب : پخش و بارگذاری ویدئو

برای دریافت یوتیوب، کاربر باید از پلاگین پخش کننده فلش استفاده کند که برنامه ای دردسترس کاربران اینترنت است. ویدئوهایی که توسط صاحبان حساب استاندارد بارگذاری می شوند، حداکثر می توانند ویدئوهای ده دقیقه‌ای با اندازه دوگیاگا بایت باشند. یوتیوب عموما به کاربران پیوند بارگیری را پیشنهاد نمی‌کند، زیرا مشاهده ویدئو در داخل وبگاه اولویت یوتیوب است. تعداد کمی از ویدئوها، مانند سخنرانی های هفتگی باراک اوباما را می توان به عنوان فایل های ام.پی.فور بارگیری کرد!

اهداف و اصول کلی

کاربر در استفاده از یوتیوب می تواند به دو صورت عمل کند. به عنوان عضوی از وبگاه که ویدئوهای مورد علاقه خود را در وبگاه بارگذاری می کند و آنها را با مخاطبان مورد نظرش به اشتراک می گذارد و یا به عنوان کاربری که مرورگر وبگاه و ویدئوهای دیگران است. افرادی که برای بارگذاری ویدئو در وبگاه یوتیوب ثبت نام می کنند، باید تعهد خود را نسبت به سه تعهدنامه اعلام کنند، شرایط و شروط یوتیوب، اصول حفظ حریم خصوصی یوتیوب و دستورالعمل اجتماعات یوتیوب.

دستور العمل اجتماعات یوتیوب ، شعاری دارد که آن را به وضوح بیان می کند « از خط قرمز رد نشوید !»، ما در پی احترامی هستیم که در خور راهبه ها ، پیرمردها و جراحان مغز است. یعنی از این وبگاه سواستفاده نکنید. هراجتماع جدیدی که به یوتیوب می پیوندد، سطحی از اطمینان را به این وبگاه دارد. ما نیز به شما اعتماد داریم که مسئولیت پذیر هستید و میلیون‌ها کاربر به این اعتماد احترام می‌گذارند. پس شما هم یکی از آن‌ها باشید».

یوتیوب در مطالعه حاضر به عنوان یک رسانه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است که نقش آن در شکل دادن افکار عمومی در جهان امروز ثابت شده است. رسانه ای اجتماعی نظیر یوتیوب از این جهت قابل تامل است که با هزینه پایین و قدرت بسیار در انتقال پیام، به کاربران امکان می‌دهد به صورت فردی خود را در لحظه به جهان متصل کنند و تصویر مطلوب خود را ارائه دهند و یا حتی به صورت جمعی با تاکید براشترکات هویتی « حلقه های رسانه ای » تشکیل دهند.

موثرترین مشخصه یوتیوب که آن را به وبگاهی فراگیر بدل کرده است، محیط تعاملی آن است که خنثی، باز و بی نهایت، غیر متمرکز و دموکراتیک به نظر می رسد. کاربر احساس می کند که هرکس از هر کجا کحه باشد، می تواند در یوتیوب ثبت نام و ویدئوی خود را بارگذاری کند و یا با موضوع مورد نظر خود ویدئوهای مربوط را بیابد و تماشا کند. اما آنچه در پی یافتن آن در یوتیوب هستیم پاسخگویی به این سوال است که آیا همه ویدئوها به یک اندازه شناس بارگذاری و پخش را در این وبگاه می یابند و یا نوع چینش ویدئوهایی با عواملی خاص در الگوریتم یوتیوب، که البته برای کاربران مشخص نیست تعریف شده اند. به عبارت دیگر، علی رغم اینکه یوتیوب، وبگاهی کاربرمحور است، آیا گفتمانی خاص در آن حاکمیت دارد که خط فکری خاصی را در مرکز آن دنبال می کند و ثمرات آن، ثمراتی خاص هستند؟ در یک کلام، آیا « اثر توئیتِر» و «اثر سی.ان.ان.» را می توان در «اثر یوتیوب» هم جستجو کرد یا خیر؟

این وبگاه هنرمندانه توپ را به زمین کاربران انداخته است و ادعایش این است که آنچه در یوتیوب بازنمایی می شود، همان گونه است که مردم دنیا می اندیشند، اما این نکته مغفول واقع شده است که می توان در بررسی یوتیوب دریافت که او یکی از منابعی است که قوانین اندیشه مردم دنیا را وضع می کند و به ایشان به صورت نرم می آموزد که چگونه بیندیشند.

آمار بازدیدکنندگان

درگاه الکسا اطلاعات ترافیکی وبگاه ها را براساس داده های جمع آوری شده از نوار ابزار میلیون‌ها کاربر الکسا محاسبه می کند . الکسا یوتیوب را در رتبه ۳ در جهان قرار داده است. تعداد وبگاه هایی که به درگاه یوتیوب پیوند داده اند : ۶۸۶٬۱۵۹؛ در کشورهای اسلامی نظیر عربستان سعودی، پاکستان، مصر و

الجزایر تعداد بازدیدهای یوتیوب از آمریکا، که منبع انتشار آن است، نیز فراتر رفته است. هنگامی که از یوتیوب سخن می گوئیم باید قابلیت رشد هیولوار آن را در نظر بگیریم وبگاهی که در یک هفته در پایان جولای ۲۰۰۶ ، توانست خیرساز شود و تعداد کاربران خاصش را ۷۵ درصد ، یعنی از ۷٫۳ میلیون نفر به ۱۲٫۸ میلیون نفر افزایش دهد این تعداد را در ژانویه ۲۰۰۸ به ۱۱۶٫۷ میلیون (البرک ۲۰۰۸) و در نوامبر ۲۰۰۹ ، به ۱۲۹ میلیون نفر کاربر منحصر به فرد در سراسر جهان ارتقا بخشید.

کارکردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

افرادی که در محیط واقعی از ایجاد ارتباط با دیگران شرم دارند و یا بخش هایی از هویت و زندگی خود را به دلایل روانی یا اجتماعی مخفی نگاه می دارند، می توانند از وبگاههای شبکه سازی اجتماعی ما نند یوتیوب استفاده کنند و انتخاب نمایند چه دایره ای از افراد، چه طبقاتی از اطلاعات ایشان را دریافت نمایند.

خصوصیت فراگیری یوتیوب به عنوان عمده ترین راز موفقیت این وبگاه را می توان در ابهام و چندپارگی این وبگاه نیز جستجو کرد. اینکه از افراد خجالتی و مردم گریز تا بسیار اجتماعی، افراد جستجوگر اطلاعات یا کاربرانی که در پی سرگرمی و دوست‌یابی هستند، همه و همه می توانند در یوتیوب فعال باشند، به ابهام جاری در فضای یوتیوب هم وابسته است.

اما فراتر از آنچه ذکر شد، هنر یوتیوب در خلق صحنه‌ای است که به نظر می آید در آن تکثر آرا، عقاید و ایدئولوژی ها، حاکم است و کاربران آزادانه در آن به ابراز تبادل نظر می پردازند. این ویژگی یوتیوب از آن حیث مورد توجه است که یوتیوب را به عنوان سمبل یک عرصه مدرن مطرح می کند.

یوتیوب هرساله رقابتی را با عنوان « چالش ویدئویی دموکراسی » ترتیب می دهد که با همکاری و پشتیبانی سیزده نهاد و سازمان رسمی آمریکایی برگزار می شود.

یوتیوب در داخل آمریکا براساس منافع صاحبان قدرت نظیر آنچه ذکر شد، اعمال نفوذ می‌کند. این اعمال نفوذ در ارتباط میان آمریکا و دولت های دیگر نیز در یوتیوب قابل مشاهده است. از جمله، مداخله یوتیوب در اعمال قدرت آمریکا در روابط بین الملل، را می توان در بازنمایی روابط اسرائیل، متحد آمریکا و فلسطین بررسی کرد.

اسلام در یو تیوب

در جستجوی واژه «اسلام»، چندین ویدئو مانند«مسیحی ایونجلیست می گوید که چرا به اسلام گرویده است»،«چگونه انجیل مرا به سوی اسلام سوق داد» و… اختصاص به کسانی دارد که به اسلام ایمان آورده اند؛ یک انجولیست، یک

پهودی، یک نگهبان گوانتانامو و…

نمایش ویدئو هایی از افراد تازه مسلمان، که عموماً از متن آمریکا به اسلام گرویده اند، در یوتیوب می تواند تیغ دو لبه ای باشد که البته در متن کلی این فضا باید بررسی و درک شود. افراد تازه مسلمان که روایت اسلام آوردن آنها یوتیوب آمده است، از داخل آمریکا تغییر ایدئولوژیک خود را به جهانیان می رسانند.

تغییر مذهب به چند دلیل حائز اهمیت است.اول آنکه این مسلمانان برخاسته از جامعه ی سکولاری هستند که ادعای آن آزادی مذهب و بیان است. بنابراین نباید مانعی وجود داشته باشد که فرد با شناخت خود به تغییر مذهب دست بزند. وجود چنین افرادی که به دین جدیدی چون اسلام گرویده اند، خود گواهی بر این مدعاست که آزادی شهروندان آمریکایی در تفکر و انتخاب فردی سبک زندگی و آزادی بیان چنان که در بازنمایی دموکراسی نشان داده شد، تأمین است.

اما این سکه، روی دیگری نیز دارد و آن اینکه مبانی اسلامی و جمعیت مسلمانان، عوامل فعال شناخته شده در گفتمان غالب و پذیرفته شده بازنمایی نشده اند. گرویدن به اسلام برای مخاطب غربی به خصوص آمریکایی، می تواند پیام خطر هم باشد. او در تعریف مفاهیم مطلوبش مانند دموکراسی و حقوق بشر، اسلام و مسلمانان را مگر در نفی این مفاهیم در تیوب ندیده است. اما در بازنمایی ترور، تروریست‌ها برخاسته از کشور های اسلامی بوده اند و حتی در غالب طنز، مواجهه با فرهنگ غرب تا مرز انجام عملیات انتحاری از

سوی ایشان بازنمایی شده‌است.

خطر گرایش به اسلام و در کل اسلام، زمانی بیشتر برای مخاطبان جهانی، که ذهنشان تحت تأثیر گفتمان آمریکایی یوتیوب است، مشخص می شود که در توصیف و بازنمایی اسلام، دو برنامه از شبکه پی.بی.اس هم در معرفی اسلام در دسترس ایشان قرار می گیرد. این برنامه ها که با عنوان «امپراتوری ایمان» خوانده می شوند و به تاریخ اسلام می پردازند، توسط تهیه کننده و کارگردان غیر مسلمان آمریکایی تهیه شده اند. تصویر این ویدئو ها از بیابان های عربی و قبایل شترسوار گرفته تا پیشرفت های علمی دانشمندان مسلمان را به نمایش می گذارد. تصاویر غالب این ویدئو ها از پایتخت های اسلامی که گاهی با صدای اذان هم تلفیق می شود، تصویر شهری بدوی است که نوع پوشش و سبک زندگی امروز آن با قرن ها پیش عربستان تفاوت چندانی را در تصویر نشان نمی دهد.

این مجموعه ویدئو ها به چند دلیل دارای اهمیت هستند، اول، منبع ردایت و تولید دانش درباره اسلام، آمریکایی و غیر مسلمان است. او از درجه‌ی اعتباری برخوردار بوده است که روایت او از دید مخاطب جهانی پذیرفته شود ولو اینکه او متعلق به این گفتمان نباشد.



دوم این روایت‌های رسانه‌ای به طور دقیق همان گردش مفاهیم دموکراتیک را در سطوح ابتدایی دریافت ویدئو از سوی مخاطب حفظ می‌کنند. تصویر اسلام از ظهور در قبایل بادیه نشینتا پرورش دانشمند شیمیدان و پزشک پوشش داه شده‌است و این به مخاطب حس بی طرفی و عینی بودن نگاه سازندگان را القا می کند. اما، جنبه دیگری هم وجود دارد وان اینکه دنیای اسلام، در گفتمان غرب دیگری سازی می شود. اسلام مانند هر پدیده‌ی دیگری در آزمایشگاه غرب بررسی می شود و اصول و فرآیند تکامل و سبک مخاطب یوتیوب، به خصوص از نوع غربی، دیگری هم تصور نمی کند که سبک زندگی امروزیش را با اسلام درآمیزد.

ایران در یوتیوب

واژه «ایران» از دو منبع اصلی در یوتیوب بازنمایی می شود: ۱. رسانه های آمریکایی یا وابسته به آنها مانند سی.ان.ان،سی بی.اس،الجزیره انگلیسی،ام.ان.بی.سی. و ۲.گروه اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران.

از منبع شماره یک، بر نقاط خاصی در باز نمایی ایران تأکید شده است از جمله این نقاط می توان به شکاف میان مردم و نهادهای مدنی و دولت، شکاف مذهبی و قومیتی، استبداد حکومتی، غیر طبیعی بودن ادعاهای جمهوری اسلامی ایران و برانگیختن مردم داخل و دولت‌های خارجی علیه خود، اشاره کرد.

حال این پیشینه را به صدای افرادی بیافزاییم که ایرانی هستند، از ایران و کشور های مختلف و حامی جنبش سبز معرفی می‌کنند و صحنه‌های نمای نزدیک از رویان‌ها و سرنبدهای سبز آغشته به خون و صحنه‌هایی از این دست را هم به نمایش می گذارند. در برخی از این ویدئوها با مهارت موسیقی هایی

به کار گرفته شده است که حافظه تاریخی مردم به خصوص در غرب را نیز در گیر می کند.

ایران و دموکراسی در یوتیوب

ویدئو ه‌ای بازنمایی کننده ی دموکراسی در ایران در یوتیوب گویی اساساً بنا ندارند که شرایط و کیفیت دموکراسی را در ایران بررسی کنند یا به بوته نقد بکشند. بلکه ویدئوها برآند که نشان دهند که دموکراسی با توصیفی که از آن رفت، اصلاً در ایران وجود ندارد که مورد نقد قرار گیرد.

ایران و حقوق بشر در یوتیوب

مخاطب می تواند درنمایی ایران را به عنوان کشوری که شکاف میان شهروندان و حاکمیت و نبود دموکراسی بارزترین مشخصه آن است، به صورت مناقشه آمیز ببیند، آن را به صورت امپریالی ببیزید و یا آنها را از لحاظ ایدئولوژیک به چالش بکشد. فرض بر این گرفته می شود که باز نمایی دریافت شده از مفهوم دموکراسی در ایران از سوی مخاطب، مناقشه آمیز باشد و تردیدی در مخاطب وجود داشته باشد که بازنمایی وجود استبداد در ایران سیاه نمایی نظام حکومتی در ایران است. در این صورت، برساختن مفهوم کیفیت حقوق بشر در ایران به صورت بازنمایی شده در یوتیوب، دریافت تصویر ایران در ذهن مخاطب را به پذیرش آن تصویر سیاه سوق خواهد داد.

ایران در یوتیوب کشوری تصویر شده است که در آن به دلیل شکاف مردم و دولت برخلاف هنجار پذیرفته شده دولت-ملت این دو مرتب در مقابل یکدیگر قرار می گیرند. بنابراین صدای ایرانیان گروه اپوزسیون و اغلب مقیم خارج از کشور در یوتیوب صدایی غالب است. این شکاف به نحوی نمایش داده شده است که دولت ایران با ابزار شکنجه و سرکوب، مخالفانش را مهار می کند.

نظام قضایی ایران متهم شماره ی یک در ضایع کردن حقوق بشر در ایران معرفی می‌شود. ویدئوهایی مانند «حقوق بشر در ایران»، صحنه‌ی افراد اعدام شده و یا شلاق زدن بر محکومی که صحنه ی رقت باری را پدید آورده است، را در معرض نمایش می گذارند، که چنین احکام اسلامی را نقض آشکار حقوق بشر معرفی می کنند.

بنابراین یوتیوب به منزله‌ی رسانه اجتماعی کاربر محور، از وبگاه‌های مهمی است که آمریکا به چند دلیل می تواند بر پیش برد آن در ایران نظری مثبت داشته باشد، اول اینکه آمریکا می تواند با مفهوم سازی برای مخاطب ایرانی در یوتیوب او را تحت تأثیر قرار دهد و به سوی آمریکایی شدن سوق دهد و دوم اینکه کابران ایرانی فعال در یوتیوب که عمدتاً مقیم خارج از کشور و یا متعلق به گروه اپوزسیون هستند، با بارگذاری ویدئوها و گذاشتن یادداشت های مخالف نظام، ذهن مخاطبان خارجی را نیز مغشوش و تصویر ایران را تخریب می کنند و در آخر یوتیوب با اعتبار جهانی در لایه ی شهروندی کشور های گوناگون نفوذ دارد و آمریکا با شکل دادن تفکر سوء آنها نسبت به ایران، هماهنگی و همسویی جهانی را با سیاست‌های ضد ایرانی خود بر می انگیزد. حال با توجه به اینکه تغییر رژیم در ایران، سیاست اعلام شده از سوی دولت آمریکاست، یوتیوب می تواند جایگاه اعمال قدرت در سطح مدنی در جهت تحریک اذهان به سوی این هدف باشد. در دوران انتخابات سال۱۳۸۸ در ایران نیز یوتیوب نقش فعالی در شکل دادن اعتراضات و جنبش های اعتراض آمیز علیه نتایج انتخابات و همراهی جنبش سبز ایفا کرده است.

یوتیوب به منزله‌ی یک رسانه اجتماعی آمریکایی در «بازنمایی سیاه» از ایران و اندیشه اسلامی ایران، در مسیر رسانه های اسلام هراس، ایران هراس و شیعه هراس قرار می گیرد. بزرگترین مشخصه‌ی یوتیوب این است که باز نمایی مفهوم مورد نظر خود، مثلاً دموکراسی آمریکایی را با رویکرد ساخت گرایانه اعمال می کند. از سوی دیگر، محیط خود را محیطی خنثی و آزاد برای دیگران جلوه می دهد و طوری القا می کند که به دلیل کاربر محور بودن، آنچه بازنمایی می شود، آن چیز و آنگونه‌ای است که شهروندان جهانی می اندیشند. بنابراین، یوتیوب موفق شده است مقاومت کاربر را در دریافت خود از بازنمایی مفاهیم، حداقلی کند و احیاناً چنانچه زمینه دریافت «مناقشه آمیز» وجود داشته باشد، آن را مهار کند. طبق نظر جوزف نای، اعمال قدرت جذاب یا نرم یک کشور وابسته به این است که مفاهیم مورد نظر آن به هنجارهای بین الملل نزدیک باشد.

امپراتورهای فضای مجازی

قسمت پنجم/ توئیتر

توئیتر یک شبکه اجتماعی اینترنتی است که به کاربران خود این امکان را می دهد تا پیام هایی را با عنوان توئیتر به یکدیگر ارسال و دریافت کنند. توئیت ها، پست هایی متنی هستند که می توانند حداکثر ۱۴۰ حرف باشند و در صفحه پروفایل نویسنده، نمایش داده می شود و به مشترکان نویسنده متن، یعنی کسانی که در صفحه توئیتر فرد عضویت دارند و به آنها تعقیب کنندگان نیز گفته می شود، ارسال می شوند. تمام کاربران می توانند توئیت (پیام) خود را از طریق وبگاه توئیتر ،خدمت پیامک (اس.ام.اس) یا برنامه های خارجی (که توسط تلفن های هوشمند ایجاد و برنامه ریزی شده اند) ارسال و دریافت کنند.

این وبگاه تا کنون در سراسر جهان بیش از صد میلیون کاربر دارد.

وبگاه توئیتر، زمانی شکل گرفت که اعضای یک شرکت پادکستینگ برای ارتباط با یکدیگر به دنبال راهکاری بودند تا با عملکردی مشابه سامانه پیامک ،آنها را مرتباً در جریان رویدادهای مهمی که برای اعضای گروه اتفاق می افتد، قرار دهند. در حقیقت تلفن همراه و پیامک، ایده اصلی را در اختیار بنیان گذاران توئیتر گذاشت. نام توئیتر، که در اصل به معنی صدای چهچه زدن پرنده است، به این دلیل انتخاب شد که القا کننده جریان متناوب و ممتد اطلاعات است، جریانی که هدف اصلی سازندگان آن عنوان شده است. توئیتر اوج شهرت خود را ، با استفاده از آن در یک جشنواره اس.ایکس.اس. دابلیو کسب کرد. در این جشنواره، دست اندرکاران توئیتر با استفاده از دوصفحه پلاسمای شصت اینچی و قرار دادن آن در راهروی کنفرانس، نحوه کار آن را در معرض دید شرکت کنندگان قرار دادند. توئیتر در این جشنواره، برنده جایزه وب شد. در مارس ۲۰۱۰ ، توئیتر شاهد رشد ۱۵۰۰ درصدی در ثبت کاربر و پانصد درصد رشد در تعداد کارمندان بود. در ۱۳ آوریل ۲۰۱۰ ، توئیتر که به عدم استفاده از تبلیغات در وبگاه خود شهرت داشت ، اعلام کرد که برای استفاده از تبلیغات در وبگاه خود، برنامه هایی را در نظر گرفته است . این وبگاه اعلام کرد، شرکت ها به جای استفاده از تبلیغات سنتی ، می توانند با خرید « توئیت های ارتقا یافته » که قادرند برای هریک از کاربران به شکل خاص و با توجه به جستجوی آنها در وبگاه ، تبلیغات مشخصی را ارسال نمایند ، اقدام به تبلیغ محصولات خود کند ، این ایده در گوگل استفاده شده بود.

جک دروسی ، از بنیانگذاران توئیتر ، در یک وب کست در وبگاه یوتیوب عنوان کرد که « برتری سایت ما بر دیگر سایت های ارتباط اجتماعی در این است که مردم تشویق می شوند که کارهای معمولی خود را نیز به هم اطلاع دهند ، کاری که به دلیل ساختار سایر وبگاه ها، صورت نمی‌گیرد. به این ترتیب، شما می توانید لحظه به لحظه از یکدیگر مطلع باشید .»

محدودیت ایجاد شده در ارسال پیام در توئیتر به ۱۴۰ کلمه ، در واقع برای هماهنگی توئیتر با سامانه پیامک است که باعث ایجاد ویژگی های مشابهی ، نظیر استفاده از خلاصه نویسی و کلمات عامیانه ، در توئیتر شده است .

توئیتر دو نوع حساب کاربری را در اختیار کاربران خود قرار می دهد . در زمان ثبت حساب کاربری گزینه ای برای کاربر وجود دارد که براساس آن می تواند حساب کاربری ای را باز کند که در معرض دید همه قرار دارد و همینطور دومین حساب کاربری اینگونه است که کاربر می تواند حساب کاربری ای خصوصی داشته باشد.

توئیتر در بخش حریم خصوصی خود عنوان می کند که اطلاعات مربوط به کاربران خود را از طریق وبگاه های مختلف ، سامانه پیامک ، ای.بی.آی و سایر خدمات اینترنتی جمع آوری می کند . توئیتر در این بخش اعلام می کند که کاربران با عضویت در توئیتر موافقت می کنند که این وبگاه اطلاعات آنها را جمع آوری، منتقل، دستکاری، ذخیره یا افشا کند. کاربران باید بدانند که با استفاده از خدمات این وبگاه به توئیتر اجازه می دهند تا به جمع آوری و استفاده از اطلاعات و انتقال آنها به ایالات متحده یا سایر کشورها برای ذخیره ، پردازش و استفاده اقدام کند.

توئیتر همیشه حق دارد (اما مجبور نیست) هر نوع محتوا یا خدماتی را حذف کند ، یا جلوی انتشار آن را بگیرد یا حساب کاربری شخصی را ببندد.

آمار ترافیکی و مالی

توئیتر در ماه بیش از ۱۹۰ میلیون بازدیدکننده دارد .

در روز ۶۵ میلیون توئیت در این وبگاه تولید می شود .

تعداد بازدیدگندگان توئیتر بیش از تعداد کاربران آن است .

توئیتر ۸۳۶ میلیون بازدیدکننده از سراسر جهان دارد

۲۳٫۸ میلیون نفر از کاربران در ایالات متحده ساکن هستند

بیشتر اعضای توئیتر اصلا توئیت ارسال نمی کنند بلکه توئیت های ارسال شده توسط دیگران را می خوانند.

براساس آمار آلكسا ، توئیتر جزو پنجاه وبگاه پرمخاطب جهان است . با این حال ، تخمین تعداد کاربران روزانه توئیتر در روز متغیر است، چرا که شرکت ، تعداد کاربران فعال خود را اعلام نمی‌کند. براساس آمار منتشر شده در وبگاه آلكسا ، توئیتر رتبه یازده در جهان و نه در ایالات متحده را دارد.

در مجموع توئیتر بیش از ۵۷ میلیون دلار، از سرمایه گذاری ریسکی به دست آورده است . میزان دقیق سرمایه گذاری اعلام عمومی نشده است. میزان سرمایه گذاری در توئیتر در مرحله اول آن افشا نشده است، با این حال شایعاتی مبنی بر مبلغی از یک میلیون تا پنج میلیون دلار وجود داشته است.

استفاده در اقدامات (غیر؟) قانونی

در آوریل ۲۰۰۹ ماموران اف.بی.آی، فردی به نام دانیل نایت هیدن را به اتهام ارسال توئیت هایی که اقدام خشونت آمیز را در یک تجمع صنفی تشویق می‌کرد، دستگیر کردند.

استفاده از توئیتر در مواقع اضطراری : طی تحقیقی که مجله علم نوین در می ۲۰۰۸ منتشر کرد، استفاده از توئیتر به عنوان یکی از سامانه های سریع ارسال اطلاعات بسیار موثرتر از روش های سنتی نظیر وسایل ارتباط جمعی است. طبق این تحقیق استفاده از توئیتر در آتش سوزی اکتبر ۲۰۰۷ در کالیفرنیا باعث شد که به اصطلاح توئیتری هایی که دوست بودند بتوانند گزارش لحظه به لحظه ای را از وضعیت خود یا محل آتش سوزی در اختیار یکدیگر قرار دهند. صلیب سرخ ایالات متحده استفاده از توئیتر را برای ارسال گزارش لحظه به لحظه حادثه استفاده کرد. در زمان حادثه حمله تروریستی در بمبئی شاهدان عینی در حدود هشتاد توئیت در هر پنج ثانیه ارسال کردند. علاوه بر آن،

۵۱

۵۰

تاریخچه، اهداف و اصول کلی

در پاییز سال ۲۰۰۳، چند تن از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه هاروارد، به دنبال یک برنامه نویس وب بودند تا بتوانند ایده خود را برای ایجاد یک شبکه ارتباط اجتماعی بین دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه هاروارد عملی سازند .

مارک زوکربرگ که در آن زمان دانشجوی سال دوم بود، در ۲۸ اکتبر ۲۰۰۳ وبگاهی را به این منظور با عنوان فیس مش راه اندازی کرد .این وبگاه اولیه تنها چهار ساعت پس از آغاز فعالیت خود ۴۵۰ مراجعه کننده داشت و علاوه بر آن برای ۲۲۰۰۰ نفر از عکس های آن دیدن کردند . زوکربرگ عکس ها و اطلاعات استفاده شده در این وبگاه را با هک شبکه کامپیوتری هاروارد به دست آورد!

این وبگاه مبنایی برای فیس بوک شد. فیس مش به سرعت به گروه هایی دیگر فرستاده شد ،اما چند روز بعد ،توسط مدیریت هاروارد و به اتهام نقض امنیت، نادیده گرفتن حق نشر ونقض حریم خصوصی بسته شد و زوکربرگ نیز در معرض اخراج قرار گرفت ،اما در نهایت از اتهامات تبرئه شد.

در ژانویه ۲۰۰۴، زوکربرگ شروع به برنامه نویسی برای وبگاه جدیدی کرد که در فوریه آن سال و با نام فیس بوک وبه نشانی thefacebook.com راه اندازی شد.

عضویت در این وبگاه ،ابتدا محدود به دانشجویان هاروارد بود و در ماه اول



امپراتورهای فضای مجازی

قسمت ششم / فیس بوک

،بیش از نیمی از دانشجویان دوره کارشناسی هاروارد برای استفاده در آن ثبت نام کردند.

فیس بوک ،در تابستان ۲۰۰۴ به عنوان یک شرکت به ثبت رسید و شان پارکر که در گذشته به عنوان مشاور به زوکربرگ کمک می کرد ،ریاست آن را به عهده گرفت.

نام وبگاه ،برگرفته از کتابچه ای است که در آمریکا در ابتدای هر سال دانشگاهی ،توسط دانشکده داده می شود تا دانشجویان یکدیگر را بهتر بشناسند .

فیس بوک بیش از ۱۲۰۰ کارمند وبیش از ۴۰۰ میلیون کاربر فعال در سراسر جهان دارد.

محصول:

طراحی وجستجوی آسان در فیس بوک ،امکان دسترسی آسان به برنامه ها وفعالیت های اصلی وبگاه را برای کاربران فراهم می آورد .

فناوری:

فیس بوک یکی از پر ترافیک ترین وبگاه های پی.اچ.پی در سراسر دنیا است که هزاران پایگاه اطلاعاتی را اداره می کند .

اصول فیس بوک:

اصول عنوان شده در فیس بوک که در وبگاه آنها با همین عنوان ذکر شده به قرار زیر است :

هدف از راه اندازی فیس بوک ایجاد جهانی آزادتر و شفاف تر ودرک و ارتباط

بیشتر است .

فیس بوک، با ارتقای آزادی و شفافیت برای رسیدن به این هدف به افراد کمک می کند. دستیابی به این اهداف تنها می تواند از طریق محدودیت قانونی ،فناوری و هنجار های اجتماعی محدود شود .

مالکیت وکنترل اطلاعات:

افراد باید مالک اطلاعات خودباشند .آنها باید آزاد باشند، تا بتوانند اطلاعات خود را باهر کسی که می خواهند به اشتراک بگذارند و هر وقت که بخواهند این اطلاعات را از صفحه فیس بوک حذف کنند. وبا تعیین اطلاعات خصوصی ،کنترل گزینه ها ی مربوط به آنها، از این اطلاعات محافظت کنند .اگر چه فیس بوک نمی تواند نحوه استفاده از اطلاعات را پس از دریافت آن، به ویژه اگر خارج از فیس بوک باشد ،کنترل کند.

آمار بازدید فیس بوک

بیش از چهارصد میلیون کاربر فعال

۵۰ درصد از کاربران فعال آن، هر روز وارد وبگاه فیس بوک می شوند .

بیش از ۳۵ میلیون نفر هر روز وضعیت خود را روز آمد می کنند .

بیش از سه میلیارد عکس هر روز در وبگاه بارگذاری می شوند .

بیش از پنج میلیارد محتوا هر هفته با دیگران به اشتراک گذاشته می شود .

بیش از ۳٫۵ میلیون رویداد هر ماه به وجود می آید .

بیش از سه میلیون صفحه فعال در فیس بوک وجود دارد .

بیش از ۱٫۵ میلیون کسب وکار محلی در فیس بوک صفحه فعال دارند .

بیش از بیست میلیون نفر در روز طرفدار صفحات مختلف فیس بوک می شوند.

کاربران به طور متوسط ۱۳۰ نفر دوست دارند.

کاربران به طور متوسط هر هشت ماه درخواست به دوستان جدید می فرستند .

کاربران به طور متوسط هر روز ۵۵ دقیقه از وقت خود را صرف بازدید از فیس بوک می کنند.

کاربران به طور متوسط هر ۲۵ روز اظهار نظر روی هر یک از محتواهای فیس بوک میگذارند.

کاربران به طورمتوسط طرفدار چهار صفحه از فیس بوک می شوند.

کاربران به طور متوسط عضو سیزده گروه هستند .

بیش از هفتاد ترجمه در وبگاه وجود دارد.

بیش از ۷۰درصد کاربران فیس بوک خارج از ایالات متحده هستند.

بیش از ۳۰۰ هزار کاربر در ترجمه وبگاه از طریق برنامه ترجمه موجود در فیس بوک، کمک می کنند .

حدود یک میلیون برنامه نویس وکار آفرین از حدود ۱۸۰ کشور مشارکت دارند.

هر ماه بیش از ۷۰درصد ازکاربران فیس بوک از برنامه های کاربردی پلتفرم استفاده می کنند.

بیش از ۵۰۰ هزار برنامه در پلتفرم فیس بوک فعال است. بیش از ۲۵۰ برنامه فیس بوک ،در ماه یش از یک میلیون کاربر فعال دارد.

بیش از ۱۰۰میلیون کاربر فعال ،در حال حاضر از طریق دستگاه تلفن همراه خود به فیس بوک دسترسی دارند.

کسانی که از طریق تلفن همراه از فیس بوک استفاده می کنند ،دوبرابر بیش از دیگران فعال هستند .

بیش از ۲۰۰ اپراتور تلفن همراه در ۶۰ کشور در حال گسترش و ارتقای محصولات خود برای استفاده از فیس بوک هستند.

دهد (زوکربرگ۱۹۸۶).

بخش دیگری از هویت چیزی است «که دیگران ما را با آنها می شناسند(آلتیدو،۲:۲۰۰۰).

بنابر این هویت سازی روندی عمومی است که مستلزم «اظهار هویت»توسط فرد و«هویت دهی»توسط سایرین است.

هویت افراد زمانی به وجود می آید که بین هویت اظهار شده توسط فرد وهویت اعطا شده از سوی دیگران تطابق وجود داشته باشد.در روابط رودر رو ،هویت افراد باتوجه به محدودیت هایی شکل میگیرد.

برای مثال ،افراد نمی توانند ویژگی ها وخصوصیات فیزیکی را به خود نسبت دهند،که در آنها وجود ندارد (برای مثال جنسیت ،نژاد ،ظاهر) یا برای تأثیری گذاری بر سایرین ،ادعا کنند از برخی ازشرایط اجتماعی برخوردار نیستند .

بااین حال، اینترنت شرایط سنتی هویت سازی را تغییر داده است.از آنجایی که افراد در ارتباط اینترنتی حضور فیزیکی ندارند، این امکان برای آنها وجود دارد تا از طریق آن هویتی را برای خود به وجود بیاوردند که با این ویژگی حقیقی آنها تفاوت دارد.

فیس بوک یکی از برجسته ترین وبگاه ها در محیط مجازی است و اهمیت آن از آنجا ناشی می شود که قاعدتا افراد در آن از هویت و نام واقعی خود استفاده می کنند.

استفاده از این وبگاه برای عموم رایگان است و از طریق فعالیت های تبلیغاتی برای خود در آمد کسب می کند همچنین اطلاعات موجود در این وبگاه تنها در دسترس افرادی است که عضو فیس بوک هستند؛مگر اینکه کاربر در تنظیمات خود اجازه ملاحظه آن را به تمام افراد بدهند.

شروط خاص برای کاربران خارج از ایالات متحده

در این بخش، فیس بوک هدف خود را برای ایجاد یک جامعه جهانی، همراه با استاندارد های یکسان برای همگان مطرح می کند؛ سپس شرایط خود را برای کاربران خارج از ایالات متحده بیان میکند، که به موجب آنها:

کاربر توافق می کند اطلاعات شخصی اش به ایالات متحده منتقل ودر آنجا پردازش شود.

در صورت سکونت در منطقه ای که توسط ایالات متحده تحریم شده است یا در فهرست خزانه داری ایالات متحده به عنوان کشور خاص مشخص شده باشد، متعهد می شود که در فعالیت های اقتصادی فیس بوک (نظیر تبلیغات ها و یا پرداخت ها) شرکت نکند، یا برنامه، پلتفرم یا وبگاهی را راه اندازی نکند. همین جا لازم است که به سیاست یکپارچه سازی فرهنگی ،در قالب ساختارها و محتواها و به تبع آن اشکال و رفتار ها دنبال می شود، روشن میگردد که فیس بوک در مسیر سیاست های کلان سیاسی و فرهنگی و حتی اقتصادی دولت آمریکا قدم بر می دارد و مفروض گرفتن استقلال فیس بوک امری ساده انگارانه است.

با وجود اینکه فیس بوک این امکان را فراهم کرده است که افراد دوستان جدیدی از این طریق پیدا کنند، اما عنفر از ۱۰ کاربر، تمایل چندانی برای این کار ندارند. علت آن عدم اطمینان به افراد و عدم شناخت صحیح آنها عنوان شده است.

بخش عمده ای از کاربران آن طور که در مصاحبه های خود عنوان کردند، از فیس بوک بیشتر برای حفظ ارتباط با دوستان فعلی یا برقراری رابطه با دوستان و همکلاسی های گذشته استفاده می کنند .

اکثر آنها اعتقادداشتند که به طور کلی فضای مجازی و مخصوصا فیس بوک نمی تواند مکان مناسبی برای ایجاد رابطه جدید باشد، چرا که اعتماد به دیگران تنها از طریق این وبگاه منجر به برقراری رابطه سطحی وگه گاه مشکل آفرین می شود.

یکی دیگر از کارکردهای فیس بوک، آشنایی با همفکران است که بیشتر در قالب عضویت در گروه های خاص به وجود می آید. در فیس بوک همان طور که قبلا ذکر شد، گروه های مختلفی در حال فعالیت هستند که می توان به گرو ههای سیاسی، مذهبی، علمی یا علاقمندان به افراد یا موسیقی خاص اشاره

۵۵

خبرنامه دانشجویان ایران

گروه آموزشی رسانه

وبسایت

کرد. بسیاری از کاربران ایرانی برحسب علاقه خود به این گروه ها در آمده اند. عضویت گروه های اسلامی سیاسی نظیر «حمایت از مردم غزه» اسلامی نظیر «یک میلیون مسلمان در فیس بوک» یا گروه های سیاسی مانند «مخالفت با حق وتو» و...در آمده اند. برخی دیگر از آنها طرفدار گروه های موسیقی خاص یا افراد خاص اند.

با این حال یکی از کاربران عنوان کرده است که فعالیت هر گروهی در فیس بوک آن طور که به نظر می رسد، آزاد نیست. یکی از مصاحبه شوندگان اطلاعات جالبی را در این زمینه عنوان کرد.

در فیس بوک گزینه ای وجود دارد که کاربر این امکان را می دهد تا اگر نسبت به محتوای خاص یا صفحه خاصی اعتراض دارد، آن را به گروه فیس بوک گزارش دهد تا صفحه یا مطلب مورد نظر بسته شود.

او گفت که چند هفته پیش، نسبت به صفحه مجاهدین خلق در فیس بوک اعتراض کرده است. این سازمان جنایات بسیاری در ایران و بر ضد مردم این کشور انجام داده است. این سازمان اخیرا توسط وزارت خارجه ایالات متحده، به دلیل کشتن سربازان آمریکایی در عراق به عنوان گروهی تروریستی شناخته شد. او ضمن ارسالی پیامی برای فیس بوک از آنها خواسته بود که صفحه این گروه بسته شود. با این حال فیس بوک اقدامی در این زمینه انجام نداد. این در حالی است که به گفته او، یکی از دوستانش گروهی را برای حمایت از حزب الله لبنان در فیس بوک به وجود آورده بود که بلا فاصله پس از باز شدن،بسته شد. به عقیده او، فیس بوک گروه هایی را که به اسلام یا گروه های اسلامی توهین می کنند،نمی بندد و در این مورد سیاست دو گانه ای را پیش می گیرد. با توجه به سیاست فیس بوک (آن طور که این وبگاه در مورد خود اظهار می کند) در مورد کاربران خود و این که اگر کاربران مطلب خاصی را گزارش دهند،آن صفحه بسته خواهد شد، به نظر می رسد شاید فعالیت های گروه ها ی مخالف (برای مثال مخالف حزب الله یا مخالف مجاهدین) بیش از فعالیت گروه ها یا افرادی نظیر این کاربر بوده است وبه همین دلیل که برخی صفحات بلا فاصله بسته می شوند و برخی دیگر همچنان به فعالیت خود ادامه می دهند؛ یعنی تعداد گزار ش هایی که افراد مخالف با حزب الله به فیس بوک می دهند، بسیار بیشتر از گزارش هایی است که افراد مخالف با سازمان مجاهدین به این وبگاه می دهند. به عقیده این کاربر، در حقیقت این چنین نیست وسیاستی از بالا این محتوا ها را کنترل می کند.

مثال دیگری که می توان در این مورد به آن اشاره کرد ،تشکیل گروهی به نام جنبش سبز علوی بود که در مقابل صفحات گروه جنبش سبز در فیس بوک به وجود آمد و این صفحه نیز توسط فیس بوک بسته شد. به عقیده این فرد تأثیر گذاری واطمینان کاربران به فیس بوک، این است که در ظاهر سیاست باز و آزاد و برابری را برای اطمینان کاربران خود قرار داده است، اما در اصل رفتار متفاوت و دو گانه ای را در پیش گرفته است.

از مصاحبه شوندگان پرسیده شد که آیا در موقع استفاده از فیس بوک مسائل وملاحظات خاصی را رعایت می کنند و آیا رفتار آن ها در فیس بوک با رفتار آن ها در خارج از آن، متفاوت است یا خیر. مصاحبه شوندگان تقریبا از لحاظ مذهبی (متظور رعایت ظاهر دینی وتشرع است) طیف های مختلفی را برداشته اند. این افراد عموما عنوان کرده اند که رفتار آنها در فیس بوک، تفاوت چندانی با رفتار آنها، در خارج آن ندارد. برای مثال آن دسته از کاربرانی که در محیط فیزیکی برخی مسائل را چندان رعایت نمی کنند، در محیط فیس بوک نیز همان طور رفتار می کنند. آن دسته از کسانی که در محیط فیزیکی ملاحظاتی دارند، در محیط مجازی هم نیز همان طور هستند.

یکی از موضوعات جالب توجه در این مورد مسئله رعایت حجاب در فیس بوک توسط کاربران خانم در ایران است. بسیاری از کسانی که عضو فیس بوک هستند، از عکس های با حجاب خود در پروفایل یا آلبومشان استفاده می کنند و ظاهر آن ها در فیس بوک تفاوتی با ظاهرشان در بیرون ندارد.این موضوع در مورد تصاویری که این افراد از اعضای خانواده خود در فیس بوک قرار می دهند هم صدق می کند. باین حال، برخی از افراد در مورد استفاده از عکس های بی حجاب خود در فیس بوک ملاحظات شرعی ندارند. این افراد اظهار

میکند که علت استفاده آنها از عکشان با حجاب، معذوریت های اجتماعی است. برای مثال، آنها دلیل حفظ حجاب در صفحه نمایه شان را جلوگیری از ایجاد مشکل در محل کار و تحصیل می دانند. چرا که، به هر حال حجاب هنجار جامعه ایران می دانند. برخی هم گفته اند برایشان مهم نیست که کسی آن ها را بدون حجاب ببیند.

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان عنوان کرد که، با وجود اینکه در مورد رعایت حجاب اسلامی خیلی مقید وممکن است تنها به روسری گذاشتن اکتفا کند، اما در محیط مجازی همیشه از عکسی استفاده می کند که در آن روسری دارد، چرا که نمی خواهد این تصور به وجود آید که حجاب او از سر اجبار بوده است. با این حال، به نظر می رسد برخی از کاربران در محیط فیس بوک احساس امنیت و صمیمیت می کنند و چنین تصور می کنند که این وبگاه فضای خصوصی تری را نسبت به دیگر محیط های مجازی به وجود آورده است و در آن می توانند از تصاویر شخصی تر خود استفاده کنند.

کاربران در پاسخ به این سوال که آیا از فیس بوک ایرانی استقبال خواهند کرد یا خیر، پاسخ ها ی متفاوتی ارائه دادند. یکی از مصاحبه شوندگان گفت که از فیس بوک ایرانی استفاده خواهد کرد، اما فیس بوک فعلی خود را نیز فعال می دارند، چرا که فیس بوک فعلی او مخاطبین خارجی و اکثرا انگلیسی زبان دارد و نمی خواهد آنها را از دست بدهد. یکی دیگر از مصاحبه شوندگان بیان داشت که با این که چنین تصور می کند که فیس بوک ایرانی توسط افراد خاص و قشر مشخصی به وجود می آید و احتمالا نظارت وکنترل هایی در آن انجام می گیرد، با این حال از فیس بوک ایرانی استقبال می کند، چرا که می خواهد دیدگاه ها و نظرات خود را در محیطی متفاوت بیان دارد تا احیانا تأثیرگذار باشد و هم میزان آزادی در این فضاها را بسنجد و با نمونه خارجی آن مقایسه کند. با این حال، این افراد عنوان کردند که معمولا وبگاه هایی که توسط ایرانی ها به وجود می آید با مشکلات فنی بسیاری همراه است که همین مشکلات از جذابیت آن می کاهد. این در حالی است که وبگاه فیس بوک با این که در ایران مسدود است و دسترسی به آن نیز از طریق اینترنت پر سرعت امکان پذیر است، بازهم به دلیل کیفیت مطلوب فنی، جذابیت خود را برای مخاطب خود حفظ می کند. برخی دیگر از مصاحبه شوندگان دیدگاه متفاوتی را بیان داشتند. به عقیده آنها، اگر وبگاهی نظیر فیس بوک در ایران به وجود بیاید، استقبال چندانی از آن نخواهند کرد. دلیل این افراد، عدم اطمینان به چنین وبگاهی بیان شده است. به عقیده آنها تأسیس این وبگاه در ایران احتمالا جنبه نظارتی وکنترلی بر روابط، رفتار ها وگرایشات سیاسی آن ها دارد. یکی دیگر از مصاحبه شوندگان عنوان کرد تأسیس این نوع وبگاه در ایران با موفقیت چندانی رو به رو نخواهد شد، چرا که تقلیدی اند ومعمولا کار های تقلیدی ضعیف هستند و تا وقتی که فیس بوک وجود دارد و این افراد می توانند از آن استفاده کنند، سراغ چنین وبگاه هایی نمی روند. برخی از مصاحبه شوندگان نیز گفتند که بر خلاف تصور رایج در مورد محیط ناسالم فضاهای مجازی خارجی، محیط مجازی که در ایران تأسیس می شود، فضای ناسالم تری دارد و در بسیاری از موارد کسانی که در این محیط ها فعالیت می کنند به دنبال رابطه با جنس مخالف و سایر فعالیت هایی از این دست هستند. یکی از مصاحبه شوندگان نیز بیان کرد که در صورت تأسیس وبگاهی نظیر فیس بوک در ایران وی به فرزندان نوجوان خود اجازه عضویت در آن را خواهد داد، چرا که قاعدتا در چنین فضایی قوانین و حدود جمهوری اسلامی ایران رعایت خواهد شد و محیط مناسب تری را برای فعالیت نوجوانان به وجود خواهد آورد. از اتفاقاتی که در آخرین روزهای این تحقیق افتاده است، تأسیس صفحه ای در فیس بوک بود که ۲۰ می را برای به تصویر کشیدن کاریکاتور پیامبر اسلام(ص)اعلام و مخاطبین و طرفداران خود را تشویق به این کار میکرد. تا روز ۱۹ می، این صفحه فیس بوک بیش از چهل هزار نفر طرفدار داشت. با وجود اعتراض شدید وگسترده مسلمانان عضو فیس بوک از کشور های مختلف نسبت به این صفحه وگزارش آن توسط این افراد، فیس بوک اقدامی برای بستن این صفحه انجام نداد. مسلمانان عضو فیس بوک، گروه هایی را برای اعتراض نسبت به این صفحه تشکیل دادند و استفاده از فیس بوک را بایکوت کردند. برخی معترضان نیز عکس پروفایل



نقش صهیونیست در رسانه

بدبختی ما می دانند- ولی همین تفرقه است که سبب به دست آوردن زمام حکومت جهان شده است.»

آنچه مسلم است اینکه، محافل صهیونیستی سلطه خطرناکی بر وسایل ارتباط جمعی و تبلیغی جهانی از جمله در ایالات متحده آمریکا دارند که«از دیدگاه روابط عمومی و روان شناسی جامعه، اذهان عمومی را به نفع صهیونیستها اشباع کردهبه طوری که ماشین مهیب صهیونیسم با دسیسه و فریب به بمباران افکار عمومی» می پردازند.چرا که صهیونیسم جهانی به قدری در این مسیر سرمایه گذاری کرده که به ادعای یک نشریه آمریکا فقط در شهر واشینگتون سرمایه داران صهیونیسم هرساله دهها میلیون دلارپول صرف تبلیغات خبری می نمایند.

گرچه انقلاب اسلامی ایران به رهبری خردمندانه حضرت امام خمینی«ره» به تبعات ناشی از این خطر پی برد و حداقل این توطئه را درایران اسلامی خنثی کرده و با تشکیل نظام جمهوری اسلامی،سد عظیمی در برابر این سیل بنیان کن به وجود آورد.

اما صهیونیسم جهانی که دارنده و راه برنده دسیسه های شیطانی و توطئه جهانی است صدها راه حيله و تزویر برای رخنه دراین سد را می داند.لذا تلاش های خود را دو چندان کرده تا دیگر کشورهای اسلامی و ملل مسلمان منطقه را از گرایش به سمت انقلاب اسلامی ایران در برابر برنامه های توسعه طلبانه امپریالیسم و صهیونیسم باز دارد.

به همین دلیل بر ملل مسلمان جهان و همه مردم آزادی خواه جهان است ،بیدار و هشیارانه باشند و به اصل هویت اربابان رسانه های جهان به ابزاری که برای اجرای برنامه سیطره فکری به کار می برند پی ببرند تا از خطر کمین کرده صهیونیسم جهانی درامان باشند و از ضربات احتمالی جبران ناپذیر آن جلوگیری کنند.این شناخت ممکن است انسان را به فهم ودرک هدفی که صهیونیسم جهانی از انجام این کار دارد به ویژه نسبت به جهان اسلام انجام می دهد رهنمون سازد.

بدون شک شناخت این دشمن غدار بشریت وشیطانی مکار،درهمه ابعاد وجودش،برای هر کس که نسبت به جامعه و تاریخ خود احساس مسئولیت می کند ویا به اسلام وانقلاب اسلامی اعتقاد دارد نه تنها لازم بلکه واجب است. به

صهیونیسم جهانی تلاش گسترده ای را از اوایل قرن بیستم به ویژه از دهه های پیشین برای سیطره بر رسانه های گروهی جهان آغاز کرده و از طریق آنها از کوچکترین فرصت برای تحقیق انسانها، صید اندیشه های علمی و ضربه آوردن به عقاید غیر یهودی به ویژه اسلامی، ونیز فروریختن اصول و مبانی جوامع جهانی،عقاید دینی،اسلوب های اخلاقی و انسانی،بی قید کردن جوامع بشری از اصول و افزایش لذات و شهوت های نامشروع به منظور سستی و تحلیل رفتن افکار که نتایج آن سیطره سهل تر بر جهان است بهره گرفته است.

صهیونیست ها با بهره گیری از رسانه ها و به کارگیری گسترده فناوری اطلاع رسانی، آن چنان به دروغ پردازی دست زدند و وقایع تاریخی را به نفع خود وارونه جلوه دادند که گویا هیچ گونه دروغ و پوچی در آنها وجود ندارد.آنها برای به بندی کشاندن ملل اسلامی،به ویژه جوانان این کشورها را با سیستم های رسانه ای به شکل مجانی و بدون هزینه، بنده لذات و شهوات زودگذر می کنند،زیرا این سقوط اخلاقی وانسانی یکی از بهترین وآسان ترین راه برای سیطره و به بندی کشاندن ملت ها به شمار می رود.

آنها با بهره گیری از انواع ترفندها و برخوردهای دوگانه، اقدام به پوچ گرایی و در نهایت متلاشی کردن جوامع به ویژه جهان اسلام از داخل می کنند.روشی که می توان از آن به عنوان خطر فروپاشی تدریجی یا مرگ خاموش جهان اسلام از آن یاد کرد خطر یک فاجعه عظیم و توطئه بسیار خطرناک صهیونیسم، با کمک همه ایادی و عوامل خویش از طریق محافل، ابزارها، امکانات و وسایل ارتباط جمعی- که در متن کتاب به آنها اشاره شد- آن را طراحی کرده و در سراسر گیتی به اجرا درآورده است.

۱۷این خطر مهم که هم اکنون در پیش روی ملت های جهان قرار گرفته،گسترش ریشه های پنهانی این حکومت زیرزمینی جهانی،از اروپا و آمریکا وسایر قاره های جهان است که توسط یهودیان پراکنده در نقاط مختلف جهان به اجرا در آمده است.صهیونیسم جهانی این موضوع را نقطه مثبت خود تلقی می کند.به همین لحاظ در پروتکل شماره ۱۱دانشوران صهیون آمده است:

«...یکی از نعمت هایی که خداوند به یهود عطا فرموده این است که آنها در چهارگوشه جهان متفرق ساخته است- گرچه دیگران آن را از اسباب ضعف و



ویژه اینکه صهیونیسم جهانی،بیشترین عناد ودشمنی را با اسلام و قرآن دارد. «لتجدن اشد الناس عداوه للذین امنوا الیهود والذین اشروا.» (ایه۲۸سوره مائده) سرسخت ترین دشمنان برای مومنین،یهودیان ومشرکان هستند.

شبکه های تلویزیونی

اگر بگویم اهمیت تلویزیون از سینما حتی از خبرگزاریهای بین المللی در اجرای دسیسه های شیطانی صهیونیسم بیشتر نیست حتما کمتر هم نمی باشد. این اهمیت به دلیل تأثیری است که این جعبه ی جادویی بر افکار عمومی بینندگان خود دارد.این رسانه در حال حاضر به دلیل راه یابی به تمام خانه ها مهم ترین کانال ارتباط با مردم است.به همین لحاظ صهیونیسم جهانی د ر راستای اجرای اهداف و دسیسه های شیطانی خودتلاش کرده تا به هرنحو ممکن از این ابزار به نحو مطلوب استفاده کند و بر شبکه های تلویزیونی جهان به ویژه شبکه های تلویزیونی غرب سیطره یابد.

بحث در مورد تسلط و سیطره صهیونیسم جهانی برشبکه های تلویزیونی جهان به ویژه غرب را از برات مردوخ این غول رسانه های جهان شروع میکنیم:
«رابرت مردوخ در اواسط دهه ی ۱۹۶۰ سهام برخی شرکتهای تلویزیونی را دراسترالیا خرید تا بتواند زلاندنو و هنگ کنگ را تحت پوشش خبری و برنامه های تلوزیونی خود قرار دهد.

دراوایل دهه ی ۱۹۸۰ نیز شبکه های تلوزیونی بیشتری را در استرالیا خریداری کردوی پس از شروع به خریداری شبکه های تلویزیونی درغرب کرد و در دهه ی ۱۹۸۰ علاوه بر شرکتی که مالکیت مطلق آن را در دست داشت دست کم ۳۰شرکت جدید،پراکنده بین الملل خرید و خدمات رسانی شبکه تلوزیونی آسمان(Sky)را آغاز کردکه براساس برنامه ریزی وی این شبکه می یابست هسته ی اولیه یک شبکه تلوزیونی بین المللی در سرتاسر جهان باشد.مردوخ همچنین گروه سه شرکت آمریکایی به نام تراینگل(Triangle) که مالک شبکه تلویزیونی گاید(Guide) بود را خریداری و آنها را درهم ادغام کرد و همه را به عنوان چهارمین شبکه ملی تلوزیونی یعنی شبکه فاکس(Fox) درآورد»این شبکه به زودی توانست به بزرگترین شبکه تلوزیونی جهان تبدیل

شود وحتى شبکه های عمده اصلی آمریکا همچون C.N.N،A.B.C.N.B.C راپشت سرگذاشتند و به عنوان یک شبکه مهم تلویزیونی جهانی درآید.این شبکه تلویزیونی در جریان لشکرکشی آمریکا به عراق در سال۲۰۰۳میلادی که منجر به اشغال این کشور شد نقش مهمی را در ارائه خبر و گزارش های سانسور شده ی مقامات نظامی آمریکا از جنگ به جهانیان ایفا کرد.

عمده ترین کشورهای غربی که صهیونیسم جهانی بر شبکه های تلویزیونی آنها سیطره دارند عبارتند از:

شبکه تلویزیونی آمریکا

وقتی سخن از تلویزیون است، ناگریز با این واقعیت روبه رو هستیم که آمریکا دارای قویترین شبکه های تلویزیونی جهان است.اما در میان شبکه های تلویزیونی جهان به ویژه غرب، صهیونیسم جهانی سلطه ی نسبتا کاملی برشبکه های تلویزیونی آمریکا و به طور کامل این شبکه ها را در اختیار و تحت سیطره خود قرار داده است. «در آمریکا، در حدود ۱۱۰۰ شبکه تلویزیونی و ۷۲۰۰شبکه رادیویی وجود دارد.در این کشور، سه شبکه ی تلویزیونی ای،بی،سی،(A.B.C)، سی،بی،اس،(C.B.S) و ان،بی،سی، (N.B.C) مشهورترین شبکه های تلویزیونی جهان به شمار می آیند.»این سه شبکه را نمی توان مستقل نامید. این سه شبکه اگرچه درحال حاضر مالکانی یهودی ندارند، اما در هنگام راه اندازی، این یهودیان بودند که نقش اصلی را برعهده داشتند.مثلاABC به وسیله لئوناردگلدسون، شبکه NBCدر ابتدا به وسیله ویلیام پالی و سپس به وسیله ی لورنس تیشن که همگی یهودی بودند، آغاز به کار کرد.شبکه های تلویزیونیC.B.S در سال۱۹۸۵ توسط تونزئر راه اندازی شد. وی هرچند یهودی نیست ولی هرگز موضعی ضد منافع یهودیان اتخاذ نکرده است.این شبکه درسال۱۹۹۹ تحت تملک یهودیان درآمد و در راس مدیریت آن یک یهودی به نام ملوین ای کارمازین قرارگرفت.

اگرچه در حال حاضر یهودیان،کمتر در راس این شبکه ها هستند.اما بدنه کارکنان این سه شبکه اساسا یهودی گرایان هستند.حضور یهودیت در اخبار تلویزیون آمریکا همچنان قوی است.افزون بر سه شبکه های تلویزیونی یاد شده، شرکت واشگتون پست که سهام عمده دهها روزنامه ،مجله و



نشریه را دراختیار دارد، چند شبکه تلویزیونی دارد از جمله تلویزیونهای این شرکت که در هفت میلیون خانه در آمریکا بیننده دارد عبارتند از: شبکه های تلویزیونیWDIVدردیترویت،KRRC در هوستون،WPLG در میامی،WKMGدر اورلاندو،WJXTدر جکسون ویل.شبکه های تلویزیون کابلی این شرکت نیز در آمریکا ۶۳۵هزار خریدار دارد.

در آمریکا چندین مجتمع رسانه ای بزرگ وجود دارد که هر کدام در کنار فعالیت های رسانه ای، چندین شبکه تلویزیونی دارند.اولین و بزرگترین مجتمع رسانه ای آمریکا در حال حاضر، آیول تایم وارنر است.این مجتمع هنگامی ایجاد شد که AOL شرکت تایم وارنر را در سال ۲۰۰۰میلادی به مبلغ ۱۶۰میلیارد دلار خریداری کرد. در ابتدا در این مجتمع رسانه ای-مخابراتی استیوکیس غیر یهودی به عنوان رئیس شرکتAOL و جراللد لون رئیس شرکت تایم وارنر به عنوان رئیس هیئت مدیری با یکدیگر همکاری داشتند.

اگرچه AOL-TW کاملا در اختیار یهودیان نبود،اما تاثیر همکاری ادغام رهبری یک سرمایه دار سفید پوست که بزرگترین و اصلی ترین دغدغه اش پول است و یک یهودی نژاد پرست،به تدریج حوزه نفوذ یهودیان را در AOL افزایش داد.استیوکیس زمانی که جراللد لون شروع به استخدام یهودیان برای تصدی پست های کلیدیAOLکرد، ابراز نارضایتی و اعتراض نکرد، چرا که حوزه دارایی و مالکیت وی متأثر از روند استخدام یهودیان نبود.با مرگ کیس،یهودیان کنترل AOL را به طور کامل در اختیار گرفتند.بیش از ادغام،AOL بزرگترین شرکت فراهم کننده خدمات اینترنت در آمریکا بود. شرکت با درآمد۱۳میلیارد دلاری که در سال۱۹۹۷ داشت،دومین شرکت تایم وارنر رسانه ای بین المللی پیش از خریداری شدن به وسیلهADOLبود.

لوئین رئیس تایم وارنر سیستم های پخش ترنر را در سال ۱۹۹۶از تدرنتر که یکی از معدود کارآفرینان غیر یهودی آمریکا در عرصه تجارت رسانه ای است، خریداری کرد.ترنر،پس از لون مرد شماره ۲ مجتمع AOL-TW به شمار می رود.

زمانی که تدرنر غیر یهودی و مستقل در عرصه رسانه ای کنترل شبکه CBS را در سال ۱۹۸۵ به دست آورد،باچندوچون کار رسانه ای در سطحی ملی آشنا نبود،اما کم کم موفق شد در عرصه تبلیغات رسانه ای موفق ظاهر شود. پس از آن بود که شبکه تلویزیونی CNN را با ۷۰ میلیون عضو راه اندازی کرد.این شبکه یکی از برترین شبکه های تلویزیونی جهان است.ترنر تعدادی از یهودیان را در مناصب اجرایی کلیدی CNN گمارده است و هرگز موضعی آشکارا ضد منافع یهودیان اتخاذ نکرده است.

دومین مجتمع بزرگ رسانه ای آمریکا که در سال ۱۹۹۷،حدود۳۳میلیارد دلار درآمد داشته شرکت والت دیسنی است.رئیس این شرکت مایکل آیزنر یهودی است. امپراتوری دیسنی با دراختیار داشتن شبکه های مختلف رادیو-تلویزیونی بیش از ۱۰۰میلیون عضو دارد. مجتمع رسانه ای والت دیسنی،۲۲۵ ایستگاه

وابسته در آمریکا دارد و چندین شرکت تلویزیونی اروپایی متعلق به این مجتمع هستند.

سومین مجتمع بزرگ رسانه ای آمریکا ویاکوم است که درسال۱۹۹۷،۱۳میلیارد دلار درآمد داشت.رئیس این مجتمع سامنر رdstون است. ویاکوم، تولید و توزیع کننده برنامه های تلویزیونی برای بزرگترین شرکت های آمریکایی است و خود ۱۳ایستگاه تلویزیونی و۱۳ایستگاه رادیویی دراختیار دارد. رdstون در دسامبر۱۹۹۹توانست شبکهCBS را نیز از آن خود کند.وی مدیر عامل CBS را یک یهودی با نام ملوین ای کارمازین قرارداد. وی رئیس و بزرگترین سهام دار شرکتی است که مالک شبکه تلویزیونی CBS،۱۴ایستگاه تلویزیونی،۱۶۰ایستگاه رادیویی و تلویزیون موسیقی کشور و شبکه های کابلی ناشویل می باشد.

شرکت خبری رابرت مردوخ که شبکه های تلوزیونی،fox films،fox ۲۰۰۰ را در اختیار دارد،پنجمین شرکت مهم رسانه ای آمریکا است که در سال ۱۹۹۷،درآمد آن ۱۱میلیارد دلار بوده است.

گفته می شود مردوخ یک استرالیایی غیر یهودی است، اما پیتر چرنین،رئیس گروهFoxیک یهودی است.لورا زیکسین نیز زنی یهودی است که تحت نظر چرنین،ریاست fox films را برعهده دارد.پیتر روث یهودی نیز مدیر بخش سرگرمی های گروهFoxاست.در آمریکا بسیاری از شبکه های تلویزیونی که تحت مالکیت شرکتهای بزرگ رسانه ای نیستند نیز تحت کنترل یهودیان هستند.

شبکه های تلویزیونی فرانسه

سلطه صهیونیسم علاوه بر شبکه های تلویزیونی آمریکا و انگلیس به شبکه های تلویزیونی و رادیویی فرانسه نیز رسید و صهیونیسم به گونه ای واضح و آشکار دراین شبکه ها نفوذ پیدا کرد.تلویزیون فرانسه تاکنون برنامه های سیاسی و زنده ونیز سریال های تلویزیونی بسیاری پخش کرده که در آنها علنا صهیونیسم ترویج می شد.به عنوان نمونه هنگامی که فرانسوا میتران رئیس جمهور اسبق فرانسه از فلسطین اشغالی دیدار کرد، تبلیغات صهیونیستی در تلویزیون فرانسه دامنه گسترده تری یافت.شبکه های تلویزیونی فرانسه عمدتا در پخش فیلم ها و برنامه های تلویزیونی خود،رژیم صهیونیستی را مظهر شجاعت قهرمانی قلمداد کرده،در حالی که اعراب به صورت زشت و شنیع یاد نموده اندر.

شبکه های تلوزیونی انگلیس

در کشور انگلیس نیز شرکت بزرگ تهیه برنامه های تلویزیونی به نام شرکت گرانداد،در تمسک سیرنی برنشتاین یهودی است.همین شخص،اینگرید برگمن ستاره مشهور سینما را متقاعد کرد که نقش گلدا مایر نخست وزیر اسبق اسرائیل را بازی کند.در این سریال که زنی به نام گلدا نام داشت،گلدا مایر به صورت قهرمانی اسطوره ای نشان داده شده است.

«در آمارى که روزنامه العرب چاپ قطر در تاریخ ۹/۸/۱۹۸۱ منتشر کرد،آمده است که تلویزیون انگلیس در فاصله ماه مارس ۱۹۷۹ و ماه مه ۱۹۸۰،حدود۱۳۸ساعت برنامه در ستایش صهیونیستها و نکوهش مسلمانان پخش کرده است.گفتنی است که یکی از سه سیاستگزار برنامه های رادیو و تلویزیون انگلیس یهودی است.لرد لوگرید،مالک شرکت تهیه برنامه های تلویزیونی V.T.I،که انگلیسیها او را یهودی کوتاه قامت می نامند،همراه برادر خود لرد و لفونت،امپراتوران صنعت برنامه های تجاری تلویزیون انگلیس به شمار می آیند.

«هرگاه که سریالی تلویزیونی طرفدار پیدا می کند،صهیونیستها به طرف قهرمانان آن سریال می روند و از آنان برای دیدار از اسرائیل و ملاقات با رهبران صهیونیست دعوت می کنند.سپس دستگاه های تبلیغاتی صهیونیستی به کار می افتندو از این دیدارها فیلمهایی تهیه می کنند که در آن هنرپیشه های مشهور سریالها زبان به ستایش از صهیونیستها می گشایند.

سینما

سینما-علی رغم رقابتی که تلویزیون با آن دارد-یکی از مهمترین کانال های ارتباط مردمی است که دیدگاهای خود را به میلیونها تماشاگر تحمیل والقا میکند.این صنعت که ازآن به عنوان هنر هفتم از آن یاد می شود چه آگاهانه چه صرفا از روی بی توجهی به صورت ابزاری برای ارائه صحنه های ضداجتماعی و ضد اخلاقی درآمده است.هیچ شورش ویا حرکتی وجود ندارد مگر به صورت

برنامه ریزی شده تمرین شده باشد.یک شورش موفق باید قبلا تمرین شده باشدو این کار رادر تصویر محرک،بهتر از هرجای دیگر می توان انجام داد.این نوع آموزش بصری را حتی بی سواد ترین و بی فرهنگ ترین افراد می توانند بفهمند و تحت تاثیر القانات جادویی و حتی شیطانی آن قرار گیرند.

بله؛صهیونیستها خیلی زود به اهمیت تبلیغات صنعت سینمایی پی بردند و برای مهار کردن آن به تکاپو افتادند.دستگاههای تبلیغاتی آنها با کمک سرمایه های کلان یهودیان ازهمان اوایل ظهور این صنعت و پدیده در جهان سعی کردند با پرداخت پولهای هنگفت، این صنعت مهم تبلیغاتی را در راستای اهداف پلید ودسیسه های شیطانی خود به زیر سلطه خویش درآوردند.لذا دیری نپایید که یهودیان با خریدن مشهورترین شرکتهای تولید فیلم در جهان به ویژه در آمریکا توانستند مهار این رسانه ها را دردست بگیرند و صنعت سینمایی غرب و بلکه تمام دنیا منحصرا تحت سلطه ی مالی و معنوی صهیونیستها قرارگیرد. آنها علاوه برتسلط بر مطبوعات و رسانه های گروهی غرب به سرعت در تولید فیلمهای سینمایی شهرت پیدا کردند به ویژه در آمریکا که«اکثر شرکتهای تولید فیلمهای سینمایی متعلق به سرمایه داران صهیونیست بوده و هر چهره ای که آنها خواستند از ملل دنیا به جامعه آمریکایی-وحتی جهان-قالب کرده اند»



«در برخی آمارها آمده است که بیش از ۹۰صداز کل دست اندرکاران سینمای آمریکا-ازتهیه کننده و کارگردان گرفته تا بازیگر وفیلمبردار و تدوینگر- ازیهودیان هستند».آنها در حقیقت افکار عمومی جهان را کنترل می کنند. «رساترین مطلبی که در توصیف سیطره صهیونیسم بر صنعت سینمای غرب به ویژه آمریکا گفته شده است،بخشی از مقاله مجله الاخبار المسیحیه الحره (اخبار آزاد مسیحی) چاپ لوس آنجلس شماره اول آوریل۱۹۳۸است.در آن آمده است: «صنعت سینما در آمریکا کاملا یهودی است ویهودیان بی آنکه کسی با آنها در این عرصه رقابت کند برآن حکم می رانند.آنان هرکسی را که به آنان وابسته نبوده و یا با ایشان سازگاری نداشته باشد، از صنعت سینمای آمریکا طرد می کنند.تمام کاربردآزان این صنعت یا یهودی هستند وبا از کسانی که دست پرورده یهود به شمار می روند.برهمین اساس،شهرهالیوود به«سدوم عصرحاضر» (سدوم شهر قوم لوط بوده که در فلسطین-کنار بحرالमित کنونی- واقع شده است(این سرزمین قبل از اینکه خداوند قوم لوط را با سنگهایی از سجیل عذاب کند و سرزمین آن را ویران سازد،وجود نداشته است.)در این دیار قاضی حریص و ستمکاری بوده است که ضرب المثل اعراب گردیده وآنان می گویند:«فلانی از قاضی سدوم هم ظالم تر است.»)

تبدیل شده است که فضایل را قربانی نموده و رذایل و مفسد را رواج می دهد برای شرافت و آبرو و حیثیت مردم کمترین ارزشی قائل نیست.در آن اموال بدون هیچ گونه مانعی به غارت می رود وهیچ کس نیست که از این رفتارهاجلوگیری کند.آنان برای تعمیر ونشر نقشه های جنایتکارانه خود که تحت پوشش های کاذب و فریبکارانه قرار گرفته است،ازهیچ تلاشی فرو گذار نمیکنند.آنان به کمک همین روش های پست וכثیف موفق شدندکه فساد اخلاقی رادر کشورها وشهرها شایع کنند و حس مردانگی و شرافت را نابود سازند و آرمانهای نسل امروز آمریکا را به پستی بکشانند.»

این نثریه مقاله خود را با این گفته به پایان می رساند:

«این صنعت جنایتکارانه را متوقف کنید،زیرا اکنون بزرگترین سلاح در دست

یهودیان برای ترویج ادعاهای گمراه کننده و فاسد آنهاست».

کتابی به نام مغول سینما که در انگلیس منتشر شده است،سلطه صهیونیسم بر سینمای جهان را نشان می دهد.این کتاب طلایه داران یهودی سینما را به مغولها تشبیه می کند.این کتاب طلایه داران یهودی سینما را به مغولها تشبیه می کند؛مغول هایی که هر جا رفتند،با خود فساد و ویرانی بردند.»

چارلز لیندبرگ در صحبتی که در سال۱۹۴۱در رادیوی سراسری[آمریکا]داشت گفت: بزرگترین خطر یهودیان برای این کشور،ریشه در نفوذ ومالکیت گسترده آنها در صنعت فیلم سازی و مطبوعات ما دارد.

از دهه سی صهیونیستها به تدریج خود را وارد سینمای هالیوود و سلطه خود را بر سینمای بزرگ آمریکا درهالیوود آغاز نمودند.باشروع دهه شصت میلادی،سینمای جهان به سمت اهداف صهیونیستها دگروُن شد.صهیونیستها،سینماگران جهان را برای به تصویر کشیدن و ساختن فیلمهایی در سرزمین اشغالی خود جذب کردند.در دهه هشتاد سینمای صهیونیسم به موفقیت‌های زیادی رسید وتوانست به ستاره های بزرگ و کارگردانهای معروف سینما دست یابد وسینمای ایتالیا،فرانسه،انگلیس،آلمان(غربی) را به مالکیت خود درآورد و بر اغلب شرکتهای تولید فیلمهای سینمایی غرب سیطره نسبتا کاملی داشته باشد.برخی از آمارها نشان می دهند که بیش از ۹۰٪از مجموع کسانی که در کار تولید،کارگردانی،بازیگری،فیلم برداری و مونتاژشبکه های سینمایی آمریکا فعالیت می کنند،ازجمله یهودیان هستند.به عنوان نمونه شرکت فوکس که صاحب آن ویلیام فوکس یهودی است،شرکت گلدن که صاحب آن است،شرکت برادران وارنر که هارنی وارنر و برادران او مالکان آن هستند و شرکت پارامونت که صاحب آنها هادکنسون است.

باتوجه به آمارهای فوق الذکر میتوان گفت که صهیونیسم در حال حاضر بر سینمای جهان سیطره دارد.این سینما ابزاری است برای تهاجم فرهنگی به ملتها وزیر سلطه کشانیدن آنان.به لحاظ اینکه انسان در برابر شهوات و غرایز حیوانی خود بسیار ضعیف است،صهیونیستها سعی کرده اند این خوی منفی انسان را در جوامع مختلف تشدید سازند.مهم ترین ابزار اینها برای این کار،هنر هفتم یا سینماست.زیرا این هنر ازجمله مهم ترین و در عین حال خطرناک ترین ابزارهایی است که می تواند غرایز بشری را به سمت و سوی حیوانی سوق دهد. به ویژه اگر مسائل جنسی در آن مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از متفکران مسیحی غرب در این رابطه می نویسد: یهود به وسیله خبرگزاریهای جهانی،مغز جهانیان را شستشو داده است.یهود به وسیله فیلمهای مبتدل،افکار جوانان و فرزندان مارا تئذیه می کندوآنها را از آنچه خود می خواهد سرشار می سازد و جوانان را فاسد وتباه می سازد تا همیشه در خدمت آنها باشد. صهیونیسم درخلال دوساعت(مدت نمایش یک فیلم سینمایی)آداب فرهنگی را که معلم مدرسه،خانواده ومربی طی ماهها تعلیم وتربیّت در اذهان جوانان ایجاد کرده اند،می زداید.

سینمای هالیوود

وقتی سینما پدید آمد،هالیوود به عنوان قطب برنامه سازی تصویری شکل گرفت.آن هم در فاز دوم پروژه ی سینمایی آمریکا.بعضی کشورها مثل چین، ایتالیا، آلمان و فرانسه، شرکتهای سینمایی خود را زودتر ازآمریکا ساختند. آمریکا در واقع سرمایه های دیگران را غارت کرد؛یعنی بهترین کارگردان های آلمان،بهترین بازیگران اتریش و اسکاندیناوی،بهترین دکورسازان ایتالی و بهترین آهنگ سازان فرانسه را با پول بیشتر جذب کرد.استودیوهای فیلم سازی ابتدا در شرق آمریکا، در نیویورک مستقر بود و یهودیها نیز ازهمان اول نفوذ جدی در آن داشتند.استودیوها در همان پایتخت سیاسی؛ یعنی نیویورک راه افتاد،اما برائر دعواهای اقتصادی و رقابتهایی که پیدا شد، بخشی از آنها به غرب آمریکا منتقل شد،تا دور از آن فضای رانت تصویرسازی ،ودر شرایط آزادتری بتوانند فیلم بسازند.بدین ترتیب جامعه هالیوود درسال ۱۹۰۳به ثبت رسید و ازآن به بعد سلطه شیطانی خود را بر روی جهان آغاز کرد.

از زمان شکل گیری هالیوود،یهودیان که همواره به دنبال منافع مادی و کسب سود بیشتر هستند احساس کردند که این موسسه تبلیغاتی و دیداری می تواند برایشان بسیار مفید باشد.از این رو تصمیم گرفتند این موسسه را به یک دستگاه پولساز تبدیل کنند و طبق معمول از این درآمدها در جهت تحقق اهداف صهیونیسم و در ورای آن رژیم صهیونیستی،حداکثر استفاده را ببرند. هنگامی که در سال۱۹۱۴ میلادی،اولین تیر ترکشهای جنگ جهانی اول

شلیک شد ونفیرگلوله،آسمان اروپا را در نوردید،صادرات فیلم های سینمایی و مستند به یگانه دنیای آن زمان که جامعه اش سخت تشنه هنر هفتم بود،متوقف شد. اما این جنگ برای آمریکا وبه ویژه بزرگترین کارتل هنری آن یعنی هالیوود مایه خیر و برکت شد.و به آن مجال داد تا مانند اختاپوسی عظیم الجثه،برسینمای جهانی چنگ بیاندازد.و از طریق فیلمهای زیادی تولید وبه سراسر جهان صادر کند.

یهودیها به تدریج سرمایه های خود را بسمت این صنعت سرازیر کردند:زیرا مردم به فیلم اقبال نشان دادندو فیلم به یک تجارت پرسود برای یهودیها تبدیل شد.بدین لحاظ در فیلم هایی که تولید می کردند ازهر چیزی که بتواندعامه مردم راجذب کند استفاده می کردند.مواردی چون استفاده ابزاری اززمان ،موضوعات غیراخلاقی ،خشونت،ترویج خرافات وجادو و…بدین ترتیب هالیود به قلب امپراتوری فیلم سازان تبدیل گردید و تهیه کنندگان یهودی،حاکم مطلق براین صنعت در هالیوودشدند.کارگردانان و هنرپیشگان نیز تحت فرمان آنها قرارگرفتند.

نفوذ صهیونیستها به همین جا ختم نشد.آنها از انواع و اقسام روشها برای چنگ انداختن بیشتر به حوزه ی سینما استفاده کردند.آنها بابرنامه های حساب شده،خودرا مشتاق فراموش کردن ریشه های تاریخی خویش و ادغام درجامعه آمریکا نشان می دادند.»حتی برای استمرار سلطه ی خویش بر این صنعت و جذب مخاطبان بیشترکه هالیوودهمیشه به عنوان پشتیبان بازار به آن محتاج است و در برخی فیلمهای تولیدی خود به شکلی مکارانه،نظام آمریکا رامورد انتقاد وپرسش قرارداند تا به این وسیله بازار فروش را درخارج ازمرزها برای خود کسب کنند.به عنوان نمونه«در فیلم نوسترداموس محصول مشترک انگلستان و آمریکا که با شرکت ارسن ولژ تهیه شده است می بینیم که آمریکا دریک جنگ هسته ای توسط نجات دهنده یی عرب(یادآوردوران ظهور حضرت حجت عج)شکست می خورد و بعد از این درگیری اتمی،جهان به صلح و آرامش جاویدان می رسد.

همین مورد شامل بسیاری از آثار اجتماعی و سیاسی هالیوود نیز می شود.مثلا در فیلم جی اف کی(جان اف کندی)ساخته ی الیوراشون رئیس سابق سازمان جاسوسی آمریکاسی ای ایبه بازرس ویژه پرونده قتل کندی اعتراف می کند که این سازمان عملا نقش یک مداخله گر در اوضاع داخلی کشورها را داردو به ویژه در آمریکای لاتین،شیلی و ایران(کودتای ۲۸مرداد)مستقیما واردعمل شده است.وی به طور ضمنی تایید می کند که ترور کندی با توطئه و برنامه ریزی سیاه صورت گرفته است.»

امروزه نقش سینمای هالیوود در حمایت از سیاستهای آمریکا در جهان و به ویژه نقش آن در عرصه ی فعالیت های فرهنگی این کشور در عرصه ی جهانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است به گونه ای که غالب کارشناسان معتقدند که هالیوود یکی از مهم ترین ابزارهای دولت های متعدد آمریکا برای پیشبرد سیاستهای خود در روابط بین الملل و درمقابل سایر کشورها وتاثیرگذاری بر فرهنگ آن کشورها می باشد.

نویسنده یهودی نیل گابلو در موردسیطره تدریجی صهیونیسم بر صنعت سینما می گوید:

یهودیها تنها جاهای خالی و نه تنها ۵۰درصد بلکه تمامی صنعت(سینما)را دراختیار خود گرفتندبه این نتیجه طبیعی که همه عالم دست به دست هم داده اند تا تاثیر این تسلط را بر سینما کوچک جلوه دهند.

آنچه که درباره سیطره صهیونیسم برسینمای هالیوود می توان به طور خلاصه بیان نمود این است که«تسلط اقتصادی سینمای هالیوود با تولید تقریبی هزار فیلم درسال بازحوه فرهنگی و فکری دنیا غیر قابل انکار است.»

با مروری گذرا بر صنعت سینمای صهیونیستها از اوایل قرن بیستم تا زمان حاضر این جنبه سینما به وضوح مشخص می شود.به عنوان نمونه می توان به سیطره رابرت مردوخ صهیونیست استرالیایی الاصل بر صنعت سینما اشاره کرد.«وی استودیوهای فیلم روباه قرن بیستم راخرید تا سیطره صهیونیسم بر سینمای غرب کامل شود»واین صنعت در کنار هالیوودبه سدوم عصر حاضر تبدیل گردد.«صهیونیستها تقریبا به طور کامل شرکتهای تولید فیلم هالیوود-پایتخت سینمای آمریکا-رادرردست دارند.برای مثال،مالک شرکت فوکس قرن بیستم ،ویلیام فوکس یهودی است.شرکت یونیورسال در مالکیت کارل لیمل است.شرکت گلدن در تملک ساموئل گلدن و آدلف زوکور است.شرکت مترو



نیز در تملک لوییس بی.مایر بود که این دو شرکت بعدها در هم ادغام شدند و اکنون به متروگلدن مایرمعروف است.شرکت پارامونت متعلق به هود کنسون است که همگی یهودی هستند.»

هم اکنون شرکتهای کمپانی های فوق الذکربه دههاشرکت و کمپانی کوچکتر تبدیل شده اند.«عمده ی کار سینما به دلیل دیجیتالیزه شدن به سمت استودیوهای کوچک ولی فوق حرفه ای کشیده شد؛مثل استودیوی جرج لوکاس که برای فیلم جنگ ستارگان ساخته شد.یعنی کار تخصصی گشت،و به اجزای کوچکتر تقسیم شد.»شرکتهای یونایتد آرتیست و آر.کی.یو نیز به یهودیان تعلق دارد. ناگفته نماند که ۶در لوییس بی.مایر ،خاخام بود و مادر زوکور نیز دختر یکی از خاخامهای یهودی بود.«آخرین قلعه غیریهودی در هالیوود،یعنی استودیوی دیسنی نیز اوایل ده ۹۰ تحت رهبری یهودیها در آمد.

«تقریبا۸۰درصد هنرپیشگان و تهیه کنندگان فیلمهای سینمایی هالیوود یهودی الاصل هستند»post and opinion.

مجله ی یهودی در۶دسامبر۱۹۷۴چنین می گوید:«یهودیها اکنون هالیوود رادر اختیار دارند،همان طور که آن را تحت سلطه خویش داشتند.حضور یهودیان در هالیوود یک حقیقت تاریخی است.اکثر تولیدکنندگان وکارگردانان هالیوود یهودی هستند و این در حالی است که اتحادیه نویسندگان هالیوود،درعمل از ۷۰تا۱۰۰درصداز یهودیان تشکیل شده است.هنگامی که یک غیر یهودی یک کمپانی فیلم سازی را خریداری می کند یهودیان بازهم کنترل را درست دارند. چرا که درهالیوود روابط است که باعث کسب پولهای کلان می شوند. کارهایی مانند خرید داستان فیلم،امضاشدن قراردادها توسط بازیگران،توزیع فیلم به شرکتهای زنجیره ای نمایشی مانند ادثن ()همه در اختیار یهودیان هست.»

هالیوود در انتهای قرن بیستم همچنان صنعتی با رنگ وبوی آشکار قومی است.تقریبا تمام مدیران عالی رتبه اجرایی در استودیوهای عمده یهودی هستند.نویسنده ها،تولیدکننده ها و تا درصد پایین تری کارگردانها نسبتا یهودی هستند.یک تحقیق اخیر رقم ۵۹درصد رادر میان فیلمهای مطرح نشان می داد.تحقیق دیگری بیانگر این نکته است که از هر ده نفر شاغل در هالیوود۹نفریهودی هستند.وزن جمعی یهودیان موجود در صنعت فیلم سازی آمریکا به یهودیان هالیوود قدرت سیاسی زیادی می دهد.آنها یک منبع عمده پولی برای نامزدهای دموکرات هستند.بدر غیر رسمی صنعت(سینما)رئیس(ام. سی. آئی) لوواسرمن قدرت نفوذ فوق العادهای در دولت و سیاستهای ملی دارد. وزیران اجرایی هالیوود از تاسیس اسرائیل در سال۱۹۴۸ با وجد زیادی استقبال کردند.

تبلیغات سینمای صهیونیسم

تبلیغات سینمای صهیونیسم جهانی در فیلمهای خود به گونه ای است که همواره پیامهایی به بینندگان آن فیلمها القا می کند.برخی از این پیامها دربرگیرنده مسائل زیر است:

۱-ترویج خشونت و وحشیگری

ازنخستین سالهای پیدایش سینما،خشونت و اعمال ضد انسانی و وحشیگری یکی از آفاتی بوده که با این «هنر-صنعت»قرین بوده و صهیونیستها،از این



هالیوود،فیلم ارزشمند باید پول ساز باشد و برای پول ساز بودن یک فیلم باید بر نقاط ضعف مخاطبین آن انگشت نهاده پست ترین غرایز و تمنیات نفسانی انسان غربی را به خود نشان داد.سینمای هالیوود تشنه پول است واین تشنگی را به مخاطبین خود نیز تسری می دهد.افسوس که عطش پول درمان ناپذیر است و اتش آن به هیچ آبی فرو نمی نشیند.درآینه جادویی هالیوود جوان آس ویاسی برسرمیز قمار یک شبه میلیونر می شود و حسرت و دریغ میلیونها بیننده جوان را برمی انگیزد.همزمان خانواده اودر مسابقه لاتاری شرکت می کند وبلیت طلایی را از پیرمرد بیماری که از شوق برنده شدن درمسابقه سخته کرده،می رباید!در تمام صحنه های پرزرق ووبرق،بینندگان نیز در لذات ردهای این خانواده خوشبخت شریک می شوند و مثل آن دل ودین به پول می بازند. حال آنکه در پشت صحنه فیلم،فیلمسازان صهیونیست به ساده دلی مخاطبان خویش می خندند.»

امروزه حتی ردهای سکس و پول پرستی رادر فیلمهای خانوادگی وآثار کودکاننیز می توان دید.ظاهرا استودیوهای هالیوود دیگر هیچ حریمی رامحترم نمی دارند ودرصدد جهانی ساختن ضد ارزشهای اخلاقی خویش اند.

به طور کلی دستگاهای تبلیغاتی صهیونیستها ازتولید هنرنوع فیلم سینمایی که ترویج وگسترش فرهنگ مخالف با اسلام ونیز مساعدت با صهیونیستها و موجودیت غاصب آن در فلسطین باشد سرباز نمی زنند.تولید این فیلمهاو عملکرد این دستگاها برای خدمت به اهداف ودسیسه های شیطانی صهیونیستها ودر راستای تسلط کامل آنها برعرصه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جهان می باشد.آنها می دانند که اغلب علاقه مندان و دوست داران سینمااطفال کم سن وسال ویا کسانی هستند که از طبقه کارگر و فقیرند.

لذا آنها تعهد دارند که غرایز مخاطبان خویش را برانگیزانند و با نمایش فیلمهایی که اغلب موضوعات آنها را مسائل جنسی و جنایت و سرقت وقتل تشکیل می دهند،اخلاق ایشان را فاسد سازند.کما اینکه در ورای فیلمهای سکسی که در کاخهای کاخ نشین توزیع می کنند،بنیان خانه های اشرافی واعیان را نیز فاسد می کنند وتخم تفرقه را در سراسر جهان بین همه مردم می پراکنند.به عنوان نمونه،«فیلمهای سینمایی که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در تهران و شهرستانها به نمایش گذارده می شد هم حاوی تبلیغات نژادپرستانه وتبلیغ به سود یهود و صهیونیست بوده وبخش فیلم وتبلیغات سینمایی نیزتحت کنترل عوامل صهیونیسم وفرماسونری قرار داشت».هم اینکه تمامی آنها درراستای ترویج فساد و گسترش فرهنگ اسلام ستیزی به نمایش در می آید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز،فیلمهایی در این راستا ساخته شد.به عنوان نمونه،فیلمهای بدون دخترم هرگز،گروگانها،هتل هستربیا ودورها فیلم دیگردر ضدیت با انقلاب ایران ساخته شد.برای کودکان نیز فیلمهای کارتونی تولید شد که در آنها به شخصیت مقام رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران توهین شده است.همه ی این فیلمها توسط این موسسات وبا همکاری هنرپیشگان درخدمت صهیونیستها ساخته شده است.درحقیقت صهیونیستها با سیطره ی مرئی و نامرئی خود بر صنعت سینما توانسته اند،اهداف،سیاستهاو دسیسه های شیطانی خودرا مطرح کنند و باهدف قرار دادن افکار عمومی جهان علیه مسلمانان به تثبیت سلطه ی خویش برجهان بپردازند.

۵- ترویج خرافه های دینی

منظور از خرافه های دینی،شائبه هایی است که بشر برمبنای تخیل و نفس اماره به ساحت مقدس دین که جلوه ای از حقیقت رحمان است منتسب می

کند واین شائبه هایی خیالی را که زاییده کیدهای شیطان است عین حقیقت می انگارد.نگاه اسطوره ای یهودیان به نظام هستی،از مشخصه های آنان است.به ویژه صهیونیسم جهانی که هم چون طراری پشت نقاب دین،چهره ی خود را پوشانده و همواره این نگاه تقدیری و اسطوره ای آیین یهود را به نفع خویش به کار گرفته و به چیزی کمتر از سلطه برجهان و تشکیل حکومت واحد جهانی نمی اندیشد.بدین لحاظ برای نیل به این هدف،ترویج خرافه های دینی را به عنوان یکی از راهکارهای اساسی خود برگزیده است.سو استفاده از بعضی فرازهای تحریف شده کتاب تورات و ترویج این خرافات از طریق فیلمهای سینمایی از همان آغاز در دستور کار صهیونیسم جهانی قرار گرفت. همین امر حجم گسترده ای از فیلمهای ظاهرا دینی(ولی در باطن خرافی) را در تاریخ سینمای جهان پدید آورده است.اینباور خرافی تاکنون دست مایه آثارسینمایی متعددی قرارگرفته که فیلمهایی نظیر :جنگیر،طالع نحس،پایان روزگار و وکیل مدافع شیطان از آن جمله اند.از دیگر خرافه های صهیونیستی که به سینما راه یافته:(افسانه آخر زمان)و پیش گویی های مربوط به آن است که در فیلمهایی نظیر:نوستراداموس،آرماگدون وروز استقلال،ردپایی از آن می توان یافت.براساس این افسانه فاجعه ای عظیم حیات بشری را تهدید خواهد کرد وآخرین نبرد خیر وشر درجغرافیای خاصی از زمین به وقوع خواهدپیوست. وسعت فاجعه آنهمه است که انسانها از مقابله با آن در می ماند و نامیدانه به هوشمند ترین و شجاعت ترین نژادبشری(یعنی آمریکاییها)پناه می برند!» آمریکاییهای خوش قلب هم معمولا با راهنمایی یک دانشمند یهودی به کام خطر می روند و با عملیات متهورانه خود زمین را از خطر نابودی می رهانند. گاهی هم در راه انجام این ماموریت مقدس یک یا چند شهید تقدیم راه جامعه بشری میکنند!حال آنکه در پایان اکثراین فیلمها،بیننده از همه جا بیخبر،هم صدا با تمامی اقوام وپیروان ادیان،خداوند را به واسطه نعمت حضور امریکایی های شجاع وبیهودیان دانا بر روی کره ی خاکی سپاس می گویندوچرا که آنان فرشتگان نجات اند و اگر نباشند،نسب آدمی از صحنه گیتی برخواهد افتاد! «مهم ترین تاثیر این گروه از فیلمهای خرافی آن است که حس اعتماد وانقیاد نسبت به صاحبان اصلی دنیا را(که به زعم این فیلمها آمریکاییها ویهودیان هستند)ترویج می نمایند.

در صورت مشاهده مکرر این فیلمهای خرافی،مردم جهان سوم ظاهرا به آمریکا وباطنا به صهیونیسم بین الملل حق می دهند که چندصباحی در این عالم فانی حکومت وسروری کنند؛زیرا وقتی فاجعه عظیمی بروز کند،همین ها هستند که باید به داد مردم دنیا برسند و نسل انسان را از خطر نابودی برهانند!بدنیست بدانیم همین پیام سیاسی در پاره ای از فیلمهای طنز سینمایی هالیوود نیز لحاظ شده است.مثلا در فیلم مریخ حمله می کند مریخی ها که موجودات مسخره ودر عین حال سنگدلی هستند،کره زمین را به اشغال خود در می آوردند و از آنجا که هیچ سلاح بشری برآنها کارگر نمی اقتد،به سهولت تمامی تمدنها را برمی اندازند و حتی رئیس جمهور آمریکا را طی اقدامی ناچوانمردانه می کشند. درهمین اوضاع آشفته،یک بازیگریهودی هالیوود سیلونا سیدنی در نقش پیرزنی فرتوت و از کار افتاده که درآسایشگاه سالمندان بستری است،به همراه نوه خود راه حل جالبی پیدا می کنند.آنها به فراست در می یابند که مریخی ها طاقت شنیدن نوع خاصی از موسیقی را ندارند و به محض شنیدن آن،مغزهایشان



منفجر می شود!لذا موسیقی را در اختیار ارتش آمریکا می گذراند و سربازان آمریکایی هم با همین سلاح،دشمن را نابود می کنند و تمدن بشری را از خطر نابودی می رهانند.همین مضمون ظاهرا طنز،پیش از این نیز در سینمای هالیوود تکرار شده ودر یکی از موارد،صدای الویس پریسلی یهودی مهاجمین فضایی را نابود کرده است؛حاصل آنکه همیشه یهودیان ناجی بشریت اند و سایر اقوام وملل،طفیل هستی آنان محسوب می شوند.

خرافه دیگری که صهیونیستها آن را درقلب سینمایی مصادره به مطلوب کرده اند،مساله«ظهور ناجی» و سفر به سرزمین موعود است.اما ناجی این فیلمها نه آن منجی است که بشریت در انتظار اوست.صهیونیستها در سیری تاریخی،نخستین ناجی خود را «داود نبی» می دانند که به زعم ایشان پهلوان اسطوره ای قوم یهود است وهم اوست که عشیره بنی اسرائیل را از ستم جالوت سنگدل می رهاند.به همین دلیل نیز ستاره شش پر منتسب به داود را به عنوان علامت مقدس و سمبل خویش برگزیده اند.دومین ناجی قوم یهود موسای نبی است که احکام دهگانه شریعت یهود را از جانب خدا برای قوم بنی اسرائیل آورده و آنها را از رنج بندگی فرعون نجات داده است.ارادت صهیونیستها به حضرت موسی علیه السلام نه به واسطه مقام نبوت،که به دلیل احراز مقام منجی و در پی آن پادشاهی بر قوم بنی اسرائیل است.لذا از او نیز با رویکردی نژادپرستانه یاد می کنند.

از نظر صهیونیستها،یهودیان پیش از آنکه پیروان یک آیین الهی تلقی شوند،یک ابر نژادند و به همین دلیل نیز در مواقع عسرت و سختی،ناجی دیگری ازمیان آنها ظهور می کند وایشان را به سرزمین موعود می برند. آزانجا که فرزند اولین ناجی قوم یهود(سلیمان فرزند داود نبی)تمام دنیا را به تسخیر خود درآورد،صهیونیسم بین الملل نیز فرمانروایی بر ملک سلیمان را حق طبیعی خود می داند و به همین دلیل هم داعیه سلطنت بر تمامی دنیا را دارد.لذا افسانه از نیل تا فرات تنها مقدمه ای بر نقشه های جهانی صهیونیسم و قوم یهود است.

حضرت موسی علیه السلام نیز(به عنوان دومین ناجی)،قوم بنی اسرائیل را از ستم فرعون رهایی بخشید و از دریا عبور داد وسرانجام ایشان را با خود به سرزمین موعود برد.از آن تاریخ،یهود در انتظار سومین ناجی خویش است.البته از آن تاریخ تا امروز منتحیان کوچکتری ظهور کرده اند.مثلا ویل دورانت در مجموعه تاریخ تمدن».

کریستف کلمب را یک یهودی پرتغالی الاصل می داند که به منظور کاستن از مصائب یهودیان در اروپای قرن پانزدهم،سفری مقدس رادر جست و جوی «سرزمین موعود»آغاز کرد و در نهایت به آمریکا رسید!به همین دلیل صهیونیستها آمریکا را سرزمین موعود خود می دانند و شهر نیویورک نیز از دیرباز به عنوان پایتخت صهیونیسم بین الملل شناخته شده است.

برمبنای همین الگوی اساطیری،هالیوود تاکنون سفرهای اسطوره ای بسیاری را به تصویر کشیده و سینمای اروپا نیز به رقیب آمریکایی خود تاسی کرده است.

فیلم هایی نظیر:مجموعه ایندینا جونز،دنپای آب،سفر به غرب وحشی،دون نیتز کارالدو وخوشه های خشم برمبنای همین الگوی روایی ساخته شده اند. همچنین فیلم مشهور ماتریکس بارویکردی نمادین به اساطیر کهن قوم یهود،قصه ظهور منجی و سفر به آرمانشهر یهود(سرزمین «زایان یا سیون»)را دوباره به تصویر می کشد.در فیلم ماتریکس دنیا اسیر تاریکی است و تنها چند انسان آزادیخواه دریک زیر دریایی اسرار آمیز که خود را به مثابه سرنشینیان کشتی نوح می پندارند،با این دنپای تاریکی در ستیزند.مقصد زیر دریایی همان آرمانشهر زایان است که فقط ناخدا و رهبر گروه(کاپیتان مورفی)نشان دقیق ان را می داند.ولی مورفی بدون امداد یک منجی نمی تواند بر امپراطوری ماتریکس غلبه کند و این بار منجی یا پیامبر جدید راز بین متخصصان کامپیوتر برمی گزیند.

کلام آخر آن که صهیونیسم بین الملل با ترویج خرافات از طریق سینما،به نوعی جهان سازی اسطوره ای دست زده و قصد آن دارد تا باورهای خرافی خود در زمینه:«شیطان»،«پایان دنیا»،«ظهور منجی جدید»،«سفر به سرزمین موعود» و تشکل «امپراطوری جهانی» را به سایر اقوام و ادیان نیز تسری می دهد.

برای نیل به این مقصود،نخستین گام بزرگ نمایی قدرت شیطان است.ترس از

مقدمه شیطان پرستی است و هرکه از شیطان در هراس باشد در حقیقت بندگی او را گردن نهاده است.قرآن مجید در این باب می فرماید:«همانا شیطان یاران خویش را می ترساند،پس ای مومنان!اگر به خدا ایمان دارید از شیطان نهراسید و تقوای مرا پیشه سازید.»راز غلبه بر شیطان ترسیدن از اوست و صهیونیسم با ترساندن مخاطبان سینمایی خود از شیطان در حقیقت پرستش خود را رواج می دهد!همان گونه که سامری در میقات چهل روزه موسی،ساحری پیشه کرد و گوساله پرستی رواج داد.»

تبلیغات سینمایی صهیونیسم در حال حاضر را می توان چنین توصیف کرد:

این تبلیغات همواره موید و مروج سیاستهای صهیونیسم بین الملل بوده ودر خصوص اقدامات تجاوزکارانه و جنایتهای وحشیانه صهیونیستها سکوت می کنند.این هنر از ابتدای پیدایش تا امروز،در راستای خواسته ها و سیاستهای جهانی صهیونیسم فعالیت کرده است.

یهودیان بجز در موقعیتها و شرایطی فوق العاده مطلوب و دلپذیر بر پرده سینما ظاهر نمی شوند. همچنین تبلیغات صهیونیسم مذاهب دیگر را مورد تهاجم قرار می دهند.یک خاخام یهودی جز در بهترین و آبرومندانه ترین کسوتها بر



پرده تصویر نمی شود.او با همه شکوه و وقار مقام ومنزلت خویش وتا آنجا که ممکن است به شکلی جذاب وموثر نمایش داده می شود.در حالی که روحانیون مسیحی ومسلمان چنان که هر سینمارو حرفه ای به سهولت به یاد می آورد به اشکال مختلف،از مضحک گرفته تا بزهکار،بد جلوه داده می شوند.این شیوه مشخصا صهیونیستی است.همچون بسیاری القائات پنهان و ناشناخته کنونی که منشا صهیونیستی دارند.

پروتکل هفتم دانشوران صهیون موید همین نظر فوق العاده جالب می باشد. مدتها کوشیده ایم روحانیون غیر یهود را بی اعتبار ساخته و به این وسیله ماموریت تبلیگی آنها را که می توان در حال حاضر به طور قابل ملاحظه ای مزاحم ما شود ختنی کنیم.نفوذ آنها هر روز بر مردم افزایش می یابد.

مسائل دیگری در حوزه سینمایی وجود دارد که شایان ذکر است.یکی استفاده فزاینده از مولفان غیر یهودی برای تولید تبلیغات صهیونیستی است.بسیاری از آثار نویسندگان مشهور غیر یهودی به وسیله تولیدکنندگان یهودی بر پرده رفته اند.این آثار از نظر تبلیگی موثر ترند زیرا از پشتوانه نامهای مشهور در عالم ادبیات برخوردار هستند.این که این مساله تا چه اندازه به تمایل نویسندگان به وارد شدن در حوزه تبلیغات طرفدار یهود مربوط می شود وتا چه حد به اکراه آنان از رد پیشنهادهای محبت آمیز اشخاص صاحب نفوذ و ثروتمند سینما–که مبالغ هنگفتی به آنان پرداخت کرده و حتی حاضرند بیشتر پرداخت کنند–باز می گردد،موضوع دیگری است.

خبرگزاری ها

خبرگزاریها از جمله وسایل ارتباط جمعی جهان هستند که نسبت به دیگر مراکز و شبکه ای اطلاع رسانی، نقش بسیار مهم و اساسی دارا می باشند.وظیفه اصلی خبرگزاریها جمع آوری اخبار و اطلاعات در سریع ترین وقت ممکن و انعکاس آن به مخاطبان و مشترکان خود درمیان جوامع بشری است.اگر بخواهیم اهمیت این نقش و وظیفه وتأثیری را که این خبرگزاریها می تواند در تغذیه مطبوعات و سپس افکار عمومی جهان داشته باشد همواره توصیف کنیم



باید بگوییم که رابطه میان مطبوعات و خبرگزاریها مانند رابطه اسلحه ومهمات است. یعنی اگر تفنگ بدون مهمات کارایی داشته باشد مطبوعات نیز بدون اخبار خبرگزاریها می تواند کارایی ودر افکار عمومی جهان تاثیر داشته باشند.در حالی که چنین نیست و همانطور که سازنده مهمات بر کسی که اسلحه در دست دارد چیره است،خبرگزاریها نیز بر مطبوعات سیطره دارند.

در حقیقت خبرگزاریها خبر را بدست می آورند وآن را پرورش و به آن جهت می دهند و سپس آن را تحویل مطبوعات و رسانه های گروهی رادیو و تلویزیون می دهند، رادیو و تلویزیون و مطبوعات،این اخبار را پخش می کنند وبه نقاط گوناگون می رسانند.

به عبارت دیگر خبر اسلحه ای است تبلیغاتی که خبرگزاریها آن را تهیه و ذخیره می کنند و مطبوعات سربازانی هستند که این سلاح ها را به سوی خوانندگان خود شلیک می کنند.

این وضعیت باعث شده تا صهیونیسم جهانی پس از گذشت مدت زمانی کوتاه چنان بر کنترل اخبار وگزارش های خبری جهان چیره شود که کمتر بتوانیم روزنامه ویا مجله ای و خبرگزاری محلی را بیابیم که صهیونیستها بر نحوه تنظیم و پخش خبرهای آن بی تاثیر باشند و یا آن را از درون هدایت نکنند.

عمده ترین این خبرگزاریها عبارتند از:رویتر در انگلستان ،فرانس پرس در فرانسه،آسوشیتدپرس و یونایتدپرس در آمریکا و تاس در روسیه(اتحاد جماهیر شوروی سابق).

خبرگزاری رویتر

وقتی نامی از خبر گزاریها برده میشود،نخست نام خبرگزاری رویتربه ذهن متبادر می شود.اگر هم به جدول نام خبرگزاریهای جهان نگاه کنیم،نام خبرگزاری رویتر را در صدر جدول می بینیم.این خبرگزاری در سطح بین المللی از شهرت بالایی برخوردار است و توانسته سایه خود را بر مطبوعات و سایر رسانه های جمعی خبری و تبلیغی بگستراند.بنیانگذار و موسس این خبرگزاری ژولوس پاول رویتر متولد۱۲ژوئیه۱۸۱۶میلادی در شهر کاسل آلمان شخصی یهودی بوده است.مقراین خبرگزاری هم اکنون در انگلستان است و تحت سیطره و قیومیت صهیونیستها اداره می شودواز طرف سرمایه داران یهودی به ویژه صهیونیستهای انگلیسی حمایت مالی شده و در راستای خواسته های آنها فعالیت می کندو۱۴۷کشور جهان را تحت پوشش خبری خود دارد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس

یکی دیگر از خبرگزاریهای جهانی که صهیونیستها بر آن تسلط دارند خبرگزاری آسوشیتدپرس است.این خبرگزاری به سال۱۸۴۸در ایالات متحده آمریکا توسط پنج روزنامه تاسیس شد وخیلی سریع گسترش یافت تا جایی که در سال۱۹۰۰میلادی به شرکت خبررسانی عظیمی تبدیل شدو اکثر روزنامه ها ومجلات امریکایی که قسمت اعظم آنها تحت سیطره صهیونیسم بودند در این شرکت عضو شدند.این خبرگزاری که مرکز آن در نیویورک است دارای گسترده ترین فعالیت در سطح بین المللی بوده و سرمایه گذاران آن کارتلهای صهیونیست آمریکا می باشند.این خبر گزاری به طور متوسط روزانه حدود یازده میلیون کلمه خبر به سراسر جهان مخابره می کند به طوری که«بیش

از ده هزار(۱۰۰۰۰) روزنامه در ۱۰۹کشور جهان را با اخبار خود تغذیه می کنند»و«کلیه روزنامه های منتشره در آمریکای لاتین به وسیله این خبرگزاری تغذیه می شوند»سه چهارم اخبار این خبرگزاری از کشورهای مختلف دنیا تامین می شود.مشترکین و وسایل ارتباط جمعی وابسته به این خبرگزاری که در نقاط مختلف جهان پراکنده هستند عبارتنداز:

–روزنامه مشترک،۱۲۳۹

–تلویزیونهای مشترک،۴۸۵

–رادیوهای مشترک،۵۷۶۲

–تعداددفاآتردرخارج،۷۷

–تعداد دفاتر درآمریکا،۱۲۳

خبرگزاری آسوشیتدپرس که اخبار خود را به روزنامه ها می فروشد،تحت کنترل یک یهودی به نام مایکل سیلورمن است.سیلورمن در بخش اخبار مربوط به آمریکا(اخبارملی)از سال۱۹۹۲به عنوان رئیس مشغول فعالیت بود.وی از سال ۲۰۰۰به عنوان مدیر کل خبرگزاری منصوب شد.ولی جاناتان ولمن یهودی را به عنوان سردبیر خبرگزاری برگزیده است.

خبرگزاری یونایتدپرس

در سال۱۹۰۷ ادوارد اسکریپس و رای ویلسن هوارد یک خبرگزاری تاسیس کردندکه اسکریپس هوارد یونایتدپرس لقب گرفت.این خبرگزاری جای یک بنگاه خبر پراکنی ضعیف را که در سال ۱۸۹۷تاسیس شده بودگرفت.

در سال۱۹۰۹ م.نیز ویلیام راندولف هرس ت یک خبرگزاری تاسیس کرد که به اینترنشنال نیوز سرویس مشهور شد.این دوخبرگزاری نیزدر سال۱۹۵۸ با یکدیگر متحد شدند و تحت عنوان یونایتدپرس اینترنشنال کار جدید خود را آغاز کردند.مقر این خبرگزاری در نیویورک بوده و همانند خبرگزاری آسوشیتدپرس دارای فعالیت گسترده ای در سطح بین المللی می باشد و کارتلهای صهیونیست آمریکایی از ان حمایت مالی می کنند.«یونایتدپرس ۶۵۰ مشترک در بیش از ۱۰۰کشورجهان دارد» و کلیه روزنامه های منتشر شده در امریکای لاتین در این خبرگزاری تغذیه خبری می کنند.سه چهارم اخبار آن نیز به کشورهای مختلف دنیا اختصاص دارد.مشترکین و وسایل ارتباط جمعی وابسته به این خبرگزاری عبارتند از:

–روزنامه مشترک،۱۰۳۶

–تلویزیونهای مشترک،۴۴۵

–رادیوهای مشترک،۳۲۳۷

– روزنامه های مشترک در آمریکا،۶۳۳

–کشورهای مشترک،۱۰۰

خبرگزاری فرانس پرس

یکی از یهودیان فرانسه ازخانواده هاواس در سال۱۸۳۵آژانس هاواس رادراین کشور بنیان نهاد.پس از آن در سال۱۸۵۱هاشیت یهودی خبرگزاری هاشیت را تاسیس کرد.این خبرگزاری بعدها خبرگزاری دولت فرانس پرس شد.تا پیش از جنگ جهانی دوم،شارل لوئیس هاواس یهودی این خبرگزاری را اداره می کرد.این خبرگزاری همانند دیگر خبرگزاریهای عمده بین المللی،نقشی که در سطح جهانی ایفا کرده در راستای اهداف صهیونیسم جهانی است.حدود«۱۵۲ کشور جهان تحت پوشش خبری این خبرگزاری می باشند.»این خبرگزاری همچنین «برای بسیاری از تلویزیونهای جهانی برنامه تهیه کرده و دراختیار آنان قرار می دهد.این برنامه ها متعلق به سندیکای مطبوعات فرانسه است.این سندیکاها از طرف کارتلهای بزرگ فرانسه اداره شده و ماهیت وجودی صاحبان وحامیان آنها چون دیگرخبرگزاریهای فوق الذکر می باشد.»

خبرگزاریهای فوق الذکر نه تنها بیشتر کشورهای جهان را تحت پوشش خبری،تحلیلی خود قرار می دهد،بلکه رسانه های جمعی بسیاری از جمله رادیو و برنامه های تلویزیونی در ممالک مختلف را از طریق دفاتر و دیگر آژانسهای خبری وابسته به خود تغذیه کرده و همواره تلاش کرده اند با سلطه بر افکار و فرهنگ ملتها،اندیشه های عمومی مردم جهان را درجهت اهداف صهیونیسم جهانی سوق دهند.لین خبرگزاریها هیچ گاه حقایق مربوط به رویدادها و حرکتهای انسانی وقیامهای مردمی علیه مستکبران را به جهان منعکس نکرده بلکه برعکس سعی می کنند تا با تحریف و وارونه جلوه دادن حقایق و یا کتمان آنها ،اخبار وگزارشها و تحلیلهای دروغینی را به خورد ملتها دهند.

نگاهی گذار به رسانه های داخلی و ضد انقلاب



از ده سال پیش بود که کم کم با حضور کامپیوتر و اینترنت به عنوان وسیله ارتباطی در دانشگاه ها و خانه ها کم کم توجه اقشار مختلف مردم به ویژه قشر جوان و دانشجویی به رسانه ها و اینترنت افزایش یافت. ایجاد امکان فنی تولید و دیده شدن اخبار رسانه‌ها، قیمت تمام شده ارزان برای تولید خبر و تحلیل، دسترسی آنلاین یا همان سریع به اخبار، در عین سخت بودن رساندن رسانه‌های مکتوب به سراسر ایران در زمان معین و کم از جمله دلایل تحول بزرگ در عرصه‌ی رسانه‌های کشور به سمت رسانه‌های دیجیتال شمرده می‌شود.

شاید بتوان به دلایل بالا ورود کردن به برخی مسائل کشور که تا پیش از این به عنوان «خطوط قرمز» خبری شناخته می‌شد در رسانه‌های جدید اضافه کرد تا مجموعه تغییرات و تحولات خبری در کشور قابل فهم باشد.

از سال ۸۰ بود که جریان سیاسی وابسته به محسن رضایی در زمان اصلاحات به این نتیجه رسید تا با استفاده از فضای مجازی به خطوط قرمزی حمله کند که هیچ گاه مدنظر نبود. البته پیش از این روزنامه های مکتوب اصلاح طلب خطوط قرمز را شکسته بودند که البته به دلیل هجمه این رسانه ها به منویات و اعتقادات مذهبی و ملی و حتی قومی مردم به سرعت دچار افول شدند. اولین سایت خبری تحلیلی مجازی که به صورت رسمی و با رویکردی انتقادی نسیت به دولت خاتمی وارد صحنه شد «بازتاب» بود. بازتاب با کمک خرج افرادی چون محسن رضایی با همکاری عده ای از دانشجویان سابق دانشگاه امبرکبیر که محل حضورشان بیشتر در کانون های این دانشگاه بود تا تشکل ها به صحنه آمد. فواد صادقی مدیر مسئول در خصوص تامین مالی ابتدایی بازتاب در سال ۸۰ می گوید ماهانه ۲میلیون تومان خرج داشتند و این خرج از محسن رضایی بوده است. سایت بازتاب که گردانندگان تابناک میراث داران آن به شمار می آیند، در سال ۱۳۸۱ با مدیر مسؤولی فواد صادقی و سردبیری عمار کلانتری راه اندازی شد. بسیاری از تحلیلگران و خبرنگاران این سایت بعدها در راه اندازی یا مدیریت سایت های خبری مشارکت داشتند که به عنوان نمونه می توان به فرشاد مهدی پور(شانا و خانه ملت)، علی شکوهی(فردانیوز)، محمدجواد بربریان(جماران)، جعفر محمدی(عصر ایران)، بابک امینی(بولتن نیوز) و فواد صادقی و عمار کلانتری(آینده نیوز) اشاره کرد. سایت بازتاب با توجه به نفوذ بالایی که به برخی اطلاعات داشت و نزدیکی بسیار بالایش با محسن رضایی به بولتن قشر خاصی تبدیل شده بود که خود را برای انتخابات ۸۴ آماده می کرد. اخبار ضد و نقیض مبنی بر تبانی بازتاب با دولتی های زمان خاتمی برای انتشار نیافتن اطلاعات و اختلاس ها و زد و بندها دلیلی شد تا رسانه محسن رضایی به تدریج قدرت خود را از دست بدهد. در همان ایام یعنی سال ۸۳ سایت دیگری به نام آفتاب نیوز وابسته به حسن روحانی از نیروهای نزدیک به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی راه اندازی شد و به دنبال فعالیت های انتخاباتی برای هاشمی رفسنجانی بود. یکی از نکات مهم در رسانه های مجازی و سایت ها این مورد است که نزدیک شدن به چالش هایی نظیر انتخابات مجلس و ریاست جمهوری تعداد زیادی از سایت ها به صورت قارچی شروع به فعالیت می کنند. برای نمونه سایت هایی مثل یاری، قلم، نسیم ۸۸، جمهوریت و… از جمله سایت های حامی میرحسین موسوی بودند که در انتها نیز پس از شکست موسوی در انتخابات دست به خود کشی جمعی زدند و با انتشار مطالب کذب ضمیمه را برای فیلتر شدن خود مهیا کردند.

پس از انتخابات ۸۴ و روی کار آمدن شعارهایی از جنس انقلاب سایت های جریان ۳تیر به پیش قراولی رجا نیوز آغاز به کار کردند. سایت هایی که نقش اصلی حمایت از گفتمان آن روزهای دولت را در پیش گرفتند. کمتر از یک سال سایت هایی مانند مبارزین نیز وارد عرصه شدند. از طرف دیگر سایت های معتقد به اصولگرایی با مشی انتقادی از دولت از سال ۸۵ با ورود و حضور افرادی چون آقایان «توکلی» و «زاکانی» آغاز به کار کردند سایت «الف»

وابسته به دکتر احمد توکلی که مشی انتقادی شدیدی دارد و سایت «جهان» که از فعالیت های انقلابی دولت نهم حمایت می‌کرد اما فعالیت های حاشیه‌ای دولت از جمله مشایی را بر خلاف خواست بزرگان پر رنگ و با آب و تاب نشان می داد. در همان دوران قشر جدیدی از سایت ها راه اندازی شدند سایت هایی با حمایت ویژه قالیباف، لاریجانی و محسن رضایی. رویه این سایت ها عمدتا تخریب دولت نهم و انکار گفتمانی به نام ۳تیر بود. سایت‌هایی مانند «خبر آنلاین، فردا، فرارو، تابناک، آینده‌نیوز». این حلقه جدید رسانه ای با آنکه ادعای اصولگرایی داشتند ولی همواره دولت را تخریب و حتی به کوچکترین عزل و نصب های دولت هم خرده وارد می کردند.البته این سایت ها بیشتر از آنکه رنگ و بوی اصولگرایی داشته باشند با سیاه نمایی علیه دولت نهم و نیر انکاس عقاید اصلاح طلبان به دنبال چهره سازی جدید از «قالیباف» در انتخابات دهم بودند که البته با وارد نشدن شهردار تهران به صحنه انتخابات به نحوی به سوی کاندیدای اصلی اصلاح طلبان یعنی میرحسین موسوی تغییر سمت و سو دادند.

شاید حضور پررنگ خبرنگاران و عناصر رسانه‌ای نزدیک به اصلاح‌طلبان در رسانه‌هایی مانند «خبرآنلاین» وابسته به دکتر علی لاریجانی مهمترین دلیل رویکرد غیرقابل انتظار این رسانه‌ها در ماجراهای انتخابات ۸۸ بود به طوری که به پایگاه تقویت گفتمان موسوی در جریان مسائل سال ۸۸ و بعد از آن می‌پردازند.

در میان هیاهوی سایت‌های وابسته به سیاسیون موج راه اندازی سایت های دانشجویی نیز به راه افتاد. سایت هایی چون عدالتخانه مجموعه ای از سابقین جنبش عدالتخواه دانشجویی بودند که مطالبات عدالتخواهی که شعار اصلی دولت بود با ادبیاتی دانشجویی پی می‌گرفتند. سایت های دفاتر دانشجویی از جمله اتحادیه انجمن اسلامی مستقل و جنبش عدالتخواه و دفتر تحکیم وحدت و جاد از جمله سایت های دانشجویی بودند که البته بیشتر به پوشش مطالب ارگانی (بیانیه ها و مصاحبه ها) می پرداختند تا مطالب تحلیلی. البته در این میان سازمان بسیج دانشجویی نیز سایتی تحت عنوان شبکه خبر دانشجو (SNN) راه اندازی کرد که حاصل حضور فعال دانشجویان عضو بسیج دانشجویی در رسانه و فضای مجازی برای پوشش اظهار نظرات دانشجویان بود.

اما ماجرای خبرگزاری‌ها کمی متفاوت است، تعداد محدودتر با رویکردهای رسمی‌تر خبری تمایز چشم‌گیر این رسانه‌ها با سایت‌ها است، به هر حال خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا) که محصول تفکر رسانه‌ای نیروهای سیاسی رخنه‌کرده در جهاد دانشگاهی است با رویکرد دفاع از جریان سیاسی دوم خرداد و با پرچم داری رئیس دولت اصلاحات از این نمونه است، ایسنا که به اسم دانشجویان کار خود را آغاز کرده بود کم کم به خبرگزاری احزاب اصلاح‌طلب ایران تبدیل شد و مشی دفاع جانانه از گفتمان دولت خاتمی را پیش گرفت.

خبرگزاری فارس با هدف دفاع از گفتمان انقلاب اسلامی و با مشی تقویت نیروهای اصولگرا، خبرگزاری مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی که در سال‌های اخیر به دلیل حضور خبرنگاران روزنامه های زنجیره‌ای در این خبرگزاری برخلاف مشی اعلامی این رسانه به پاتوقی برای تولید اخبار به نفع جریان غیر جبهه انقلاب اسلامی تبدیل شده است، از خبرگزاری مهم کشور محسوب می‌شوند. ایرنا یا همان خبرگزاری جمهوری اسلامی باید رسانه‌ی رسمی ایران باشد ولی در سال‌های مختلف به خاطر دفاع تمام قد و چشم بسته از دولت و بدون توجه به فراقفتمان اصلی انقلاب اسلامی از جایگاه این رسانه کاسته شده است. ایلنا خبرگزاری بعدی است که توسط خانه کارگر اداره می‌شود به همین واسطه گفتمان این رسانه دفاع از اصلاح‌طلبی است ولی در مقطعی به دلیل گرهِ خوردن با عناصر ضدانقلاب به محاق توقیف نزول کرده است. این رسانه از طحاظ حرفه‌ای از سطح بالایی برخوردار نیست.

جریان شناسی رسانه‌های داخلی



آغاز به کار این سایت همزمان با انتخاب محمود احمدی نژاد در سال ۸۴ توسط دانشجویانی بود که اعتقاد خاصی بر جا انداختن گفتمان ۳تیر ۸۴ داشتند. برخلاف ادعاهای کمک های دولتی احسان صالحی سردبیر کنونی این سایت می گوید:«تمام هزینه ها از تبلیغات به دست می آید. پیش از صالحی؛ مقدار نیلی احمدآبادی مسؤولیت سردبیری این سایت را بر عهده داشت.نام این سایت برگرفته از نام شهید محمد علی رجایی، دومین رئیس جمهور ایران است. این سایت در حال حاضر یکی از پوشش دهنده های اصلی اخبار جبهه پایداری است. رجانیز در واقع مهمترین رسانه بدنه جریان مذهبی کشور محسوب می‌شود.

حامی‌های رسانه‌های داخلی

سایت خبری تحلیلی با رویکرد منتقدانه نسبت به دولت است که از شهریور ۸۵ آغاز به فعالیت کرد. این وبگاه برای احمد توکلی است و به نام وی شناخته می شود. سید امیرسیاح سردبیری آن را عهده دار است. در منشور الف، این سایت محیطی برای اظهارنظرات کارشناسی، ارائه مقالات، اخبار و عکس ها و هم مشارکت در تکمیل، تعمیق یا تأیید ورد مطالب و نظرات دیگران معرفی شده است. اعضای شورای سیاست گذاری که در دستگاه های مختلف فعالیت دارند با اطلاعات خود به غنای خبرها، مطالب و تحلیل های آن کمک می کنند. این وبگاه بنا به گفته گردانندگان آن، بودجه مالی خاصی ندارد و بودجه آن از آگهی ها و بخشی از حقوق اداری اعضای شورای سیاست گذاری تأمین می شود. این سایت در محور مباحث پرونده های بسیاری مانند مرحوم کردان و رحیمی معاون اول رئیس جمهور بوده است.



این سایت از سال ۸۸ با رویکرد انتشار اخباری که سایر رسانه ها به آن کمتر دسترسی داشتند با رویکرد توجه ویژه به جنگ نرم دشمن علیه کشورمان مبارزه با فتنه ۸۸ و نیز بررسی مسائل بین المللی به زبان ساده و قابل فهم آغاز به کار کرد.تحریریه این سایت عموماً تجربه کار خبرگزاری داشتند و به همین دلیل با ورود به یک سایت خبری از همان ابتدا با موفقیت قابل توجهی به جذب مخاطب پرداختند هرچند انتشار برخی اخبار محرمانه توسط این سایت با برخی انتقادها همراه بوده است با است. یکی از مطالب جذاب این سایت بررسی زندگی و عکس هایی منتشر نشده از شهدای دفاع مقدس است. البته این سایت اصولگرا انتقادهای تندی را علیه دولت در خصوص مشایی منتشر کرده است.



سایت خبری تحلیلی جهان از سال ۸۶ آغاز به کار کرد. این سایت در سمت و سوی سیاسی با علیرضا زاکانی نماینده مجلس هشتم _رئیس ستاد قالیباف در انتخابات ۸۴ _ منتسب است و زاکانی به عنوان یکی از اعضای شورای سیاستگذاری آن که عمده از اعضای رهپویان انقلاب اسلامی و جمعیت ایثارگران هستند؛ به حساب می آید.یکی از مهم ترین نکات مدنظر این سایت مسئله مشایی و حاشیه های دولت بوده است. سردبیر این سایت می گوید ما خودمان را حامی دولت می دانیم. این سایت بالغ بر ۱۵ نفر نیرو دارد و منابع خبری آن به علت مشورت و نزدیکی با زاکانی از طریق وی تامین می شود.



یکی از سایت هایی که در سال ۸۸به همت نزدیکان به جریان حامی دولت و حامی محمود احمدی نژاد در خبرگزاری ایرنا وارد عرصه سایت های خبری شدند. تجربه بالای حضور در خبرگزاری ایرنا و وسعت انتشار و نقل خبر این سایت در تمامی نشریات مکتوب روزنامه «ایران» دلیلی شد تا سایت شبکه ایران به سرعت بتواند میان سایت های مشهور جا بازکند. البته حمایت بیش از حد و نیز نزدیکی به حلقه رسانه ای مشایی _جوانفکر_ کم کم این سایت را نیز به سری سایت های زنجیره ای حامی مشایی تبدیل کرده است.



سایت خبری تحلیلی تابناک، منسوب به محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام است که پس از فیلترینگ و به تعطیلی کشیده شدن وب سایت بازتاب در سال ۱۳۸۶ فعال شد.محمد قادری سردبیر فعلی وبگاه و سردار امیرعلی امیری از فرماندهان سابق نیروی انتظامی، مدیر مسؤول این سایت هستند. او به عنوان یکی از مسؤولان سایت بازتاب در شورای سیاست گذاری و هیات امنای آن فعالیت داشت.یکی از ویژگی های بارز تابناک ورود به تمام مسائل و نیز تبلیغات بالای حاشیه این سایت است. تابناک را می توان سایت پشت پرده ها امید چون با یک جستجوی خلاصه در گوگل متوجه می شوید که عمده اخبار این سایت خبر از پشت پرده ها دارد که نشانه از رابطه با منابع خبری بالادستی همچون محسن رضایی است. در حال حاضر یکی از سایت های منتقد شدید دولت این سایت است که پس از شکست محسن رضایی در انتخابات ۸۸ رویه انتقادی از دولت و نیز حمایت از اعتراض های موسوی را تا زمان غائله عاشورای ۸۸ درپی داشت. این سایت در حال حاضر قصد دارد تا به رسانه جبهه ایستادگی که متشکل از برادر و فرزند محسن رضایی است تبدیل شود. این سایت خبری در دوران فتنه به مسائلی حاشیه ای از جمله کهریزک می پرداخت.



این وب سایت که سال ۱۳۸۷ متولد شد، بزرگ ترین تحریریه خبری را در بین سایت های فارسی دارد. حسین انتظامی، علیرضا معزی، محمدهادی پروین و محمد مهاجری از گردانندگان پیشین روزنامه های همشهری و جام جم، مدیریت این سایت خبری، تحلیلی را بر عهده دارند. حضور این افراد از جام جم یعنی رسانه ای که علی لاریجانی آن را راه اندازی کرده بود جای تردیدی باقی نمی گذارد که سایت خبر آنلاین حامی پر و پاقرص علی لاریجانی و محمد باقر قالیباف است و از حمایت مادی و معنوی و خبری آن ها برخوردار است. گرچه حسن زمانی مشاور رئیس مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار «خبرنامه دانشجویان ایران» با اشاره با ابراز تاسف از عملکرد سایت خبرآنلاین، گفت: آقای لاریجانی به عملکرد سایت خبرآنلاین معترض است و بنده به نیابت از ایشان هرگونه ارتباط با این سایت را تکذیب می‌کنم.

خبرآنلاین به عنوان نسخه الکترونیکی روزنامه «خبر» که پیش از نسخه چاپی آن در اختیار مخاطبان قرار گرفته، آخرین تحلیل ها و گزارش ها از مهم ترین اتفاقات روز ایران و جهان را به صورت آنلاین در اختیار مخاطبان خود قرار می دهد. اخبار منتشر شده توسط این سایت همواره مورد استفاده سایت های ضد انقلاب چون جرس و بی بی سی و نیز روزنامه های اصلاح طلبی چون شرق بوده است.



پایگاه خبری عصر ایران، از جمله سایت های اصلاح طلب است که به پوشش خبری گسترده فتنه ۸۸ و حتی انتشار بیانیه های موسوی می پرداخت. جعفر محمدی خبرنگار سابق سایت بازتاب، مسؤولیت سردبیری آن را برعهده دارد.

این سایت پس از تابناک دومین رتبه جذب آگهی را در سایت های خبری-تحلیلی دارد.



محسن ماندگاری سردبیر فعلی روزنامه جام جم و علی شکوهی از مؤسسان هفته نامه ارزش ها و رادیو گفت و گو دو چهره نزدیک به محمد باقر قالیباف هستند که پایگاه خبری– تحلیلی فردا را از سال ۱۳۸۴ راه اندازی کردند.علی شکوهی به عنوان مدیر فردانیوز، با خبر جنجالی بازداشت شدنش، در رسانه ها شهرت بیشتری هم پیدا کرد. او پس از درج خبری در سایت فردا با شکایت دکتر فیروزآبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح مواجه شده بود. فردانیوز در خرداد ۱۳۸۶ با سردبیری مجید رفیعی دانشجوی دانشگاه امام صادق(ع) و یادداشت های مرتضی طلائی، مسیر جدیدی را دنبال کرد . اخبار این سایت بیشتر در جهت حمایت از هر کار قالیباف و انتقاد از دولت است. قابل توجه آنکه رفیعی در تابستان ۹۰ از فردا خداحافظی کرد.



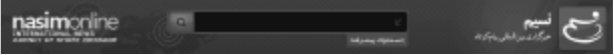
پایگاه خبری تحلیلی فرارو (نزدیک به قالیباف) خردادماه سال ۱۳۸۶ با مدیریت «محمدحسین خوشوقت» مدیر کل سابق رسانه های وزارت کشور و معاون اسبق مطبوعات خارجی وزارت ارشاد (در زمان احمد مسجدجامعی) که دانش آموخته دانشگاه امام صادق (ع) و کارمند فعلی مجمع تشخیص مصلحت نظام تأسیس شد. زهرا رفیعی نویسنده مطالب اجتماعی و نیز همسر سر دبیر فرارو در مطلبی از نزدیکی این سایت با میرحسین موسوی خبر داد . این سایت با تحریریه ۱۲ نفری در ساختمانی در خیابان ویلای تهران اداره می شود.صبح روز دوشنبه ۲۵ بهمن ماه، سایت فرارو خبری مبنی بر ”صدور مجوز تظاهرات برای راهپیمایی جنبش سبز به واسطه درخواست رئیس جمهور ترکیه“ منتشر کرد.خوشوقت در خصوص تأمین مالی این سایت می گوید:«ماهانه ۸۰ تا ۹۰ میلیون ریال هزینه و خرج داریم.»



این سایت در شب یلدای سال ۸۳ به مدیریت محمدحسین ملایری از کارکنان مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت متولد شد. مهران قاسمی، رضا انصاری راد، حسن فتحی و مهدی مهدوی آزاد در مقاطع مختلف زمانی، سردبیری این سایت را بر عهده داشتند. جهت گیری سیاسی این سایت، حمایت از دیدگاه های سیاسی و عملکرد اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و حسن روحانی رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک این مجمع و حمله و سیاه نمایی علیه دولت نهم است. یکی از نکات جالب توجه در این سایت، تغییر چند باره دفتر و تیم کاری آن است.

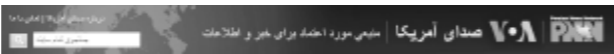


بعد از پایان فعالیت بازتاب در سال ۸۶ فواد صادقی با همکاری و کمک مهدی هاشمی رفسنجانی سایتی را به نام «آینده نیوز» راه اندازی کرد. مواضع تند علیه اصولگرایی و دولت احمدی نژاد می گرفت. مخالفت با تشییع و تدفین شهدا در دانشگاه امیرکبیر جرقه رفتار اپوزسیونی این سایت بود. انتشار اخبار کذب در دوران انتخابات ۸۸ و حمایت از میرحسین موسوی و نیز رفتار رسانه ای همگام با ستاد قیطریه میرحسن موسوی بود. این سایت بارها اخبار غیر اخلاقی را منشر کرده و البته بعد از خروج مهدی هاشمی از کشور تا کنون نتوانسته شکل سابق خود را بگیرد. عمده فعالیت های این سایت حمله به جبهه فرهنگی و سیاسی معتقد به گفتمان ۳ تیر است.

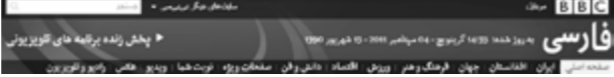


اولین خیرگزاری پیامکی ایران با نام «نسیم آنلاین» از اواسط سال ۸۹ توسط جمعی از عناصر رسانه‌ای جبهه فرهنگی انقلاب راه‌اندازی شد. این خبرگزاری قصد دارد با انتشار خبرهای کوتاه و به توزیع آن به صورت پیامکی خلع ارتباط رسانه‌ها با جریان های اجتماعی را پر کند.

جریان‌شناسی رسانه‌های ضدانقلاب



صدای آمریکا قدیمی‌ترین رادیو و تلویزیون دولتی ایالات متحده آمریکا است که برای شنوندگان خارج از آمریکا پخش می‌شود و مخاطبان آن مردم آمریکا نیستند. از سال ۱۹۴۲ تا کنون اداره جنگ اطلاعات وزارت خارجه آمریکا آژانس اطلاعات ایالت متحده بوده و تحت کنترل و نظر سیا اداره می شود. بخش فارسی رادیویی صدای آمریکا از ۱۳۵۷(۱۹۷۹) شروع به کار کرد . پخش تلویزیونی برنامه‌های فارسی نیزاز ۱۳۷۵(۱۹۹۶) ممکن شد. بخش فارسی صدای آمریکا در اوایل آوریل ۲۰۰۷با عبدالمالک ریگی رهبر جندالله گفت و گو کرد. از جمله چهره های معروف شده توسط این رسانه و سایت افرادی چون محسن سازگارا و اکبرگنجی از جمله چهره های روزنامه های زنجیره ای دولت اصلاحات هستند. اخیرا این رسانه برنامه ای به نام «پارازیت» راه انداخته است که با هجو به اهانت به مسئولان ایران می پردازد. صدای آمریکا تا کنون اخبار دروغی را در خصوص برکناری افراد مختلف در دولت احمدی نژاد منتشر کرده است. کارشناسان اعتقاد دارند رادیو صدای آمریکا به خاطر حمله های سلبی و تند به جمهوری اسلامی و تلاش برای براندازی نظام به صورت آشکار مخاطبانش را از دست داده است. گفتنی است یک شهروند ایرانی در تماسی با این رسانه به سبک یکی از سریال های نوروزی مجری صدای آمریکا را به سخره گرفته بود.



بخش فارسی بی‌بی‌سی زیرمجموعه‌ای از سرویس جهانی بی‌بی‌سی است، که به زبان فارسی از طریق رادیو، اینترنت و تلویزیون، فعالیت خبری و رسانه‌ای می‌کند. هم‌اکنون صادق صبا ریاست این بخش را برعهده دارد.این شبکه با بودجه ۲۳.۴ میلیون دلاری وزارت امور خارجه و مشترک المنافع بریتانیا اداره می‌شود. تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی پخش برنامه‌های خود را از روز ۱۴ ژانویه ۲۰۰۹ میلادی، (۲۵ دی ۱۳۸۷ خورشیدی) رمضان پور معاون مطبوعاتی مسجد جامعی و شمس الواعظین روزنامه نگار زنجیره ای اصلاح طلب آغاز نمود. وب‌گاه فارسی بی‌بی‌سی، سایت خبری فارسی‌زبان، رادیو بی‌بی‌سی است که در سال ۱۳۷۹ راه‌اندازی شد.سایت فارسی بی‌بی‌سی در ماه مه ۲۰۰۱ راه‌اندازی شد. تعداد کارمندان این شبکه ۱۵۰ نفرمی باشد. عمده فعالیت این رسانه آن است که با گفتگو با افراد مختلف خود را رسانه ای بی طرف نشان دهد. بی بی سی فارسی در ابتدای راه موج تحریم انتخابات ۸۸ ایران را راه انداخت اما با حضور میرحسین موسوی به شدت به حمایت از آن پرداخت و حتی با ستاد قیطریه موسوی در تماس بود و اخباری را از این ستاد منشر کرد. پس از انتخابات یکی از رسانه هایی که دائم اغتشاشات داخل ایران را به صورت زنده پوشش می داد. بی بی سی رسانه ای بود که کنفرانس خبری پیروزی موسوی در انتخابات را اعلام کرد و نظر زهرا رهنورد معروف به «داماد لرستان» را منتشر کرد. در اوج اغتشاشات ایران این رسانه با عبدالمالک ریگی مصاحبه زنده انجام داد که در آن ریگی همکاری خود را با موسوی و اغتشاشگران تهران اعلام کرد. این سایت تاکنون اخبار کذب بسیاری علیه جمهوری اسلامی و حتی تشکل های دانشجویی منتشر کرده است.



سایت خبری، تحلیلی روزآنلاین در اردیبهشت سال ۸۴ توسط تعدادی از فعالان مطبوعاتی اصلاح‌طلب که اکنون در خارج از کشور زندگی می‌کنند اداره می‌شود. این سایت از همان آغاز به کار، رویه‌ی مقابله با نظام جمهوری اسلامی را پیش گرفت و تنها راه نجات مردم ایران در برابر مشکلات را برقراری حکومت سکولار و لائیک دانست. بودجه‌ی این سایت، رسماً از جانب

موسسات و بنیادهای خارجی مخالف نظام به خصوص کشور هلند تأمین می‌شود. در حال حاضر هوشنگ اسدی، جاسوس نفوذی ساواک در حزب توده که پس از انقلاب به جرم جاسوسی برای ساواک و همکاری با «حزب توده ایران» دستگیر شد ، به همراه همسرش «نوشابه امیری»عضو شورای سردبیری سایت «روز آنلاین» هستند.عطاءالله مهاجرانی، وزیر دولت اصلاحات یکی از اصلی ترین حامیان روزآنلاین است که به مناسبت هزارمین روز تاسیس سایت ضدانقلابی روز آنلاین به تعریف و تمجید از این سایت پرداخت و گفت: «روزآنلاین هم در این زمان عسرت کوشیده است تا چراغ خبر و آگاهی را فروزان نگاهدارد.» از معروف‌ترین همکاران روزآنلاین می توان به اکبرگنجی، ابراهیم نبوی و مسیح علی نژاد اشاره کرد که سابقه‌ی توهین به ارزش های اسلامی را در کارنامه خود دارند.



سایت جنبش راه سبز(جرس) در تیر ماه سال ۸۸ برای انتشار اخبار و اهداف جریان فتنه راه اندازی شد.مهاجرانی،وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه همسرش جمیله کدیور و برادر همسرش، محسن کدیور از موسسین این سایت می باشند. انتشار اخبار دروغ و اغراق آمیز توسط جرس به عنوان حامی اصلی میرحسین موسوی همواره سوزه‌های جالبی را برای سایت‌های خبری دیگر فراهم کرده است. انتشار خبر حضور میرحسین موسوی در مراسم ختم فرد زنده‌ای به نام سعیده پور آقایی، انتشار نامه دروغین و توهین آمیز به مقام معظم رهبری و انتساب این نامه به رئیس قوه قضائیه، ادعای لغو سفر رهبر انقلاب به قم به به خاطر عدم استقبال علما و مراجع! و دروغ هایی از این جنس، باعث شد که جرس حتی بین اپوزسیون خارج نشین نیز بی اعتبار گردد. اکبر گنجی با اظهار نگرانی از دروغ های ساده لوحانه‌ی جرس می گوید: «دروغ سازی فقط محدود به نوشتن نامه جعلی برای صادق لاریجانی نبود و نیست. درباره سفر رهبر به قم هم دروغ هایی بسیاری بافته و ساخته شد که یکی یکی تکذیب شد: از لغو سفر رهبر به قم تا عدم دیدار مراجع تقلید با او.» جنگ زرگری بین جرس و سایت ضدانقلابی دیگر نظیر خود نویس و بالاترین نیز همواره جالب توجه بود. سایت بالاترین با اشاره به طرح «اسب تروا» برای راهپیمایی ۲۲ بهمن، گردانندگان جرس را عده‌ای دلفک روشنفکر نامید.جرس هم در واکنش به این خبر، بالاترین را نفوذی کیهان دانست.لازم به ذکر است جرس توسط بنیادهای وابسته به وزارت امورخارجه آمریکا حمایت مالی می شود، هرچند مهاجرانی هرگونه وابستگی جرس را تکذیب کرده است.



سایت خبری گويا به عنوان ارگان رسمی سیا فعالیت می کند. فرشاد بیان، سردبیر این سایت، دانش آموخته دانشکده هنرهای زیبا است و از میانه دهه هفتاد به آمریکا رفته است. وی از نزدیکان احسان نراقی (نظریه‌پرداز اصلاح‌طلبان)، ابوالحسن بنی‌صدر (رئیس‌جمهور مخلوع)، احمد سلامتیان (مشاور بنی‌صدر) و علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار فراری) است و با مدعیان اصلاح‌طلبی در داخل کشورنیز، مانند محمدعلی ابطحی، عیسی سحرخیز و مصطفی تاج‌زاده دارای تعاملات نزدیک است و اخبار ویژه خود را از آنان دریافت می‌کند. از نکات جالب در این سایت، صراحت لهجه در حمایت از آمریکا و اسرائیل است که بارها بارها در رپورتاژهای خبری به تبلیغ جریان سلطه پرداخته است. طوریکه در حمله نیروهای صهیونیستی به کشتی کاروان آزادی، به حمایت از این اقدام وحشیانه پرداخت.از همکاران این سایت می توان به احمد مالکی، روزبه امیر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء و بابک داد اشاره کرد. بابک داد برادر سیف الله داد، معاون سینمایی دوران تحت مدیریت مهاجرانی و نویسنده کتاب معروف «صد روز با خاتمی» است که در سرتاسر این کتاب، به تملق و چاپلوسی خاتمی می پردازد. نوع تبلیغات این سایت نیز دارای نکات قابل تاملی است. گویانیوز بدون هیچ ابایی تبلیغ سازمان سیا(CIA) را در پیشانی سایت خود قرار داده است تا بین وطن فروشان داخلی و استکبار جهانی نقش پل ارتباطی را بازی کند و جالب تر اینکه از این اقدام خود دفاع علنی هم کرده است و در اظهار نظری به قلم

VI

خبرنامه دانشجویان ایران

جروه آموزشی رسانه

سبز

V.

خبرنامه دانشجویان ایران

جروه آموزشی رسانه

سبز

سردبیرش، آورده است: «براساس منطق رسانه‌ای، خصوصا منطق رسانه‌های اینترنتی، نمی‌توان تبلیغ سیا را در سایت گویا مورد انتقاد قرار داد»



سایت کلمه، فعالیت خود را به عنوان سایت های اصلی حامی میرحسین موسوی در قبل از انتخابات سال ۸۸ شروع کردند و به عنوان نسخه الکترونیکی روزنامه «کلمه سبز»، آخرین اخبار و گزارش‌ها را از مجموعه انتخاباتی میرحسین موسوی پوشش می‌داد. لحن و ادبیات سایت کلمه قبل از انتخابات، مانند خود میرحسین موسوی، لحنی انقلابی و البته نفاق‌آلود نسبت جامعه داشت، اما همزمان با اعلام تقلب از سوی موسوی و گفتارها و مواضع هنجارشکنانه‌ی او، سایت کلمه نیز به یکباره تغییر موضع داد و نظام اسلامی را مورد حمله قرار داد. خط مشی سایت کلمه توسط افرادی همچون سراج میردامادی، رجیعی مزرعی، باستانی و اردشیر امیرارجمند اداره می‌شود. این سایت چندی پیش برای ایجاد هیجان در بقایای فتنه سبز مدعی شد که موسوی و همسر وی در زندان حشمتیه زندانی شده‌اند. این خبر بلافاصله به خبر اول انبوهی از رسانه های غربی و ضدانقلاب تبدیل و تا مدت ها مورد بهره برداری تبلیغاتی قرار گرفت. اما وقتی که جنجال مذکور، هیچ هیجانی را بر نینانگیزد گردانندگان خارج نشین کلمه مجبور شدند اعتراف کنند که دروغ گفته‌اند و موسوی و همسر وی در خانه خود در پاستور هستند.



بالاترین یک وب‌گاه مشارکت عمومی و بر اساس رأی کاربران است که توسط مهدی یحیی‌نژاد در تاریخ ۱۶ اوت ۲۰۰۶ شکل گرفت. در زمان شروع به کار وب‌گاه بالاترین، عضویت برای همه آزاد بود و کاربر می‌توانست نسبت به لینک دادن به هر نوع سایت یا خبرگزاری اقدام کند اما پس از مدتی این امر فقط در صورتی تحقق می‌یافت که یکی از کاربران عضو، شخص جدید را دعوت کند و در ادامه لینک دادن به بعضی از سایت و خبرگزاری‌ها از جمله خبرگزاری فارس و سایت رجانویز ممنوع شد. نگاه سطحی و بدون منطق کاربران بالاترین، همواره باعث بوجود آمدن گاف‌های زیادی در این وب‌گاه شده است. باری مثال این سایت طی خبری کذب از ازدحام شدید سبزه‌ها در چهارراه پارک وی برای رفتن به نمایشگاه کتاب گزارش داد. این خبر کذب در حالی از سوی سایت دروغ پرداز بالاترین منتشر می‌شود که نه تنها هیچ خبری در چهارراه پارک وی نیست بلکه نمایشگاه کتاب چند سالی است که دیگر در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار نمی‌شود و به مصلی تهران منتقل شده است.

در این سایت همچنین توهین سراسری به ارزش‌های اسلامی و ائمه اطهار تفریح روزانه‌ی حامیان موسوی است. لازم به ذکر است، یحیی‌نژاد دستیار سابق منوشه امیر، از گردانندگان سایت همدمی (وزارت خارجه اسرائیل) و رادیو اسرائیل است.



الفبای خبرنگاری

تحلیل و تشریح

در این نوع مقاله نویسنده سعی می‌کند با در آوردن سوابق رویداد و جزئیات کار و ربط دادن آن با رویدادهای مشابه اتفاق افتاده، ضمن کالبدشکافی و تشریح موضوع، اهداف رویداد در آینده را متصور کند.

در واقع نویسنده قصد روشننگری موضوع برای مخاطبان را دارد و می‌خواهد این برداشت خود را به خواننده انتقال دهد. این مقالات ممکن است سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... باشد.

این نوع مقالات به طور معمول درباره موضوعاتی نوشته می‌شود که نویسنده از آن احساس خطر می‌کند و قصد دارد به دیگران نیز در مورد وجود خطر هشدار دهد.

مقاله‌های تحلیلی در خصوص تهاجم فرهنگی، امضای پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی هسته‌ای، اعتیاد، معضلات اجتماعی، فرهنگی و ... از آن دسته مقالات هستند.

شیوه نگارش اعداد

برای نگارش اعداد و ارقام در متون خبری، شیوه‌هایی در نظر گرفته شده است تا هم خواندن آنها ساده‌تر شود و هم جای کمتری را بگیرد.

اعداد یک رقمی

اعداد یک رقمی به استثنای عدد (۹) در متن خبر با حروف نوشته می‌شوند و عدد (۹) به دلیل پرهیز از اشتباه در خواندن با حروف نوشته نمی‌شود.

استثنائات

- در تیتیر می‌توان اعداد را به شکل حسابی هم نوشت؛

- اعداد در آغاز سطر با رقم نوشته می‌شوند؛

- در متن اخبار نیز جداول آماری، نتایج مسابقات ورزشی، طول و عرض جغرافیایی، مواد قانون، شماره تلفن، شماره خودرو، صفحات کتاب، شماره شناسنامه، ساعات روز، شماره خانه، درجه حرارت، قد و وزن را به شکل حسابی و با رقم می‌نویسند.

نکته: مواردی که به عنوان استثنا مورد اشاره قرار گرفتند، برای اعداد بزرگتر از یک رقمی نیز صادق است.

اعداد دو و سه رقمی

اعداد دو و سه رقمی را به شکل حسابی و با رقم می‌نویسند. در این میان اعدادی که با عدد یک و مجموعه‌ای از صفر تکمیل می‌شوند مانند ده، صد، هزار و ... با حروف نوشته می‌شوند.

اعداد بالاتر از سه رقم

اعداد بالاتر از سه رقم را به شکل ترکیبی از ارقام و حروف می‌نویسند:

یک میلیون و ۴۸۲ هزار و ۸۵۰ - ۱۲ میلیون و ۴۸۰ هزار و ۹۷۰ .

اعداد اعشار: اعداد اعشاری به صورت حسابی نوشته می‌شوند: ۶۹/۵۲

درصد: درصدها به صورت ترکیبی از عدد و حروف نوشته می‌شوند: ۵۸ درصد. اعداد کسری کمتر از واحد را به حروف می‌نویسند: دو پنجم، یک سوم.

اعداد تقریبی یا تخمینی را با حروف می‌نویسند: هر ماه چهل تا پنجاه تن آرد از بین می‌رود.

اعداد ترتیبی با حروف نوشته می‌شوند: کتاب اول- کلاس پنجم- رتبه پانزدهم.

اگر اعداد بخشی از یک واژه باشند و همچنین ایام هفته با حروف نوشته می‌شوند: دوشنبه- هشت پا- سه قلو.

تاریخ را در متون خبری به صورت ترکیبی از عدد و حروف می‌نویسند: پانزدهم مهرماه ۱۳۸۰.

برای درج زمان دقیق وقوع یک رویداد ساعت و دقیقه را با دو عدد و جدا از هم می‌نویسند: ساعت ۱۲ و ۴۵ دقیقه.

نشانه گذاری در خبر

منظور از نشانه‌گذاری یا علامت‌گذاری در خبر استفاده از نشانه‌ها و علامت‌هایی است که خواندن و در نتیجه فهم درست مطالب را آسان و به رفع پاره‌ای از ابهام‌ها کمک می‌کند.

به عبارتی می‌توان گفت برای دریافت حداکثر معنا و جدا کردن جمله‌ها از یکدیگر و رعایت آنها لازم است از نشانه‌ها و علائمی بهره گرفت تا مخاطب،

پیام را به راحتی دریافت کند.

نقطه (.)

الف) نقطه برای جدا کردن جمله‌های خبری از یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد و کامل بودن جمله را می‌رساند.

ب) همچنین پس از هر حرفی که به صورت نشانه اختصاری به کار رفته باشد، نقطه به کار می‌رود.

مثال: پست و تلگراف و تلفن (P.T.T)

دو نقطه (:)

نشانه دو نقطه قبل از نقل قول مستقیم کاربرد دارد.

-از قرار دادن نشانه دو نقطه بعد از عباراتی مانند «به گفته وی»، «این گزارش حاکی است» و عباراتی نظیر اینها خودداری شود.

ویرگول (،)

ویرگول نشانه توقف یا درنگ کوتاه است و در موارد زیر کاربرد دارد.

الف) وقتی به چند کلمه موضوع واحدی اطلاق شود. مثال: آب، غذا، مسکن و هوا از لوازم اولیه حیات آدمی است.

ب) بین دو کلمه که احتمال می‌رود خواننده آنها را با کسره اضافه بخواند. مثال: هر که به طاعت از دیگران کم است و به نعمت بیش، به صورت توانگر است و به معنی درویش.

ج) جدا کردن اعداد. مثال: ۲،۴۶ و ۸ اعداد زوج هستند.

- ویرگول به کلمه قبلی می‌چسبد و از آن فاصلم نمی‌گیرد.

گیومه یا نشانه نقل قول («»)

گیومه برای نشان دادن قول مستقیم کسی غیر از نویسنده است و همچنین برای مشخص کردن کلمه یا اصطلاحی ویژه به کار می‌رود و در موارد زیر به کار می‌رود:

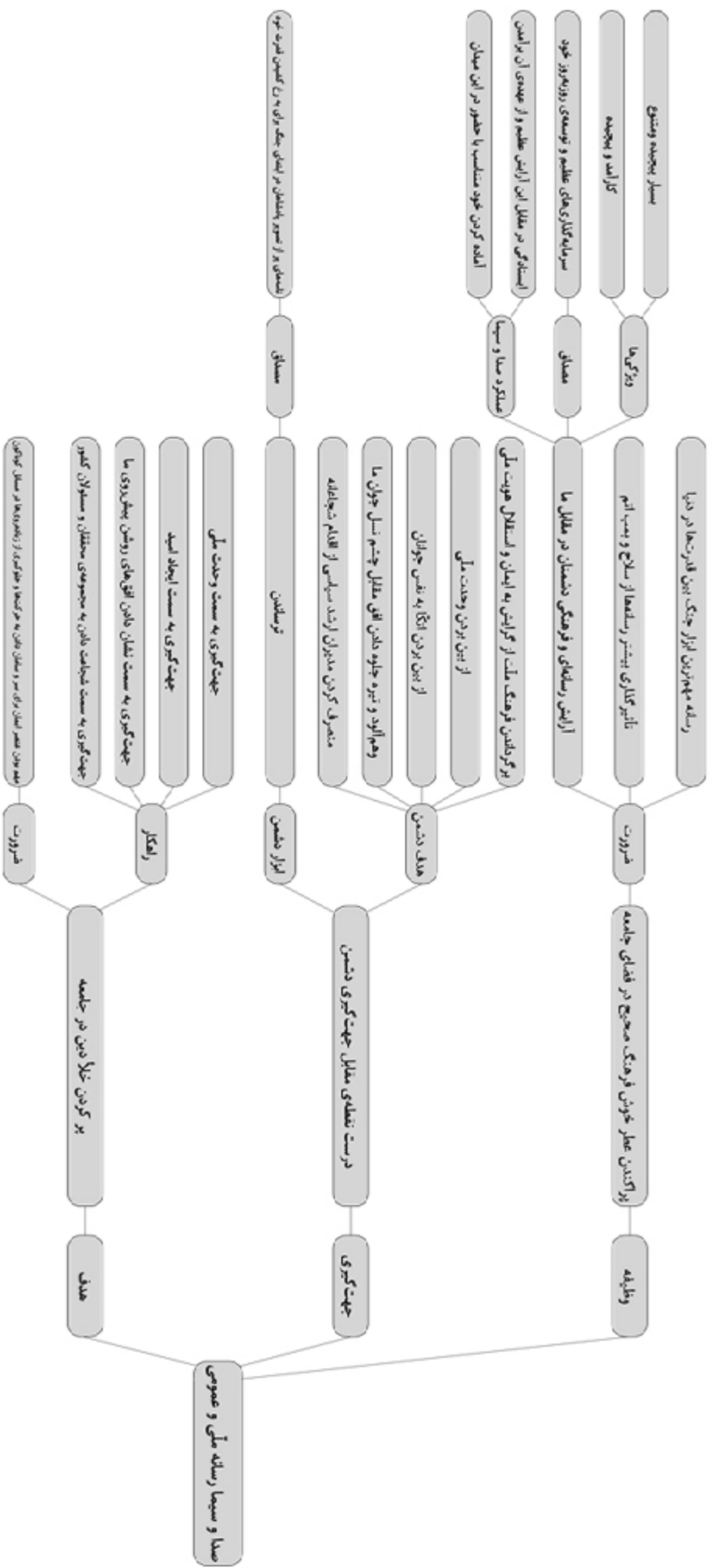
الف) هنگامی که عین سخن یا نوشته فردی را بدون هیچ تغییر و اصطلاح ادبی ذکر کنیم.

ب) در میان جملات و هنگام بیان نقل قول غیر مستقیم اماکن واژه و یا عبارتی عینا به نقل از گوینده نقل شود. برای تاکید بر اینکه این کلمه یا عبارت عین سخن گوینده است، می‌توان آن را داخل گیومه قرار داد.

مثال: رییس مجلس شورای اسلامی جوانان برگزیده در المپیادها را «فرهیختگان آینده سازان» خواند.



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارکنان صدا و سیما



سیاسی - فرهنگی - اجتماعی

این بخش از سایت که با آدرس iusnews.ir قابل دسترسی است با انتشار اخبار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران و جهان منبع خوبی برای آشنایی دانشجویان با اخبار ایران و جهان است.

صنفی - آموزشی

شما می توانید در این قسمت به تمامی اطلاعاتی که یک دانشجو در امور صنفی و آموزشی نیازمند است دسترسی پیدا کنید.

فناوری اطلاعات

جدیدترین بخش خبرنامه دانشجویان ایران که با انتشار اخبار فناوری اطلاعات ایران و جهان، جدیدترین فیلم‌ها، نرم‌افزارها، مجلات، کتاب‌های الکترونیکی، بازی‌ها، ترفندهای کاربردی و چندین محصول دیگر می‌تواند تمام نیازهای شما را در این زمینه تامین کند.

ارتباط با ما

شما می‌توانید با شماره تلفن همراه +۹۳۷۰۷۴۸۵۵۰ با ما تماس بگیرید و اخبار دانشگاه خود را در خبرنامه دانشجویان ایران منعکس کنید.



خبرنامه دانشجویان ایران را می‌توانید هر هفته در دانشگاه‌های سراسر کشور ببینید

دانشجویان سراسر کشور
اخبار خود را از
خبرنامه دانشجویان ایران
می خوانند، شما چطور؟

iusnews.ir